راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران

تألیف :

محمدبن جمیل زینو

ترجمه :

عبدالله عبداللهی

بسم الله الرحمن الرحیم



تقدیم به

❉ خواهران و برادران مربّی؛ آنان که مسؤول تربیت فرزندان هستند.

❉ خواهران و برادران معلّم که دست‌اندرکار امرِ آموزش‌اند.

❉ پدران و مادرانی که خواهان تربیت شایسته فرزندانشان می‌باشند.

❉ خواهران و برادران دانش‌آموز و دانشجو که به پیروزی، رستگاری و آینده ی درخشان چشم دوخته‌اند.

❉ دختران و پسرانی که جویای خوشبختی هستند.

* این کتاب ارزشمند را به همه مسلمانان تقدیم می‌دارم.

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

مقدمه

إنّ الحمدلله نحمده و نستعينه و نستغفره، و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا، من يهده الله فلامضل له، و من يضلل فلاهادی له.

و أشهد أن لااله إلاّ وحده لاشريک له، و أشهد أنّ محمداً(ص) عبده و رسوله.

شکی نیست که وظیفه مربی بسیار بزرگ است و اگر آن را خالصانه و به بهترین وجه در راه خدا انجام دهد و دانش‌آموزان را بر اساس تربیت اسلامی تربیت کند، کار او یکی از ارزشمندترین کارها خواهد بود.

لفظ مربی، شامل مدرسان، معلمان، پدران، مادران و تمام کسانی خواهد بود که عهده‌دار پرورش و سرپرستی فرزندان هستند.

بنابراین، مدرس، پرورش‌دهنده نسل ها است و صلاح و فساد جامعه به او بستگی دارد، و هر گاه وظیفه خود را در امر آموزش با اخلاص انجام دهد و شاگردانش را به راه دین و اخلاق و تربیت نیک راهنمایی کند، هم او هم دانش‌آموزان، در دنیا و آخرت، خوشبخت خواهند بود پیامبر(ص) به پسرعمویش علی(ع) فرموند : **(فوالله لأن يهدی الله بک رجلاً واحداً خيرٌ لک من حمر النعم)**[1]

«متفق علیه»

۱- در این جا منظور از «حمر النعم» شتران گرانبهایی است که در گذشته بهترین سرمایه مردم عربستان تلقی می‌شدند. در عصر کنونی، ماشین‌های آخرین مدل جایگزین آنها شده‌اند.

«به خدا سوگند! اگر خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت کند برای تو بهتر از شتران گرانبها و ارزشمند است».

همچنین، پیامبر(ص) فرموده‌اند :

(معلّم الخیر یستغفر له کلّ شیء، حتّی الحیتان فی البحر)

«صحیح رواه الطبرانی و غیره»

«کسی که خیر و نیکی را به دیگران می‌آموزد همه چیز حتی ماهی‌های دریا برای او طلب آمرزش می‌کنند.»

اما اگر معلّم در ادای وظیفه‌اش سهل‌انگاری کند و شاگردانش را به سوی انحراف، ایدئولوژی‌های ویرانگر و رفتار زشت سوق دهد، هم او هم شاگردانش دچار بدبختی می‌شوند و روز قیامت در حالی که بار سنگین گناه را بر دوش می‌کشد در دادگاه قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(کلّکم راعٍ و کلّکم مسؤولٌ عن رعیّته)

«متفق علیه»

«همه شما مسؤولیت دارید و در قبال زیر دستانتان بازخواست می‌شوید.»

معلّم در مدرسه مسؤول است و در قبال دانش‌آموزان باید پاسخگو باشد.

ای مربی، ای معلّم، قبل از هر چیز باید خودت را اصلاح کنی. هر کاری که تو انجام می‌دهی در نظرشاگردانت زیبا و پسندیده است؛ و از انجام هر کاری که خودداری کنی در نظر آنان زشت و ناپسند است. و رفتار نیک مربّی، معلّم و پدر و مادر بهترین روش تربیت برای فرزندان است.

این کتاب را بعد از چهل سال تجربه در امر آموزش به نگارش درآوردم تا خواهران و برادران معلّم در کار تعلیم و تربیت از آن سود برده و به این نکته پی ببرند که چگونه معلّمان موفقی شوند.

از خداوند متعال می‌خواهم که این کتاب را برای مسلمانان منشأ خیر قرار دهد و خشنودی خود را نیز، نصیب من سازد.

محمدبن جمیل زینو

وظیفه مربّی موفّق

یکی از اهداف تعلیم و تربیت، به وجود آوردن شخصیتی ایده‌آل و نمونه است. این شخصیت باید با پروردگارش در ارتباط باشد، برنامه ی زندگی‌اش را از او بگیرد، برای اصلاح جامعه‌اش اقدام نماید و مفاهیم حاکم بر جامعه را بر بنیانی مستحکم و راست بنا نهد. این است رسالت معلّم و هدف از تعلیم وتربیت.

روشن است که تربیت بر پایه‌هایی استوار است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت‌اند. اگر پایه‌های تربیت در جوامع کمونیستی، بر اساس مادّیات، نفی معنویّات و قطع رابطه ی دانش‌آموز با پروردگارش استوار است؛ و اگر ارکان تربیت در جوامع غربی، بر پایه سودجویی و بهره‌کشی، خودخواهی و بی‌بند و باری شکل گرفته است، بدون تردید پایه‌های تربیت در جوامع اسلامی بر اساس ایجاد عقیده سالم، احساسات و عواطف پاک و اخلاق والا استوار است که در رابطه ی دانش‌آموز با پروردگار، معلم، همکلاسی، مدیر مدرسه و خانواده‌اش نمود پیدا می‌کند.

اگر ما بخواهیم این رنگ و بو را به زندگی ببخشیم، بر ما لازم است که برای پرورش مربّیان موفّق، در زمینه تعلیم و تربیت اقدام نماییم.

این مربّی باید حایز شرایط لازم باشد، تا بتواند نقش یک معلّم و مربّی شایسته و مفید را ایفا کند.

ویژگی‌های مربّی موفّق در امر تعلیم و تربیت

1- مربّی موفّق باید در زمینه شغلی خود ماهر باشد؛ در روش‌های آموزشی دست به ابتکار و نوآوری بزند؛ تمام تلاش خویش را برای تربیت شایسته شاگردانش به کار گیرد؛ اطلاعاتی سودمند در اختیار آنان قرار دهد؛ ادب و اخلاق برجسته را به آنان

بیاموزد و برای دور کردن آنان از عادت‌های زشت و ناپسند تلاش نماید. بنابراین، او در آنِ واحد هم مربی است هم معلم.

2- خالصانه، واجبات و تکالیفی را که پروردگار بر دوشش نهاده است، انجام دهد و برای امّت اسلامی و شاگردانش، با گفتار و کردار و رفتار، الگوی خوبی باشد. آنچه را که برای خود و فرزندانش دوست می‌دارد، برای شاگردانش نیز، دوست بدارد و از اشتباهات آنان درگذرد، و هر گاه کسی را مورد کیفر قرار داد، در اوج مهربانی و دلسوزی او را مجازات کند. رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(لایؤمن أحدکم حتّی یحبّ لاخیه مایحبّ لنفسه) «متفق علیه»

«هیچ یک از شما ایمان ندارد مگر، آنچه برای خود دوست دارد برای برادرش نیز، دوست بدارد.»

3- یکی از خصوصیات معلّم موفّق این است که به علم و اخلاقی که به دانش‌آموزان می‌آموزد، عمل کند و گفتار و کردارش متعارض نباشند و این فرموده ی خداوند را با گوش جان بشنود :

(يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفۡعَلُونَ)

(الصف / 2-3)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و خود، آن را انجام ندهید.»

در این فرموده ی خداوند، کسانی که سخنی رامی‌گویند اما به آن عمل نمی‌کنند، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(اللهمّ انیّ أعوذبک من علمٍ لاینفع)

«رواه مسلم»

«خدایا، پناه می‌برم به تو از [شرّ] دانشی که نفعی [به آدمی] نمی‌رساند.»

شاعر در این باره می‌گوید :

یا أیها الرّجل المعلّم غیره   هلاّ لنفسک کان ذالتّعلیم

«ای کسی که به دیگران دانش می‌آموزی، چرا این دانش را برای خود به کار نمی‌بندی؟»

4- معلّم باید بداند که وظیفه ی او شبیه به وظیفه ی پیامبرانی است که خداوند آنان را برای هدایت و آموزش بشر فرستاده است تا پروردگار وخالق خویش را بشناسند.

او در ابراز محبت و دلسوزی نسبت به شاگردان باید نقش پدر را ایفا کند. همچنین، او در قبال حضور و غیاب دانش‌آموزان و توجّه به درس‌هایشان مسؤول است. او باید دانش‌آموزان را در حلّ مشکلات و سایر مواردی که به او مربوط می‌شود، یاری رساند. پیامبر(ص)می‌فرمایند :

(کلّکم راعٍ و کلّکم مسؤولٌ عن رعیّته)

«متفق علیه»

«همه شما مسؤول هستید و در قبال زیر دستانتان بازخواست می‌شوید.»

5- معلّم باید متوجه باشد که در حضور خداوند مورد پرس و جو قرار می‌گیرد که چه چیزی را به شاگردان آموخته است؟ آیا خالصانه در صدد پیدا کردن راه‌هایی برآمده است تا ارشاد و راهنمایی درست آنها را میسّر سازد؟ پیامبر(ص)می‌فرمایند :

(إنّ الله سائلٌ کلّ راعٍ عمّا استراعاه، أحفظ ذلک أم ضیّعه؟ حتّی یسأل الرّجل عن أهل بیته) «حسن رواه النسائی عن انس»

«خداوند هر کسی را که بر دیگران سرپرست کرده است مورد محاسبه قرار می‌دهد؛ آیا آن را حفظ کرده یا ضایع نموده است؟ تا جایی که، مرد درباره ی خانواده‌اش مورد پرس و جو قرار می‌گیرد.»

علاوه بر این، بر او لازم است که به گونه‌ای با آنان سخن بگوید که سخنانش را بفهمند و با هر دانش‌آموز به اندازه درک و فهم وی سخن بگوید.

علی(ع) می‌فرمایند :

(حدّثوا النّاس بما یعرفون، أتحبّون أن یکذّب الله و رسوله؟).[1]

«با زبانی با مردم سخن بگویید که می‌فهمند، آیا دوست دارید خدا و رسولش تکذیب شوند؟»

بدون تردید معلّم، بنابر موقعیت شغلی‌اش در میان دانش‌آموزانی به سر می‌برد که سطح اخلاق، تربیت و هوش آنها با هم متفاوت است، از این رو، باید به گونه‌ای عمل

۱- بخاری آن را در مبحث «علم» آورده است؛ باب کسی که دانش را در اختیار قومی قرار می‌دهد و قوم دیگر را از آن محروم کند.

کند که همه آنها را مدنظر داشته باشد، و در برخورد با آنان دلسوز باشد و به فرموده ی مربّی بزرگ، پیامبر(ص) عمل کند که می‌فرمایند :

(إنمّا أنا لکم بمنزلة الوالد أعلّمکم)

«صحیح رواه احمد و ابوداود»

«همانا من برای شما به منزله پدر هستم و شما را آموزش می‌دهم.»

6- معلم موفّق، باید با سایر همکارانش تعاون و همکاری و قصد خیرخواهی داشته باشد و برای تأمین مصلحت دانش‌آموزان با همکارانش به مشورت و تبادل نظر بپردازد تا الگوی خوبی برای شاگردانش باشد. از سوی دیگر، همه معلّمان باید رسول خدا(ص) را الگوی خود بدانند؛ زیرا خداوند در این باره، خطاب به مسلمانان می‌فرمایند :

(لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٌ)

(احزاب / 21)

«قطعاً برای شما در اقتدای به رسول خدا(ص) سرمشقی نیکوست.»

7- معلم موفّق کسی است که از نظر علمی، تواضع داشته باشد. اعتراف به حق و حقیقت یک فضیلت به شمار می‌آید، پس حق را باید پذیرفت تا همواره در اشتباهات به سر نبرد و بر آن اصرار نورزد. معلّم در حق‌جویی و اعتراف به آن، باید به سَلَفِ صالح تأسی کند؛ زیرا آنان هر گاه متوجّه می‌شدند که حقیقت چیزی بر خلاف اعتقاد و نظراتشان است، آن را می‌پذیرفتند. برای اثبات، این مدّعا را می‌توان به گفتار «ابن أبی‌حاتم» در کتاب «مقدمه جرح و تعدیل» استناد کرد؛ آنجا که به ذکر داستان مالک(رض) و منصرف شدن وی از فتوایش پس از شنیدن حدیث پیامبر(ص) می‌پردازد. وی این مسأله را این گونه ، آورده است :

[باب مربوط به پیروی مالک از پیامبر(ص)و منصرف شدن از فتوایش، هنگامی که حدیثی بر خلاف نظرش برای او از پیامبر(ص) نقل کردند]

«ابن وهب می‌گوید : شنیدیم که درباره ی خلال کردن انگشتان پا از مالک سؤال کردند و او در پاسخ گفت : این کار، سنت نیست. ابن وهب می‌افزاید : من چیزی نگفتم تا این که مردم، او را تنها گذاشتند، آنگاه به وی گفتم : به اعتقاد ما این کار، سنت است و دلیل هم داریم. گفت : دلیلتان چیست؟ گفتم : لیث بن عسد و ابن لهیعه و عمروبن حارث از یزید بن عمرو معافری از عبدالرحمن حبلی از مستورد بن شدّاد قرشی روایت کرده‌اند که گفت : 'من رسول خدا(ص)را دیدم که با انگشت کوچکش انگشتان پاهایش را خلال می‌کرد.' آنگاه مالک گفت : این حدیث، حَسَن است و من تا این لحظه آن را نشنیده بودم. ابن وهب می‌گوید : بعد از این واقعه، هنگامی که مالک درباره این موضوع، مورد سؤال قرار می‌گرفت، به خلال کردن انگشتان پا توصیه می‌نمود.[1]»

اگر ما بخواهیم تحقیق جامعی درباره نمونه‌هایی از زندگی سَلَفِ صالح به عمل آوریم، این کتاب مختصر، گنجایش آن را ندارد، لذا معلّمی که می‌خواهد در انجام وظیفه‌اش موفّق باشد، باید حق و حقیقت را گردن نهد و اگر دچار اشتباه شد به آن اعتراف کند و این خُلق و خوی بزرگ را به شاگردانش نیز، بیاموزد و ارزش و اهمیت تواضع و پذیرش حق را برایشان بیان کند. او باید این کار را عملاً در کلاس درس انجام دهد، و هر گاه پاسخ برخی از دانش‌آموزان را به سؤالات، بهتر از پاسخ خود دید، آن را اعلام کند و به برتری پاسخ فلان دانش‌آموز اعتراف نماید؛ زیرا این کار باعث می‌شود اطمینان و اعتماد دانش‌آموزان را جلب کند و شاگردانش او را دوست بدارند.

نزدیک به چهل سال است که در سمت معلّم و مربّی ایفای نقش می‌کنم؛ هیچگاه آن معلّمی را که در خواندن یک حدیث دچار اشتباه شد، از یاد نمی‌برم؛ آنگاه که یکی

۱- ر.ک : مقدمه «الجرح و التعدیل»، ص ۳۰.

از دانش‌آموزان اشتباهش را به وی گوشزد کرد؛ ایشان بر اشتباه خویش اصرار ورزیدند و به ناحق شروع به مجادله کردند. سرانجام، این معلّم از چشم دانش‌آموزان افتاد و دیگر به او اعتماد نداشتند.

همچنین، معلّمان راستگو را فراموش نمی‌کنم که به اشتباهات خود اعتراف می‌نمودند و آن را می‌پذیرفتند. به همین خاطر دانش‌آموزان، آنان را دوست داشتند و اعتماد و اطمینانشان به آنها بیشتر شد و مورد تحسین و تمجید قرار گرفتند.

چه خوب بود اگر همه معلّمان در مسیر این معلّمان راستگو حرکت می نمودند و در پذیرش حقیقت، راه آنان را دنبال می‌کردند.

8- معلّم موفّق کسی است که صداقت و وفای به عهد داشته باشد. وی باید در گفتارش صادق باشد، زیرا صداقت در همه حال منشأ خیر و برکت است.

پیامبر(ص)می‌فرمایند :

(و مایزال الرّجل یصدق و یتحرّی الصّدق حتّی یکتب عندالله صدّیقاً، و ما یزال الرّجل یکذب و یتحرّی الکذب حتّی یکتب عندالله کذّاباً)

«متفق علیه»

«آدمی پیوسته راست می‌گوید و خواهان راستی است تا این که نزد خداوند، راستگو ثبت می‌شود، و هستند کسانی که پیوسته دروغ می‌گویند و دنبال دروغ می‌روند تا این که نزد خداوند، دروغگو ثبت می‌شوند.»

بنابراین، صداقت و راستگویی، خلق و خویی بزرگ است و شایسته است که معلّم، نهالِ آن را در درون دانش‌آموزان بکارد و با عادت دادنشان بر راستگویی، این صفت ارزشمند را در نظرشان محبوب و دوست‌داشتنی جلوه دهد و حتی در شوخی کردن با آنان نیز، صداقت پیشه کند؛ زیرا رسول خدا(ص) شوخی می‌کردند؛ اما جز حق بر زبان نمی‌آورند. معلّم حتی به قصد شوخی هم نباید به دانش‌آموزان دروغ بگوید. اگر به آنان

وعده‌ای داد باید به آن پایبند باشد تا راستگویی و وفای به عهد را از گفتار و کردار وی بیاموزند؛ زیرا دانش‌آموزان، سخنان دروغ را تشخیص می‌دهند، گرچه به خاطر شرم از معلم نمی توانند پاسخ او را بدهند.

9- یکی دیگر از ویژگی‌های معلّم موفّق، صبر و استقامت است. معلم در رویارویی با مشکلات دانش‌آموزان و مسایل آموزشی باید صبور باشد، زیرا صبر و پایداری، بزرگ ترین یار و یاور او در شغل شریف معلّمی است.

خداوند متعال می‌فرمایند :

﴿ وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِ ﴾ (بقره / 45)

«و از شکیبایی و نماز یاری جویید.»

پیامبر(ص) نیز، می‌فرمایند :

(المؤمن الذّی یخالط النّاس و یصبر علی أذاهم خیرٌ من المؤمن الذّی لایخالط النّاس و لایصبر علی أذانهم) «صحیح رواه احمد»

«مؤمنی که با مردم معاشرت و نشست و برخاست دارد و آزار و اذیت آنها را تحمّل می‌کند، بهتر از مؤمنی است که با مردم نشست و برخاست ندارد و آزار و اذیتشان را تحمل نمی‌کند.»

وظیفه معلّم

وظیفه معلّم، فقط این نیست که ذهن دانش آموزان را از اطلاعات پر کُند، بلکه باید عقاید و رفتار دانش‌آموزان را از آنچه، مخالف دین مبین اسلام است، پاکسازی نماید. معلّم موفّق باید در کلاس، دانش‌آموزان را از نظر گفتار و رفتار بر اساس هدایت صحیح نبوی تربیت کند، زیرا خداوند متعال می‌فرمایند :

﴿ قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ ﴾

(آل‌عمران / 31)

«بگو : اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را ببخشاید.»

سیره پیامبر(ص) بیانگر این مطلب است که وی یک مربّی کاردان، یک معلّم و راهنمای دلسوز، مهربان، دوست‌داشتنی و مخلص بود.

پس، معلّم باید خود را به این اوصاف، به ویژه صفت اخلاص بیاراید و در کارش اخلاص پیشه کند و به مال و ثروت چشم ندوزد. اگر پول اندکی به او دادند، خدا را شکر گوید؛ اگر هم چیزی به او ندادند، صبر و استقامت کند؛ زیرا خداوند متعال او را در دنیا روزی خواهد داد و پاداش و اجر اُخروی را برای او منظور خواهد کرد.

برخی از وظایف معلّم

1- سلام کردن : هنگامی که معلّم وارد کلاس می‌شود باید سلام کند و بگوید : «السلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.» او باید بداند که رفتار و منش اسلامی، پیوند محبت و اعتماد را میان دانش‌آموزان از یک سو و میان معلّم و دانش‌آموزان از سوی دیگر تقویت می‌کند؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(أولاد أدلّکم علی شيءٍ إذا فعلتموه تحاببتم، أفشوا السّلام بینکم.) (رواه مسلم)

«آیا [می‌خواهید] چیزی را به شما بگویم که اگر آن را انجام دهید میان شما دوستی و محبت ایجاد شود؟ بر یکدیگر سلام کنید.»

کلماتی از قبیل «صبح بخیر و شب بخیر» جای سلام را نمی‌گیرد، البته بعد از سلام کردن، گفتنشان با تغییراتی اندک بلامانع است؛ مانند این که بگوید :

«صبّحک اله بالخیر».

«خداوند صبح تو را پر خیر و برکت کند.»

در این باره، ناگزیرم که عادت غلطی را خاطر نشان سازم که بسیاری از معلّمان ـ خداوند از آنان درگذرد ـ تحت تأثیر عادت و تقلید در دام آن گرفتار شده‌اند. این عادت نادرست، بلند شدن دانش‌آموزان به هنگام ورود معلّم به کلاس است؛ با این گمان که این کار نشانه ادب و احترام و تکریم مقام معلّم است؛ در حالی که سخت اشتباه می‌کنند، زیرا جز در قاموس کسانی که از شرع خدا روی می‌گردانند، خلاف شرع را نمی‌توان ادب نامید. انس بن مالک(رض) می‌گوید :

(ماکان شخصٌ أحبّ إلیهم من رّسول‌الله(ص)و کانوا إذا رأوه لم یقوموا له، لما یعلمون من کراهیته لذلک) «صحیح رواه الترمذی»

«هیچ کس نزد آنان [اصحاب] از رسول خدا(ص) محبوب تر نبود، هر گاه پیامبر(ص) به مجلس آنان می‌آمد به خاطر احترام به او بلند نمی‌شدند، چون می‌دانستند که رسول خدا(ص) از این کار خوشش نمی‌آید.»

رسول خدا(ص) مردم را از این عادت زشت برحذر می داشتند و می‌فرمودند :

(من أحبّ أن یتمثّل له النّاس قیاماً، فلیتبوّ مقعده من النّار) «صحیح رواه احمد»

«هر کس دوست بدارد که مردم برای ادای احترام به او در مقابلش برخیزند، باید جایگاهش را در آتش آماده کند.»

البته، صاحب خانه می‌تواند برای استقبال از میهمان برخیزد یا به خاطر کسی که از سفر برگشته است از جای خود بلند شود و او را در آغوش بگیرد؛ زیرا اصحابψ این

کار را کرده‌اند و این یک نوع اکرام و استقبال از میهمان یا کسی است که از مسافرت بازگشته است. در این میان، گفته ی شاعر درخور توجه نیست؛ آنجا که می‌گوید :

قم للمعلّم وفّه التّبجیلا   کاد المعلّم ان یکون رسولاً

«به خاطر ادای احترام به معلّم بلند شو و او را ارج بنه، نزدیک است که معلّم پیامبر شود.»

علت نادرست بودن گفته ی شاعر، این است که با فرموده ی پیامبر(ص) که برخاستن به خاطر دیگران را ناپسند شمرده و دوستدار آن را با آتش جهنم تهدید کرده است، منافات دارد. علاوه بر این، احترام واقعی با ایستادن در مقابل دیگران تحقّق نمی‌یابد، بلکه اطاعت و فرمانبرداری، سلام کردن، مصافحه و سایر آداب پسندیده است که مبیّن احترام شخصی به دیگری است.

2- یکی از وظایف معلّم این است که به شاگردانش بیاموزد، فقط از خدا کمک و استعانت بجویند و این توصیهٔ پیامبر(ص) به ابن عباس رضی‌الله عنهما را به آنان یاد دهد که :

(إذا سألت فاسأل الله، و إذا استعنت فاستعن بالله)

«رواه الترمذی و قال حسن صحیح»

«هرگاه چیزی را خواستی از خدا بخواه، و اگر درخواست یاری و کمک کردی از او کمک و استعانت بجوی.»

3- معلّم باید در مدرسه، نماز را به دانش‌آموزان بیاموزد و آنان را با خود به مسجد ببرد تا در نماز جماعت شرکت کنند و شخصاً بر آنها نظارت کند تا آداب مسجد را یاد بگیرند و آرام و منظم وارد آن شوند. معلّمان باید وضو گرفتن را در هفت سالگی به دانش‌آموزان دختر و پسر به طور یکسان آموزش دهند؛ چون پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(علّموا أولادكم الصّلاة إذا بلغوا سبعاً، و اضربوهم عليها إذا بلغوا عشراً، وفرّقوا بينهم فی المضاجع[1])

«صحيح رواه البزار»

«اگر فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند نماز رابه آنان بیاموزید، اگر به ده سالگی رسیدند به خاطر ترک کردن نماز آنها را بزنید و بستر خوابشان را از همدیگر جدا کنید.»

4- معلّم باید توکل و اعتماد به خدا را به دانش‌آموزان بیاموزد؛ همانطور که موسی(ع)به قومش گفت :

(فَعَلَيۡهِ تَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّسۡلِمِينَ) (یونس / 84)

«و اگر مؤمن هستید بر او توکل کنید.»

همچنین پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(لو أنّكم توكّلون على الله تعالى حقّ توكّله لرزقكم كما يرزق الطّير تغدو خماصاً، و تروح بطاناً) «صحيح رواه احمد و الترمذی»

«قطعاً اگر توکّل و اعتماد واقعی به خدا داشته باشید، خداوند روزی شما را خواهد داد؛ همانطور که پرندگان را روزی می‌دهد. صبحگاهان با شکم خالی لانه را ترک می‌کنند و شامگاهان با شکم سیر و پُر برمی‌گردند.»

البته استفاده از وسایل و امکانات واجب است؛ زیرا پیامبر(ص) به صاحب شتر فرموند :

(إعقلها و توكّل) «حسن رواه الترمذی»

---

[1] - ر.ک : صحيح الجامع، صحيح رواه البزار.

«آن را ببند و توکل کن.»

5- همچنین، معلّم باید روحیه ی فداکاری و جهاد در راه خدا را بر ضد دشمنان اسلام، یهودیان و ملحدان، در دانش‌آموزان ایجاد کند و آنان را متوجّه افتخارات گذشته ی سلف صالح و نبردهای پیامبرشان محمد(ص) نماید و عزم و اراده آنها را مصمم سازد تا در ایمان و اخلاقشان، به اصحاب رسول خدا(ص) اقتدا نمایند.

6- معلّم باید شادگرانش را متقاعد سازد که عرب‌ها قومی هستند که خداوند ایشان را به وسیله اسلام، عزّت و سربلندی بخشید، و همانطور که عمر(رض) می‌فرمایند : چنانچه عرب‌ها عزّت و سربلندی را در چیزی غیر از اسلام جست و جو کنند، خداوند آنان را به خاک مذلّت و خواری می‌نشاند.

از این رو ، پیروزی بر کفار امکان پذیر نیست جز با حاکمیّت کتاب خدا و سنت پیامبرش محمد(ص) در تمام شؤون زندگی، مجهز شدن به سلاح‌های مدرن و جوانان مسلمان و ورزیده‌ای که بر پایه مردانگی تربیت یافته‌اند و از سرچشمه ایمان سیراب گشته و با عقیده‌ای سالم، راه راستین اسلام را در پیش گرفته‌اند.

اگر معلّم در کارش خالصانه گام بردارد و در زمینه تعلیم و تربیت، پایبند روش و برنامه اسلام باشد، قادر خواهد بود نسل نیرومندی را تربیت کند که تجاوز و تعدّی متجاوزان را دفع نماید، پرچم توحید را برافرازد و دژهای کفر و شرک را در هم بکوبد، بشر سرگردان را رهایی بخشد و آن را به راه خالق و پروردگارش رهنمون سازد و از ظلم و ستمی که هم اکنون دامنگیرش شده است نجات دهد. به همین خاطر خداوند خطاب به اوّلین معلّم و مربّی بزرگ، محمد(ص) می‌فرمایند :

(كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ لِتُخۡرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ)

(ابراهیم / 2)

«این قرآن، کتابی است که آن را به سوی تو فرودآوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری؛ به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده.»

پیامبر گرامی(ص) درباره خویش می‌فرمایند :

(إنّما أنا رحمةٌ مهداة[1]) «صحیح الجامع»

«قطعاً من رحمتی هستم که به جهانیان هدیه شده‌ام.»

پس مربّیان و معلّمان باید فرستاده پروردگار جهانیان را الگو و اسوۀ خود و شاگردانشان قرار دهند؛ زیرا خداوند وی را اینگونه توصیف می‌کند :

(وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ)

(الأنبیاء / 107)

«و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

7- بر معلّم لازم است که شاگردانش را از ایدئولوژی‌های ویرانگر، مانند تفکّر کمونیستی، فرماسونری، مارکسیستی سکولاریسم و ملی‌گرایی که عرب نامسلمان را بر مسلمان غیر عرب ترجیح می‌دهد، به شدّت برحذر دارد؛ چون خداوند متعال می‌فرمایند :

(وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ) (آل‌عمران / 85)

«و هر کس جز اسلام، دینی دیگر بجوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است.»

---

[1] - ر.ک : « صحیح جامع » ،شماره ۲۲۴۵.

او همچنین، باید آنان را با مفاهیم استبداد و دموکراسی آشنا کند که بر اساس برنامه‌ای خلاف شرع خدا حکومت می‌کنند.

8- به دانش‌آموزان هشدار دهد که از والدینشان نافرمانی نکنند و در هر کاری که معصیت و نافرمانی خدا در آن نباشد، از آنان اطاعت نمایند، زیرا خداوند متعال می‌فرمایند :

(وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَٱخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا) (الأسراء / 23-24)

«و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید. اگر یکی از آنان یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها حتی «اُف» مگو، و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. و از سرِ مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو : «پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در کودکی تربیت و بزرگ نمودند.»

توصیه‌های لقمان حکیم به فرزندش

خداوند متعال می‌فرمایند :

(وَإِذْ قَالَ لُقْمَٰنُ لِٱبْنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ) (لقمان / 13)

«و [یاد کن] هنگامی که لقمان به پسر خویش در حالی که او را اندرز می‌داد گفت: ...»

1- ﴿ يَـٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ﴾

(لقمان / 13)

«فرزندم، برای خداوند شریک قرار مده، ـ از شرک در عبادت، مانند درخواست کمک از مردگان یا غایبان بپرهیز ـ زیرا شرک، ستم بزرگی است.»

پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(الدعاء هو العبادة)

«رواه الترمذی، حسن صحیح»

«دعا، عین عبادت است.»

هنگامی که این آیه نازل شد :

﴿ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ ﴾

(الأنعام / 82)

«کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند.»

بر مسلمانان سخت آمد و گفتند : کدامیک از ما بر خود ستم نمی‌کند؟ آنگاه پیامبر(ص) فرمودند:

(لیس ذلک، إنّما الشّرک، ألم تسمعوا قول لقمان لابنه :

﴿ يَـٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ﴾

(لقمان / 13)

«متفق علیه»

«نه اینطور نیست؛ در اینجا منظور از «ظلم»، «شرک» است. آیا سخن لقمان به پسرش را نشنیده‌اید که می‌فرماید : «ای پسرم، برای خدا شریک قرار مده؛ زیرا شرک، ستمی بزرگ است.»

2- ﴿ وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ﴾

(لقمان / 14)

«و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او باردار شده و هر دم به ضعف و سستی تازه‌ای دچار می‌آید، و پایان دوران شیرخوارگی او دو سال است. آری! به او سفارش کردیم که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت همه به سوی من است.»

ابن کثیر می‌گوید : سپس خداوند نیکی کردن به پدر و مادر را به خاطر حقِ بزرگی که بر گردن فرزند دارند، قرین عبادت خود قرار داد؛ زیرا مادر، فرزندش را در دوران بارداری با مشقت و سختی حمل کرده و پدر نیز، هزینه او را بر عهده می‌گیرد. از این رو، شایسته شکرگزاری از سوی فرزندانشان شده‌اند.

3- ﴿ وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗاۖ وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴾ (لقمان / 15)

«و اگر پدر و مادر، تو را واداشتند تا چیزی را که در باره آن دانشی نداری، شریک من قرار دهی؛ از آنان فرمان مَبر؛ اما در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من باز می‌گردد و سرانجام

بازگشت شما به سوی من است، و از حقیقت آنچه انجام می‌دادید شما را باخبر خواهم کرد.»

این فرموده ی پیامبر(ص)نیز، بیانگر معنای فوق است :

(لاطاعة لأحدٍ معصیتة الله، إنّما الطّاعة فی المعروف) «متفق علیه»

«در چیزی که در آن معصیت خدا وجود دارد، اطاعت از هیچ کس جایز نیست؛ اطاعت از دیگران فقط در کارهای خوب و پسندیده جایز است.»

4- (يَـٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَـٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ)

(لقمان / 16)

«پسر عزیزم، اگر عمل ـ ستم، یا گناه ـ تو هموزن دانه خردلی ، در تخته سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا آن را در روز قیامت می‌آورد، ـ و بر آن پاداش نیک یا سزا می‌دهد ـ که خدا بس دقیق و آگاه است.»

5- (يَـٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ) (لقمان / 17)

«ای پسر عزیزم، نماز را ـ با ارکان و واجبات و سنن و با خشوع ـ برپا دار.»

6- (وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ)

(لقمان / 17)

«و به کار نیک دستور ده و از کار بد نهی کن.»

7- (وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ) (لقمان / 17)

«و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش.»

لقمان دانست کسی که به نیکی دستور می‌دهد و از بدی نهی می‌کند [حتماً] دچار اذیت و آزار خواهد شد، به همین خاطر، او را به صبر و بردباری سفارش نمود.

(إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ) (لقمان / 17)

«همانا این ها از کارهایی هستند که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید.»

پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(المؤمن الذی یخالط النّاس و یصبر علی أذاهم، أفضل من المؤمن الذّی لایخالط النّاس و لایصبر علی أذاهم) «صحیح رواه احمد و غیره»

«انسان مؤمنی که با مردم معاشرت و نشست و برخاست دارد و اذیت و آزار آنان را تحمل می‌کند، بهتر از مؤمنی است که با مردم معاشرت ندارد و اذیت و آزار آنان را تحمل نمی‌کند.»

8- (وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ) (لقمان / 18)

ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید : هنگامی که با مردم سخن می‌گویی از روی تحقیر و خودبزرگ بینی رویت را از آنان برمگردان، بلکه با فروتنی و چهره گشاده با آنان صحبت کن؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(تبسّمک فی وجه أحفک لک صدقهٌ)

«صحیح رواه الترمذی و غیره»

«تبسم و خنده ی شما به روی برادر مسلمانت صدقه است.»

9- (وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًا) (لقمان / 18)

«و مغرورانه بر زمین راه مرو.»

(إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ) (لقمان / 18)

«قطعاً خداوند هیچ آدم متکبّر و مغروری را دوست نمی‌دارد.»

10- (وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ) (لقمان / 19)

«و در راه رفتنت میانه‌رو باش، نه سست و آهسته برو و نه تند و شتابان.»

«به نقل از ابن کثیر»

11- (وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ) (لقمان / 19)

«و در سخن گفتن صدایت را آهسته کن.»

12- (إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ)

(لقمان / 19)

«زیرا بی‌گمان زشت ترین صداها، صدای خران است.»

مجاهد می‌گوید : زشت ترین صدا، صدای الاغ است. در این جا صدای کسی که بسیار بلند صحبت می‌کند به صدای الاغ تشبیه شده است. بنابراین، چنین صدایی نزد خدا منفور است. این تشبیه بیانگر تحریم و نکوهش آن است؛ چون پیامبر(ص)می‌فرمایند:

(لیس منّا السّوء، العائد فی هبته کالکلب یعود فی قیئه) «رواه البخاری»

«از ما نیست کسی که الگوی بد باشد، آن کس که از هدیه و بخشش خود پشیمان می‌شود همچون سگی است که قیئی خود را باز خورد.»

(إذا سمعتم أصوات الدیكة فسلوا الله من فضله، فإنّها رأت ملكاً و إذا سمعتم نهيق الحمار فتعوّذوا بالله من الشّيطان، فانّها رأت شيطاناً[1]) «متفق علیه»

«هر گاه بانگ خروس را شنیدید، از خدا درخواست فضل و بخشش کنید؛ زیرا فرشته‌ای را دیده است، و هر گاه صدای عرعر الاغ را شنیدید از شرّ شیطان به خدا پناه ببرید، زیرا الاغ یکی از شیاطین را دیده است.»

برخی از رهنمودهای آیات سوره لقمان

1- مشروع بودن سفارش پدر به پسرش، جهت انجام کارهایی که در دنیا و آخرت برای وی سودمند است.

2- اول باید از توحید شروع کرد و از هر کار شرک‌آلودی او را برحذر داشت؛ زیرا شرک ظلم است و اعمال انسان را باطل می‌کند.

3- شکرگزاری خداوند و والدین واجب است و باید به پدر و مادر نیکی کرد و با آنان خوش‌رفتار بود.

4- اگر اطاعت از کسی باعث نافرمانی خالق شود، نباید فرمان آن شخص را پذیرفت؛ زیرا اطاعت از دیگران فقط در کارهای نیک و پسندیده جایز است.

5- تبعیّت از راه مؤمنان موحّد، واجب است و نباید از بدعت‌گذاران پیروی کرد.

6- باید در آشکار و پنهان، خدا را حاضر و ناظر دانست، و کارهای خوب و بد را حتی اگر کوچک و ناچیز باشند، نباید تحقیر نمود.

---

[1] - ر.ک :تفسیر ابن کثیر ، ج ۴۴۶/۳.

7- باید نماز را با تمام ارکان و واجبات ادا کرد.

8- واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر همراه با مهربانی و خیراندیشی، در حد توان.

پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(من رای منکم منکراً فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فبلسانه، فإن لم یستطع فبقلبه، و ذلک أضعف الإیمان) «رواه مسلم»

«هر کدام از شما کار زشت و ناپسندی را از کسی مشاهده کرد، باید عملاً از آن جلوگیری کند؛ اگر نتوانست، با سخن و پند و اندرز مانع وقوع آن شود، و اگر نتوانست با زبان مانع آن شود، در دل آن را ناپسند بدارد که این ضعیف‌ترین درجه ایمان است.»

9- کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، باید در مقابل اذیت و آزار دیگران صبور و پایدار باشد و این نشانه عزم و اراده ی او در کارها است.

10- تحریم غرور و راه رفتن متکبرانه.

11- میانه‌روی در راه رفتن امری مطلوب است، پس نه تند رفتن نه کند رفتن.

12- بلند نکردن صداـ بیش از حد نیازـ در امری که فایده ندارد؛ زیرا صدای بلند به صدای الاغ تشبیه شده است.

توصیه‌های مهم پیامبر(ص)برای فرزندان

مربّیان، مدرّسان، معلّمان، پدران و مادران، باید این توصیه‌های مفید را به فرزندان بیاموزند و برایشان روی تخته بنویسند تا آنها را در دفترهایشان یادداشت کرده و حفظ نمایند و آنگاه به شرح آنها بپردازند. در حدیثی که از ابن عباس(رض) نقل شده، آمده

است : روزی پشت سر رسول خدا(ص) سوار شده بودم. رسول خدا(ص) به من گفت : ای پسر، من چند کلمه را به تو می‌آموزم :

1- **(إحفظ الله یحفظک)** از دستورات و اوامر خداوند اطاعت کن و از کارهایی که خداوند ممنوع کرده است پرهیز کن تا خداوند تو را در دنیا و آخرت حفظ کند.

2- **(احفظ الله تجده تجاهک)** حدّ و حدود خدا را نگهدار تا خداوند تو را توفیق و یاری دهد.

3- **(إذا سألت فأسأل الله، و إذا استعنت فاستعن بالله)** هر گاه برای کارهای دنیا و آخرتت درخواست کمک کردی، از خدا کمک بجوی؛ مخصوصاً در اموری که هیچ کس جز خدای یکتا بر آنها توانایی ندارد؛ مانند شفای دردها و درخواست رزق و روزی که مختص خدای بی‌همتاست.

اربعین نووی

4- **(و اعلم أنّ الامّة لو اجتمعت علی أن ینفعوک بشیءٍ لم ینفعوک إلاّ بشیءٍ قد کتبه الله لک، و إن اجتمعوا علی أن یضرّوک بشیءٍ لم یضرّوک إلاّ بشیءٍ قد کتبه الله علیک، رفعت الاقلام و جفّت الصّحف)**

«رواه الترمذی و قال حدیث حسن صحیح»

«و بدان که اگر همه مردم دنیا جمع شوند تا نفعی به تو برسانند، جز آنچه خدا برای تو مقرر کرده است، نمی‌توانند نفعی به تو برسانند؛ و اگر همه مردم جمع شوند تا زیانی به تو برسانند، جز آنچه خدا برایت مقرر فرموده است، نخواهند توانست زیانی به تو برسانند، قلم تقدیر خداوند از ازل آن را نوشته است و همه ی سود و زیان‌هایی که به تو می‌رسد در لوح محفوظ او ثبت و ضبط شده است.»

انسان مسلمان به قضا و سرنوشتی که خداوند برای او مقدّر کرده است ـ چه خیر باشد چه شر ـ باید ایمان داشته باشد.

نکاتی که از این حدیث شریف استنباط می‌شود

1- پیامبر(ص) بچه‌ها را دوست داشته و ابن عباس را پشت سر خود سوار نموده و او را با «ای پسر» صدا کرده است.

2- رسول خدا(ص) به بچه‌ها دستور داده است از خدا اطاعت نموده و از نافرمانی او خودداری کنند تا در دنیا و آخرت خوشبخت شوند.

3- چنانچه مؤمن حق خدا و حق مردم را ادا کند، خداوند به هنگام سختی‌ها او را نجات می‌دهد.

4- ایجاد عقیده ی توحیدی در درون بچه‌ها؛ با فراخواندن خدا و درخواست کمک از او.

5- تثبیت ایمان به قضا و قدر ـ چه خیر باشد چه شرّ ـ یکی از ارکان ایمان است.

6- ایجاد روحیه خوش بینی در کودک، تا با امید و شجاعت زندگی کند و فرد سودمندی برای جامعه باشد.

برخی از آداب اسلامی

برادر مسلمانم، بدان که اسلام آداب و اخلاقی را به ارمغان آورده است که خوشبختی دنیا و آخرت را برای فرد مسلمان و جامعه ی اسلامی تضمین می‌کند. برخی از این آداب عبارتند از :

۱- پاکیزگی

در خانه و محل کار، پاکیزه باش و لباس‌ها و بدنت را مخصوصاً هنگام رفتن به مسجد برای ادای نمازها ـ به ویژه نماز جمعه ـ پاکیزه نگهدار. روز جمعه غسل کن و مواد خوشبوکننده استعمال نما، و بهترین لباس‌هایت را بپوش و با لباس‌های چرکین به مسجد نرو، زیرا موجب اذیت و آزار نمازگزاران می‌شود. با جوراب‌های چرکین و بدبو روی سجاده‌ها پا نگذار؛ زیرا نمازگزار، پیشانی و بینی‌اش را روی سجاده می‌گذارد و از بوی بد جوراب‌ها آزرده می‌شود و شاید از نماز هم بیزار گردد. سعی کن مسواک بزنی؛ به ویژه هنگام وضو گرفتن و نماز خواندن؛ زیرا پیامبر(ص) در احادیث زیادی امّتش را بر استفاده از مسواک تشویق نموده است. از جمله می‌فرمایند :

(السّواک مطهرةٌ للفم، مرضاةٌ للرّبّ)

«صحیح رواه احمد»

«مسواک زدن موجب پاکیزگی دهان و خشنودی پرودرگار می‌شود.»

قبل از رفتن به مسجد و محل کار، از خوردن سیر و پیاز خودداری کن تا نمازگزاران و همکارانت را با بوی بد آن، آزرده خاطر نسازی؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(من أکل ثوماً أوبصلاً، فلیعتزلنا، و لیعتزل مسجدنا، و لیقعد فی بیته)

«متفق علیه»

«هر کس سیر یا پیاز بخورد باید از جمع ما و مسجد ما دور شود و در خانه‌اش بنشیند.»

با توجّه به این که بوی سیگار که از دهان برخی از نمازگزاران برمی‌خیزد بسیار نفرت‌آورتر از بوی سیر و پیاز است و علما، سیگار کشیدن را به خاطر ضرر و زیانی که

به جسم و مال وارد می‌کند، تحریم کرده‌اند؛ سیگار هم جزو چیزهای ناپاکی است که خداوند امّت اسلامی را از آن برحذر داشته است و می‌فرمایند :

﴿ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ ﴾

(الأعراف / 157)

«چیزهای پاکیزه را بر آنان حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند.»

پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(لاضرر و لاضرار) «صحیح رواه احمد»

«زیان رساندن به خود و دیگران حرام است.»

از این رو، چون سیگار برای بدن زیان‌بخش است و اطرافیان را آزرده می‌سازد و باعث تلف شدن مال و ثروت می‌شود، جزو گناهان کبیره است؛ بنابراین،از کشیدن آن خودداری کن.

۲- رفتار و برخورد مردم

(الف) چیز خوبی را که برای خودت دوست می‌داری، برای دیگران هم دوست بدار؛ چون رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(لایؤمن أحدکم حتّی یحبّ لأخیه مایحبّ لنفسه) «متفق علیه»

«هیچ کس از شما ایمان ندارد مگر آنچه را که برای خود می‌پسندد، برای برادرش نیز، نپسندد.»

(ب) در خرید و فروش، با گذشت و مهربان باش، چون رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(رحم الله عبداً سمحاً إذا باع، سمحاً إذا اشترى، سمحاً إذا قضى، سمحاً إذا اقتضى)

«رواه البخاری»

«رحمت خداوند بر بنده‌ای که به هنگام خرید و فروش و به هنگام گرفتن حق خود از دیگران و به هنگام دادن حق آنان، کریمانه و با گذشت عمل می‌کند.»

(ج) با مردم ارتباط داشته باش و آنان را پند و اندرز ده و اذیت و آزارشان را تحمل کن؛ تا جزو کسانی باشی که رسول خدا(ص) درباره آنان فرموده است :

(المسلم الذّی یخالط النّاس و یصبر علی أذاهم، أفضل من المسلم الذّی لایخالطهم، و لایصبر علی أذاهم)

«رواه الترمذی و اسناده صحیح»

«مسلمانی که با مردم معاشرت و نشست و برخاست می‌کند و اذیت و آزارشان را تحمل می‌نماید، بهتر از مسلمانی است که با مردم معاشرت ندارد و اذیت و آزارشان را تحمل نمی‌کند.»

۳- انصاف و پذیرش حق

سخن حق را بپذیر اگرچه گوینده آن خُردسال یا دشمن باشد، و از نپذیرفتن حق و تحقیر کردن مردم بپرهیز؛ زیرا رسول خدا(ص) ما را از این کار برحذر داشته و می‌فرمایند :

(لایدخل الجنّة من کان فی قلبه مثقال ذرّة من کبرٍ، قیل : إنّ الرّجل یحبّ أن یکون ثوبه حسناً، و نعله حسنةً، قال : إنّ الله جمیلٌ یحبّ الجمال، الکبر بطر الحقّ و غمط النّاس)

«رواه مسلم»

«کسی که هم‌وزن ذره‌ای غرور و کبر در دل داشته باشد، وارد بهشت نمی‌شود. گفتند : کسی می‌خواهد لباس و کفشش زیبا باشد، آیا این هم غرور و کبر است؟ پیامبر(ص) فرمودند : خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. «کبر»؛ یعنی، نپذیرفتن حق و تحقیر مردم.»

٤- اعتراف به خطا و اشتباه

اگر راه خطا رفتی، به خطایت اعتراف کن و پوزش بخواه؛ زیرا اعتراف به خطا بهتر از آن است که در باطل باقی بمانی. رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(کلّ بنی آدم خطّاءٌ و خیر الخطّائین التّوابون) «رواه الترمذی و حسنه محقق جامع الاصول.»

«همه انسان‌ها دچار گناه و اشتباه می‌شوند و بهترین آنها کسانی هستند که همیشه از اشتباهات و گناهانشان توبه می‌کنند.»

التّوابون ؛ یعنی، کسانی که به اشتباهات خویش اعتراف می‌کنند و از آن دست کشیده و به سوی خدا باز می‌گردند.

٥- عدالت و حق‌گویی

(الف) در همه حال عدالت را پیشه کن حتی در تعامل با دشمنانت؛ و دشمنی با قومی، تو را وادار نکند که بر آنان ستم روا داری. خداوند متعال می‌فرمایند :

﴿ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴾ (المائده / 8)

«و نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

(ب) حق را بگو حتی اگر به زیان خودت، خویشان یا دوستانت باشد؛ زیرا این دستور خداوند است:

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلۡقِسۡطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَوِ ٱلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَۚ إِن يَكُنۡ غَنِيًّا أَوۡ فَقِيرًا فَٱللَّهُ أَوۡلَىٰ بِهِمَاۖ فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلۡهَوَىٰٓ أَن تَعۡدِلُواْۚ وَإِن تَلۡوُۥٓاْ أَوۡ تُعۡرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرًا ﴾

(النساء / 135)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید؛ هر چند به زیان خودتان یا به زیان پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد. اگر یکی از دو طرف دعوا توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو از شما سزاوارتر است؛ پس دنبال هوس نروید که در نتیجه از حق عدول کنید. و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

٦- فرمانبرداری از دستورات دین

از احکام و دستورات دین فرمانبرداری کن؛ زیرا واژه «اسلام» از (استسلام) تسلیم شدن گرفته شده است. احکام دین را با عقل و نظر خودت ارزیابی نکن؛ زیرا عقل

آدمی محدود است و به احتمال زیاد اشتباه می کند، و از تفسیر کلیات امور دینی عاجز و ناتوان می شود. از این روست که علی(ع) می‌فرمایند :

(لوکان الدّین بالرّأی لکان المسح علی أسفل الخفّ أولی من المسح علی أعلاه)

«رواه ابوداود و صححه محقق جامع الاصول»

«اگر دین خدا بر اساس رأی و نظر انسان‌ها استوار بود، مسح کردن قسمت پایین «خُفّ» از مسح قسمت بالای آن بهتر بود.»

مسلمان واقعی، کسی است که دستورات شرع را صرف نظر از شناختن علت و دلایلی که بر او پوشیده مانده است، اجرا می‌کند. او مانند سربازی است که دستور فرمانده‌اش را بدون چون و چرا اطاعت می‌کند؛ زیرا می‌داند که فرمانده‌اش از او بهتر می‌داند. هنگامی که اسلام گوشت خوک را تحریم کرد، مسلمانان این دستور را گردن نهادند و از علت آن نپرسیدند و اکنون پس از گذشت چهارده قرن، طب جدید از زیان‌های آن پرده برداشته است و به ما می‌گوید خداوند هر چیزی را که حرام نموده به خاطر ضرر و زیان‌هایی است که در بردارد.

۷- عادل بودن در وصیّت

هیچ یک از وارثان را از حقّش محروم نکن و به سهمی که خداوند برای آنان فرض کرده، راضی باش و تحت تأثیر هوا و هوس و محبت، از هیچ یک از آنان جانبداری نکن؛ به گونه‌ای که سهم بیشتری برای او در نظر بگیری. از نعمان‌بن بشیر روایت شده است که گفت :

(تصدّق علیّ أبی ببعض ماله، فقالت أمّی [عمرة بن رواحة] : لاأرضی حتیّ تشهد رسول‌الله(ص)، فانطلق أبی إلی النبیّ(ص)لیشهده علی صدقتی، فقال له

رسول‌الله(ص)؛ أفعلت هذا بولدک کلّهم؟ قال : لا، قال : اتّقوا الله واعدلوا بین أولادکم)

«متفق علیه»

«پدرم مقداری از مال و ثروتش را به من داد. مادرم، عمره دختر رواحه، گفت : تا رسول خدا(ص)را برای انجام این کار شاهد نگیری به آن رضایت نمی‌دهم. آنگاه پدرم نزد پیامبر(ص)رفت تا او را در این کار شاهد بگیرد. رسول خدا(ص) فرمودند : آیا با تمام پسرانت چنین کرده‌ای؟ پدرم گفت : خیر. رسول خدا(ص)فرمودند: از خدا بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید.»

درروایت دیگری آمده است که پیامبر(ص)فرمودند:

(فلا تشهدنی إذن، فانّی لااشهد علی جورٍ)

«أخرجه مسلم و النسائی»

«در این صورت مرا شاهد مگیر؛ زیرا من بر کارهایی که ظلم و ستم در آنها وجود دارد، گواهی نمی‌دهم.»

چه بسیارند، کسانی که راه خطا رفتند و اموال و دارایی‌شان را به نام برخی از وارثانشان ثبت کردند؛ و باعث ایجاد کینه و دشمنی و حسادت میان آنان گردیدند و کارشان به دادگاه‌ها کشیده شد و به خاطر این اشتباه، اموال و دارایی شان را ضایع کرده و دو دستی تقدیم وکلای مدافع نمودند!

۸- رعایت حقوق همسایگان

همسایه‌ات را با گفتار و کردارت اذیت و آزار مده؛ چون رسول خدا(درباره ی اذیت کردن همسایه، هشدار داده و می‌فرمایند :

(و الله لایؤمن، و الله لایؤمن، و اله یؤمن، الذّی لایأمن جاره بوائقه)

«رواه البخاری»

«به خدا قسم ایمان ندارد؛ به خدا قسم ایمان ندارد؛ به خدا قسم ایمان ندارد؛ کسی که همسایه‌اش از شرّ او درامان نیست.»

در حدیثی دیگر می‌فرمایند :

(من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر، فلایؤذ جاره) «رواه البخاری»

«کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، نباید همسایه‌اش را اذیت و آزار دهد.»

بر سر راه مردم، مخصوصاً همسایه‌هایت آشغال، پوست موز و هندوانه مینداز که باعث اذیت و آزار آنان می‌شود. مردی را می‌شناسم که به خاطر لیز خوردن روی پوست موز، پایش شکست و مدت شش ماه بستری شد.

تلاش کن اشیای آزاردهنده و مزاحم را از سر راه مردم، به ویژه همسایه‌هایت برداری، زیرا پیامبر(ص) در این باره می‌فرمایند :

(و تمیط الاذی عن الطّریق صدقةٌ)

«متفق علیه»

«برداشتن موانع از سر راه مردم صدقه است.»

هر گاه همسایه‌ات دچار مصیبتی شد، با او همدردی کن و در کاستن غم و اندوهش وی را یاری نما. صدای رادیو را بلند نکن و برای تأمین آرامش همسایه‌ها به خانواده و میهمان هایت اجازه نده با صدای بلند صحبت کنند؛ مخصوصاً زمانی که یکی از همسایه‌ها بیمار و خسته است و به خواب و استراحت احتیاج دارد.

۹- وفای به عهد و پیمان

اگر به کسی وعده دادی حتی اگر کودک هم باشد، به وعده‌ات عمل کن. اساساً معامله و خرید و فروش بر مبنای اتفاق طرفین و وفای به عهد صورت می‌گیرد و نیازی به بیعانه نیست. مؤمن در گفتارش باید صداقت پیشه کند و اگر به کسی وعده داد باید به آن عمل نماید. هر کس خلاف وعده کند، به یکی از صفات منافقان، متصف شده است؛ چون پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(آية المنافق ثلاثٌ : إذا حدّث كذب، و إذا وعد أخلف، و إذا ائتمن خان) «متفق علیه»

«نشانه ی منافق سه چیز است : هر گاه صحبت کند، دروغ بگوید؛ هر گاه وعده دهد، خلاف وعده کند؛ و هر زمان مردم به او اطمینان کنند، به آنان خیانت نماید.»

۱۰- آداب عیادت از بیماران

اسلام، عیادت از بیماران را مورد تشویق قرار داده، مخصوصاً اگر شخص بیمار، خویشاوند یا همسایه باشد. از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمودند :

(انّ الله Y يقول يوم القيامة : يا ابن آدم مرضت فلم تعدنی، قال : يا ربّ كيف أعودک و أنت ربّ العالمين؟ قال : أما علمت أنّ عبدی فلاناً مرض فلم تعده، أما علمت أنّک لو عدته لوجدتنی عنده) «رواه مسلم»

«خداوند Y در روز قیامت می‌فرمایند : ای فرزند آدم، ای فرزند آدم، بیمار شدم اما مرا عیادت نکردی. می‌گوید : پروردگارا، چگونه تو را عیادت می‌کردم، تو که رب العالمین هستی؟ خداوند می‌فرمایند : مگر ندانستی که فلان بنده من بیمار شد، اما او را عیادت نکردی؟ آیا نمی‌دانستی که اگر او را عیادت کنی مرا نزد او می‌یابی؟!»

بعضی از آداب عیادت از بیماران

(الف) ملاقات باید کوتاه باشد تا باعث رنجش خاطر بیمار نگردد. شاید او به خواب و استراحت یا قضای حاجت احتیاج داشته باشد؛ مگر این که با وی بسیار صمیمی باشی.

(ب) نزد بیمار زیاد حرف نزن، و بازگویی داستان بیماری‌اش را از او درخواست مکن.

(ج) سعی کن دل او را شاد کنی و وی را به بهبودی امیدوار سازی. رسول خدا(ص)می‌فرمایند :

(د) برای مریض دعا کن و به وی بگو : **(لابأس علیک طهور)** «برای تو زیانی ندارد، کفاره‌ی گناهانت می شود.»

(من عاد مریضاً لم یحضر أجله، فقال عنده سبع مرّتٍ : أسأل الله العظیم ربّ العرش العظیم أن یشفیک، إلاّ عافاه الله)

«صححه الحاکم و وافقه الذهبی»

«هر کس، بیماری را عیادت کند که اجلش فرانرسیده است، و هفت بار نزد او بگوید : از خداوند بزرگ، پروردگار عرش عظیم، خواهانم که تو را شفا دهد، حتماً خداوند به او تندرستی و سلامتی می‌بخشد.»

۱۱- آداب نگاه کردن

اگر زن بی‌حجابی را دیدی، چشمان خود را فروگیر؛ زیرا چشم، زنا می‌کند و زنای چشم نگاه کردن به نامحرم است. رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(یا علیّ لاتتبع النّظرة النّظرة، فإنّ الاولی لک، ولیست لک الثانیة)

«رواه احمد و غیره و حسنه الألبانی فی صحیح الجامع»

«ای علی، اگر زنی را برای بار اول نگاه کردی، نگاهت را به او تکرار مکن؛ زیرا نگاه اول برای تو جایز است اما نگاه دوم جایز نیست.»

بدان که نگاه به نامحرم، جز حسرت و پشیمانی، سودی برای تو در برندارد. اگر متأهل هستی و به زنی زیباتر از همسرت نگاه کنی، دیدگاه و برخوردت با همسرت عوض می‌شود و دچار غصه می‌شوی و با او به دعوا و نزاع می‌پردازی؛ در حالی که قبل از این نگاه حرام، از همسرت راضی بودی و احساس شادمانی می‌کردی. اگر هم مجرّد هستی، شاید نگاه به زن بیگانه باعث تحریک شهوت تو شود یا شیطان تو را به سوی ارتکاب گناه بکشاند. به همین خاطر خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرمایند :

﴿ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَـٰرِهِمْ وَيَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴾

(النور / 30)

«ای پیامبر، به مردان مؤمن بگو : آنان موظفند که از نگاه به عورت و محل زینت نامحرمان چشمان خود را فروگیرند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است.»

پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(ما ترکت فتنةً بعدی أضرّ علی الرّجال من النّساء) «رواه مسلم»

«پس از رخت بربستن من از این دنیا، زیان بارترین فتنه برای مردان، زنان هستند.»

۱۲- آداب پند و نصیحت دیگران

پیامبر(ص)، آداب نصیحت را این‌گونه به ما می‌آموزند :

(الدّین النّصیحة : قیل لمن یا رسول الله(ص)؟ قال : لله ولکتابه و لرسوله، و لائمّة المسلمین و عامّتهم) «رواه مسلم»

«دین؛ یعنی، اخلاص و دلسوزی. گفتند : برای چه کسی؟ ای رسول خدا(ص)، گفت : برای خدا، قرآن، رسول خدا(ص)، پیشوایان مسلمانان و عموم مردم.»

نصیحت کردن، دارای آدابی است که باید آنها را مراعات کرد. ما این آداب را از مربّی بزرگ، ،سرورمان محمد(ص) ،می‌آموزیم :

(الف) از انس‌بن مالک(رض) نقل شده که گفت :

(بینما نحن فی المسجد مع رسول‌الله(ص) إذجاء أعرابیٌّ، فقام یبول فی المسجد، فقال أصحاب رسول‌الله(ص) مه مه [لاتفعل] قال : قال رسول‌الله(ص): لاتزرموه، [لاتضرّوه] دعوه، فترکوه حتّی بال ثمّ إنّ رسول‌الله(ص) دعاه فقال له : إنّ هذه المساجد لاتصلح لشیء من هذا البول و لا القذر، انّما هی لذکر الله Y و الصلاة و قراءة القرآن، أو کما قال رسول‌الله(ص)، قال : فأمر رجلاً من القوم، فجاء بدلوٍ من ماءٍ فشنّه علیه [فصبّه علیه]) «رواه الشیخان»

«در حالی که، ما با رسول خدا(ص) در مسجد بودیم، ناگهان یک مرد اعرابی و بادیه‌نشین آمد و در مسجد ادرار کرد. اصحاب رسول خدا(ص) گفتند : اینجا ادرار نکن، اینجا ادرار نکن. می‌گوید : ’رسول خدا(ص) فرمودند : به او آسیبی نرسانید؛ او را رها کنید؛ تا ادرارش را تمام کند.‘ اصحاب هم او را رها کردند تا ادرارش تمام شد. سپس رسول خدا(ص)او را نزد خود خواند و به او گفت : در مساجد نباید ادرار کرد؛ مساجد فقط جای ذکر و یاد خدا و نماز و قرائت قرآن است. در روایتی دیگر آمده است که

رسول خدا(ص) به یکی از اصحاب فرمودند که یک سطل آب بیاورد، آنگاه سطل آب را روی ادرار پاشیدند.»

(ب) مسلم از معاویه بن حکم سلمی، روایت کرده است که گفت : **(بینما أنا أصلّی مع النبی(ص) إذ عطس رجل من القوم فقلت : یرحمک الله، فرمانی القوم بابصارهم، فقلت : واثکل أمّاه ما شأنکم تنظرون إلیّ؟! فجعلوا یضربون بأیدیهم علی أفخاذهم، فلمّا رأیتهم یصمتوننی لکنّنی سکتّ، فلمّا صلّی رسول‌الله(ص)، فبأبی و أمّی ما رأیت معلّماً قبله و لابعده أحسن تعلیماً منه، فو الله ما نهرنی و لاضربنی و لاشتمنی ثمّ قال : (إنّ هذه الصّلاة لایصلح فیها شیءٌ من کلام النّاس، و إنّما هی التسبیح و التّکبیر و قراءة القرآن)** «رواه مسلم»

«در حالی که با پیامبر(ص) نماز می‌خواندم، مردی در آنجا عطسه کرد. من هم گفتم :«یرحمک الله» کسانی که آنجا بودند نگاهی به من انداختند. گفتم : مادرم داغدیده شود! چرا به من نگاه می‌کنید؟ آنها با دستانشان شروع به زدن زانوهایشان کردند. هنگامی که دیدم قصد ساکت کردن مرا دارند، ساکت شدم. پس از آن که رسول خدا(ص) ـ خودم و پدر و مادرم فدای او شویم ـ نماز را خواند، به خدا سوگند نه مرا سرزنش کرد ، نه کتک زد و نه ناسزا گفت. من هیچ معلّمی را نه قبل و نه بعد از او، نیکوتر از او ندیده‌ام. سپس رسول خدا(ص) گفت : در نماز هیچ سخنی با مردم جایز نیست، تنها گفتن تسبیح و تکبیر و قرائت قرآن جایز است.»

آداب ملاقات و اجازه گرفتن

1- خداوند متعال می‌فرمایند :

(يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ
تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ
٢٧ فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدٗا فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ لَكُمۡۖ وَإِن
قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ
٢٨ لَّيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ مَسۡكُونَةٖ فِيهَا مَتَٰعٞ لَّكُمۡۚ
وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ)

(النور / 27-29)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید. و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر به شما گفته شود : «برگردید»، برگردید که آن برای شما سزاوارتر است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست. بر شما گناهی نیست به خانه‌های غیر مسکونی که حق استفاده از آنها را دارید بدون اجازه داخل شوید و خداوند می‌داند آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید.»

2- خداوند با این آداب شرعی درباره اجازه گرفتن، بندگان مؤمنش را تربیت می‌کند و به آنان فرمان می‌دهد که حقِ وارد شدن به خانه دیگران را ندارند، مگر این که پیش از وارد شدن اجازه بگیرند و پس از آن سلام کنند. مسلمانان شایسته است که سه بار کسب اجازه کنند، اگر به او اجازه داده شد وارد شود و گرنه برگردد. همچنان که در روایت صحیح آمده است که ابوموسی هنگامی که سه بار از عمر(رض) اجازه گرفت، اما به او اجازه داده نشد، برگشت. سپس عمر گفت : آیا این صدای عبدالله بن قیس نبود

که اجازه ورود می‌خواست؟ به او اجازه ورود بدهید. آنگاه دنبال او رفتند؛ اما متوجه شدند که رفته است. هنگامی که دوباره بازگشت عمر(رض) گفت : چرا برگشتی؟ گفت : سه بار اجازه ورود خواستم اما به من اجازه ندادید و من از رسول خدا(ص) شنیده‌ام که فرمودند :

(أذا استأذن أحدكم ثلاثاً و لم يؤذن له فلينصرف) «متفق علیه»

«اگر کسی از شما سه بار اجازه گرفت ،اما به او اجازه داده نشد، باید برگردد.»

عمر(رض) گفت : باید دلیل بیاوری و گرنه تو را کتک خواهم زد. آنگاه ابوموسی به نزد گروهی از اعیان انصار رفت و گفته ی عمر(رض)را برایشان نقل کرد. آنها گفتند : جز کم‌سن و سال‌ترین فرد ما کسی برای تو گواهی نمی‌دهد. آنگاه ابوسعید خدری با وی نزد عمر رفت و حقیقت موضوع را به وی گفت. عمر گفت : تجارت در بازار باعث شد که من از این حدیث غافل شوم.

درس‌هایی که از آیات و حدیث فوق می‌توان گرفت

1- شخص ملاقات‌کننده قبل از اجازه گرفتن از افراد خانواده نباید وارد خانه ی آنان شود. او باید میل و رغبت آنان به داخل شدن خود را ارزیابی کند.

2- شخص ملاقات‌کننده باید بر کسانی که از آنان دیدن می‌کند، سلام کند و بگوید :

(السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.)

(فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةً مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةً طَيِّبَةً) (النور / 61)

«هر وقت داخل خانه‌ای شدید بر همدیگر سلام کنید، سلامی که نزد خدا مبارک و خوش است.»

3- مجاهد گوید : اگر وارد مسجد شدی، بگو : **السلام علی رسول‌الله(ص).** و هر گاه وارد خانه ی خودت شدی بر افراد خانواده سلام کن، و اگر وارد خانه‌ای شدی که هیچ کس در آن نیست، بگو : **السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.** قتاده می‌گوید : ملائکه پاسخ سلام او را خواهند داد[۱]. در سلام کردن، میان زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد؛ از این رو، زن مسلمان بر زنان و مردان خویشاوندی که با او محرم هستند سلام می‌کند؛ مانند : برادرانش و پسران آنان. مرد نیز، به زنانی که برای او محرم هستند، سلام می‌کند.

4- زن بدون اجازه، حق وارد شدن به هیچ خانه‌ای را ندارد؛ همانطور که برخی از زنان چنین می‌کنند، شاید مرد در خانه تنها باشد که در این صورت خلوتشان حرام است، یا مرد،عریان با همسرش خوابیده باشد.

5- خانواده و فرزندانت را به دروغگویی عادت نده؛ مثلاً ، هر گاه در زده شد،از آنان بخواهی که بگویند: «خانه نیست»، در حالی که شما در خانه هستید، اگر مشغول کاری هستی، بهتر این است که عذرخواهی کنی، زیرا این کار برای دنیا و آخرت تو بهتر است و شخص ملاقات‌کننده هم باید عذر تو را بپذیرد؛ زیرا خداوند می‌فرمایند :

(وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ)

(النور / 28)

«و اگر به شما گفته شد : «برگردید»، برگردید که آن برای شما سزاوارتر است.»

۱- ر. ک : تفسیر ابن کثیر، ۵/۳، ۴.

6- ملاقات‌کننده یا میهمان، هنگام اجازه گرفتن نباید به درون خانه چشم بدوزد؛ زیرا اجازه گرفتن برای این است که چشم به زن‌های داخل خانه نیفتد. پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(من اطّلع فی بیت قومٍ إذنهم، فقد حلّ لهم أن یفقؤوا عینه) «رواه مسلم»

«هر کس بدون اجازه به خانه مردم نگاه کند، آنها حق دارند چشمان او را درآورند.»

پیامبر(ص) هر گاه به خانه کسی می‌رفتند ، رو به روی در نمی‌ایستادند، بلکه در گوشه ی راست یا چپ در، منتظر می‌ماندند و می‌گفتند :

(السلام علیکم، السلام علیکم)

«صحیح رواه احمد»

7- وارد خانه‌ای نشود که صاحبش یا یکی از پسران ارشد او در آنجا نیست؛ چون خداوند متعال می‌فرمایند :

(فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدٗا فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ لَكُمۡ)

(النور / 28)

«و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود.»

اجازه ی زنان بیگانه مانند خواهر زن، دختر عمو، دختر دایی، دختر خاله و زن برادر، معتبر نیست.

8- هنگام رفتن به خانه ی خویشان، از قبیل عمو، برادر و دایی، قبل از وارد شدن، کسب اجازه واجب است. حتی سنت است که از خواهرانت هم اجازه بگیری.

ابن جریح می‌گوید : از عطاءبن ریاح شنیدم که این چنین از ابن عباس نقل می‌کرد : سه آیه هست که مردم از آنها اعراض کرده‌اند، یکی از آنها این آیه است :

(إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡ) (الحجرات / 13)

«قطعاً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.»

وی می‌افزاید : مردم می‌گویند : گرامی‌ترین آنان نزد خداوند کسی است که خانه‌اش بزرگتر باشد. همچنین مردم، ادب و نزاکت را کنار گذاشته‌اند. ابن رباح می‌گوید : گفتم : اگر به نزد خواهرانم که یتیم هستند و تحت کفالت من در یک منزل زندگی می‌کنند، بروم، باز هم باید اجازه بگیرم؟ گفت : بله، ابن رباح می‌افزاید : من با او بحث و مجادله کردم تا اجازه ی چنین کاری را به من بدهد، اما او نپذیرفت. آنگاه ابن عباس گفت : آیا دوست داری آنها را لخت و عریان ببینی؟ گفتم : نه؛ گفت : پس اجازه بگیر. همچنین با زن برادر، زن عمو، زن دایی و خواهر زن در یک خانه نمی‌توان خلوت کرد؛ یا آنها را بدون حجاب و آراسته نگاه کرد. پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(ایّاکم و الدّخول علی النّساء، فقال رجل من الأنصاب یا رسول‌الله(ص)، أفرأیت الحمو[1]؟ قال : الحمو الموت) «رواه البخاری»

از خلوت کردن با زنان نامحرم دوری کنید. مردی از انصار گفت : ای رسول خدا(ص)،آیا خلوت کردن با برادر شوهر و نزدیکان او که برای زنش نامحرمند نیز، حرام است. فرمود : خلوت کردن با آنان مرگ است.»

9- اگر وارد خانه‌ات شدی، بر افراد خانواده‌ات سلام کن و قبل از وارد شدن با صدایت آنان را باخبر ساز؛ زیرا جابر ابن عبدالله می گوید :

(إذا دخلت علی أهلک فسلّم علیهم تحیّةً من عندالله مبارکةً طیبةً)

«به نقل از ابن کثیر»

---

[1] – الحمو : برادر شوهر و نزدیکان او .

«اگر وارد خانه‌ات شدی، بر افراد خانواده‌ات سلام کن؛ سلامی که نزد خدا مبارک و خوش است.»

هر گاه عبدالله بن مسعود برای کاری پیش خانواده‌اش می‌رفت، به محض رسیدن به نزدیک در، سرفه می‌کرد؛ مبادا در وضعیتی بر آنان وارد شود که برای او ناخوشایند باشد «به نقل از تفسیر ابن کثیر که می‌گوید : اسناد آن صحیح است.»

10- فرزندانت را چنان عادت بده که از دوران خردسالی، هنگام وارد شدن به خانه دیگران ـ حتی اگر از نزدیکان و خویشان باشند ـ اجازه بگیرند.

11- بهتر است که زمان ملاقاتت کوتاه باشد؛ شاید صاحب خانه با کس دیگری وعده گذاشته، یا کاری داشته باشد. خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

(فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَٱنتَشِرُوا۟ وَلَا مُسْتَـْٔنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِى ٱلنَّبِىَّ فَيَسْتَحْىِۦ مِنكُمْ ۖ وَٱللَّهُ لَا يَسْتَحْىِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ) (الاحزاب / 53)

«هنگامی که دعوت شدید، داخل شوید، و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید بی‌آنکه سرگرم سخنی گردید. این رفتار شما، پیامبر(ص) را می‌رنجاند اما از شما شرم می‌دارد، حال آن که خدا از حق‌گویی شرم نمی‌کند.»

12- بدون اجازه ی برادرت به کتاب یا نامه ی او نگاه نکن؛ ممکن است حاوی یک راز باشد.

وارد شدن بدون اجازه چه وقت جایز است؟

1- هر گاه پیشامد ناگهانی و ناگواری، مانند آتش‌سوزی اتفاق بیفتد، برای نجات خانه و ساکنان آن، بدون اجازه وارد شو.

2- بدون اجازه می‌توان وارد مکان‌های ذیل شد : هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، کاروانسراها، خانه‌هایی که مخصوص پذیرایی از میهمانان است، ادارات دولتی، مغازه‌ها، مساجد و دیگر اماکن عمومی. خداوند متعال می‌فرمایند :

(لَّيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ مَسۡكُونَةٖ فِيهَا مَتَٰعٞ لَّكُمۡ)

(النور / 29)

«بر شما گناهی نیست که به خانه‌های غیر مسکونی که حق استفاده از آنها را دارید بدون اجازه داخل شوید.»

شیوه درست اجازه گرفتن شرعی

1- هر گاه خواستی به دیدار کسی بروی، باید درِ خانه‌اش را آرام بزنی و در سمت راست در صبر کنی، تا هنگام باز شدن در، داخل منزل را نبینی. شاید زنی بیرون بیاید که نگاه کردنِ به او حرام باشد. حال اگر کسی جواب نداد، برای دومین بار آن را بکوب و کمی صبر کن، سپس بار سوم آن را بزن. پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(إذا استأذن أحدكم ثلاثاً فلم يؤذن له، فليرجع) «متفق علیه»

«اگر یکی از شما سه بار اجازه گرفت، اما به او اجازه داده نشد، باید برگردد.»

2- میان بار اول و دوم که در را می‌زنی، ترجیح داده می‌شود؛ به مقدار خواندن یک نماز منتظر بمانی. مبادا صاحب خانه در نماز باشد، البته نباید در را محکم و پی در پی بکوبی و باعث ترس و نگرانی افراد خانواده بشوی.

3- اگر به شما گفتند : چه کسی در را می‌زند، بگو : «فلانی» و نام و نام خانوادگی‌ات را بگو تا تو را بشناسند. نباید بگویی «من هستم» زیرا با گفتن این کلمه،

شناخته نمی‌شوی. از جابر(رض) روایت شده است که گفت : نزد پیامبر(ص) رفتم و در را کوبیدم، آنگاه گفتند :

(من ذا؟ فقلت : أنا، فقال رسول الله(ص) 'أنا، أنا' كأنّه كرهها)

«متفق علیه»

«چه کسی در را می‌زند؟ گفتم : من هستم، پیامبر(ص) گفتند : 'من، من' گویی که از پاسخ بدشان آمده است.»

ابن کثیر می‌گوید : پیامبر(ص) از این نوع جواب دادن خوشش نیامد؛ زیرا این لفظ، نامشخص است و تا شخص نام و نام خانوادگی خود را که به آن شهرت یافته است نگوید، شناخته نمی‌شود. هر کسی می‌تواند بگوید: «من هستم»؛ اما با این لفظ اجازه گرفته نمی‌شود

« تفسیر ابن کثیر[1]»

4- هر گاه خودت یا یکی از پسرانت در خانه بودید، به همسر و دخترانت اجازه مده در را باز کنند یا جواب تلفن را بدهند؛ اما اگر فقط زنان در خانه بودند، اشکال ندارد که از پشت در جواب دهند تا افراد بیگانه ایشان را نبینند. البته جواب باید با کلمه «چه کسی در را می‌زند» و با صدای کلفت و خشن باشد نه نرم؛ تا در شنونده ایجاد شیفتگی نکند و تحت تأثیر صدای زنان دچار اغوا و وسوسه نگردند. خداوند متعال در این باره می‌فرمایند :

(فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ)

(الاحزاب / 32)

[1] - ر.ک. : تفسیر ابن کثیر ، ج۳/۲۷۹.

«پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد»

زن نباید در را باز کند و کسی که در می زند، نباید نگاه کند؛ چون خداوند متعال می‌فرمایند:

(وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ) (الاحزاب / 53)

«چون از زنان پیامبر(ص) چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید؛ این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است.»

اجازه گرفتن فرزندان، خدمتکاران و خویشاوندان

خداوند متعال می‌فرمایند :

(يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسۡتَ‍ٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖۚ مِّن قَبۡلِ صَلَوٰةِ ٱلۡفَجۡرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعۡدِ صَلَوٰةِ ٱلۡعِشَآءِۚ ثَلَٰثُ عَوۡرَٰتٖ لَّكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ وَلَا عَلَيۡهِمۡ جُنَاحُۢ بَعۡدَهُنَّۚ طَوَّٰفُونَ عَلَيۡكُم بَعۡضُكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ)

(النور / 58)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به بلوغ نرسیده اند سه بار در شبانه‌روز از شما کسب اجازه کنند : پیش از نماز بامداد، و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان. [این،] سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما نه بر آنان گناهی نیست که در غیر این سه هنگام بدون اجازه وارد شوید. ایشان دور و بر شما در رفت و آمدند و شما نیز، دور و بر ایشان در رفت و آمدید. خداوند آیات خود را اینگونه برای شما بیان می‌کند، و خدا دانای سنجیده کار است.»

این کثیر می‌گوید : موضوع این آیه، اجازه گرفتن خویشاوندان از همدیگر است. خداوند به مؤمنان فرمان می‌دهد که خدمتکاران و کنیزان و کودکانشان که به سن بلوغ نرسیده‌اند باید در سه وقت از ایشان اجازه بگیرند :

1- پیش از نماز صبح؛ زیرا مردم در این موقع در بسترشان خوابیده‌اند.

2- هنگام قیلوله (خواب نیمروز) چون انسان در این حالت شاید همراه همسرش لباس‌ها را درآورده باشد.

3- پس از نماز عشاء که وقت خواب است. باید به خدمتکاران و خردسالان گفته شود که در این حالات نزد زن و شوهر نروند، زیرا بیم آن می‌رود که مرد با همسرش در حالت خلوت باشد. اما اگر در اوقاتی غیر از این حالت‌ها وارد اتاق آن دو شوند، بر شما گناهی نیست که به آنان اجازه دهید. آنها نیز، در این مواقع برای وارد شدن مجازند و گناهی بر آنان نیست.

4- اگر فرزندان به سن بلوغ رسیدند باید در همه حال اجازه بگیرند

« تفسیر ابن کثیر[۱]»

---

[۱] -ر.ک: تفسیر ابن کثیر ، ج ۳۰۲/۳.

بر مربّیان زن و مرد، لازم است که آداب اجتماعی اسلام درباره ی وارد شدن به خانه ی پدر را برای حفظ اخلاق کودکان، افراد بالغ و خدمتکاران به آنان بیاموزند؛ تا چیزی را که نباید ببینند، مشاهده نکنند. چه خوب است که مسؤولان تبلیغات و ارتباطات در کشورهای اسلامی، این آداب را از طریق تلویزیون و مجلات به فرزندانشان بیاموزند؛ تا به این طریق اخلاقشان را حفظ کنند. اما متأسفانه بچه‌ها صحنه‌های وسوسه‌انگیز اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی و آوازخوانی و سایر سریال‌های جنسی، که اخلاق را به تباهی می‌کشند و بر انحراف جامعه می‌افزایند، از طریق تلویزیون تماشا می‌کنند.

بر پدران و مادران واجب است که دختران و پسرانشان را به ازدواج تشویق نمایند و در مهریه، اجرای مراسم و سایر هزینه‌هایی که بر دوش جوانان سنگینی می‌کند و آنان را از ازدواج منصرف می‌سازد، زیاده روی نکنند. زیرا ممکن است ایشان را به زنا وادارد. فرزندان دختر و پسر نیز، از پدرانشان بخواهند که در ازدواج و مهریه سختگیری نکنند و به ازدواج شرعی آنان رضایت دهند، که باعث دوری از مفاسد و فتنه‌انگیزی می‌شود و تندرستی و دین و آبرویشان رادر امان می‌دارد.

برخی از آداب معلّمان

شایسته است که معلّمان در کلاس درس، نکات ذیل را رعایت کنند :

1- هنگام وارد شدن با لفظ «السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» بر دانش‌آموزان سلام کنند. الفاظ دیگری مانند «صبح بخیر» جایز نیست؛ چون در شرع خدا نیامده است. البته پس از سلام کردن می‌توان این الفاظ و امثال آن را گفت. معلّم باید دانش‌آموزان را راهنمایی کند که با لفظ «وعلیکم السلام و رحمه الله و برکاته» پاسخ

سلام را بدهند. معلّمان نباید اجازه دهند هنگام داخل شدنشان به کلاس،دانش آموزان برای ادای احترام از سر جایشان بلند شوند.

2- معلّم باید با چهره‌ای خندان با دانش‌آموزان صبحت کند؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(تبسّمک فی وجه أخیک صدقةٌ)

«صحیح رواه الترمذی و غیره»

«شاد کردن برادرت با لبخند و تبسّم، صدقه است.»

3- معلّم، درس را باید با عبارت زیر (خطبه الحاجه) که رسول اکرم(ص) سخنش را با آن آغاز می‌کرد، شروع کند :

(إنّ الحمدلله نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و سیئات أعمالنا من یهده الله فلامضل له، و من یضلل فلاهادی له.

و أشهد أن لاإله إلاّ وحده لاشریک له، و أشهد أنّ محمداً عبده و رسوله. أمّا بعد : فإنّ أصدق الحدیث کلام الله تعالی و خیر الهدی هدی محمّدٍ ... تا آخر خطبه).

«قطعاً ستایش خاص خداست، او را می‌ستاییم و از او کمک می‌جوییم و از او طلب آمرزش می‌کنیم و از بدی‌های نفس و کارهای بد به خدا پناه می‌بریم. خداوند هر کس را هدایت کند هیچ کس نمی‌تواند او را گمراه سازد و هر کس را گمراه کند هیچ کس نمی‌تواند او را هدایت نماید.

و گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی جز خدای یکتا و بی‌شریک وجود ندارد و گواهی می‌دهم که محمد(ص) بنده و فرستاده ی اوست. اما بعد : به درستی که راست ترین سخن، کلام خداوند متعال است و بهترین هدایت، هدایت پیامبر(ص) است ...»

4- استفاده از الفاظ و کلماتی که موجب تشویق و ترغیب دانش‌آموزان می‌شود : به دانش‌آموز کوشا و درس خوان بگوید : **أحسنت** (آفرین)، **بارک الله فیک**، و به دانش‌آموز ضعیف و کم‌کار بگوید : خداوند تو را اصلاح و هدایت کند. پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(و الكلمة الطّيّبة صدقة) «متفق علیه»

«و گفتن سخن نیک صدقه به شمار می‌آید»

5- از سخنی که در آن توهین و تمسخر وجود دارد پرهیز کند؛ چون دانش‌آموزان، هم‌سخنان زیبا را از معلّم یاد می‌گیرند و هم حرف‌های زشت را.

6- به دانش‌آموزانی که از درسشان غافلند و مشغول کارهای دیگری غیر از درسشان هستند یا سر کلاس با هم صحبت می‌کنند، هشدار دهد.

7- سؤال‌های درس را تنظیم کند و به دانش‌آموزان اجازه ندهد قبل از اجازه گرفتن، سؤال کنند؛ در غیر این صورت به سؤالشان پاسخ ندهد.

8- معلّمان باید آداب و اخلاق اسلامی را رعایت کنند تا دانش‌آموزان نیز، آنان را الگوی خود قرار دهند. هر گاه معلّم عطسه کرد، بگوید : **الحمدلله** و کسی که در کنار اوست بگوید : **یرحمک الله** (خدا به تو رحم کند). شخص عطسه‌کننده هم در پاسخ بگوید : «**یهدیکم الله و یصلح بالکم**» [خداوند تو را هدایت کند و وضع تو را به خیر گرداند]. و هر وقت معلّم خمیازه کشید، باید دست چپش را روی دهان بگذارد و ها، ها نکند. زیرا پیامبر(ص)از این کار نهی کرده است و می‌فرمایند:

(إذا تثاءب أحدكم فليضع يده على فمه، فإنّ الشّيطان يدخل مع التّثاؤب)

«متفق علیه»

«هر گاه یکی از شما خمیازه کشید باید دستش را روی دهانش بگذارد؛ زیرا شیطان هنگام خمیازه کشیدن داخل انسان می‌شود.»

9- معلّمان باید لباس‌هایشان را پاکیزه نگه دارند و با قیافه‌ای زیبا و بدون تکبّر به میان دانش‌آموزان بروند و به این فرموده پیامبر(ص) عمل نمایند :

(لایدخل الجنّة من کان فی قلبه مثقال ذرّة من کبر، قیل : إنّ الرّجل یحبّ أن یکون ثوبه حسناً، و نعله حسنةً، قال : إنّ الله جمیلٌ یحب الجمّال، الکبر : بطر الحقّ و غمط النّاس)

«رواه مسلم»

«کسی که یک ذرّه کبر و غرور در دل داشته باشد داخل بهشت نمی‌شود، گفتند : ای رسول خدا(ص)، مردی می‌خواهد لباس و کفشش زیبا باشد، آیا این هم نشانه غرور است؟ فرمودند : بدون تردید خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، کبر؛ یعنی، : نپذیرفتن حق و تحقیر مردم.»

10- اگر معلّمان در مدرسه‌ای تدریس می‌کنند که دانش‌آموزان دختر و پسر و معلّمان زن و مرد در آنجا مختلط‌اند ـ امری که با تعالیم اسلام منافات دارد ـ باید دانش‌آموزان پسر را در صندلی‌های جلو بنشانند و دختران را در صندلی‌های عقب؛ تا از بروز مشکلات جلوگیری شود. همچنین معلّمان و مدرّسان باید به دانش‌آموزان پسر گوشزد کنند که با دانش‌آموزان دختر اختلاط نکنند، زیرا صحبت کردن با آنان جز به قصد نصیحت، آن هم از پشت پرده نه در خلوت و تنهایی، جایز نیست. معلّمان زن نیز، نباید با معلّمان مرد مختلط شوند، بلکه در مکانی جدا و بدون اختلاط بنشینند تا عفت و پاکدامنی‌شان حفظ شود. البته، این وظیفه ی اداره آموزش و پرورش است که مدارس دخترانه و پسرانه را از هم جدا کند و بر اساس تعالیم اسلامی عمل نمایند. در این میان،

کشور عربستان سعودی مدارس دخترانه و پسرانه را از هم جدا کرده و بسیار هم موفّق بوده است. این کشور با ایجاد شعبه‌ای که ریاست آموزش دختران را بر عهده گرفته و بر آن نظارت می‌کند به جدایی مدارس دختران در کلیه مراحل پرداخته و آنان را از بروز مشکلات حاصل از اختلاط با پسران مصون داشته است. بیت زیر گویای وضعیت مدارس مختلط است :

ألقاه فی الیمّ مکتوفاً ثمّ قال له إیّاک إیّاک أن تبتلّ بالماء

«او را دست بسته به دریا افکند و سپس به او گفت : احتیاط کن که خیس نشوی.»

آداب و اخلاق دانش‌آموزان

دانش‌آموزان دختر و پسر باید آداب زیر را در سر کلاس رعایت کنند :

1- به معلّمان احترام بگذارند، زیرا آنها موضوعاتی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند که در دین و دنیا برایشان سودمند است. از سوی دیگر، سن و سال معلّمان از آنان بیشتر است. پیامبر(ص) نیز، توصیه کرده اند که برای آنان احترام قایل شویم؛ ایشان در این باره می‌فرمایند :

(لیس منّا من لم یجلّ کبیرنا، و یرحم صغیرنا، و یعرف لعالمنا حقّه)

«حسن رواه احمد»

«هر کس به بزرگسالان ما احترام نگذارد و به خردسالان ما ترحّم ننماید و حق عالمان ما را ادا نکند از ما نیست.»

2- با دقّت تمام به گفته‌های معلّمان و مدرّسان گوش دهند تا از درسشان بیشتر استفاده ببرند.

3– سر کلاس و هنگام درس جز با اجازه سخن نگویند، تا محیط کلاس آرام بماند و هرج و مرج و بی‌نظمی ایجاد نشود.

4– برای سؤال کردن اجازه بگیرند و زیاد هم سؤال نکنند تا ساعت درسی بیهوده تلف نشود.

5– از معلّمان اطاعت کنند و پند و اندرزشان را تا زمانی که به گناه و معصیّت دستور نداده‌اند، بپذیرند.

6– به چیز دیگری جز موضوعات درسی مشغول نشوند تا استفاده ی شایان از آن ببرند.

7– به دقّت درس معلّم را مورد توجّه قرار دهند و سر کلاس نخوابند.

8– نکات مهم درس را در یک دفتر ویژه، یادداشت نمایند تا هنگام یاد گرفتن دروس به آن مراجعه کنند.

9– اگر دانش‌آموزی با تأخیر به کلاس بیاید باید قبل از وارد شدن از معلّم اجازه بگیرد، سپس به دوستانش سلام کند.

10– اگر دانش‌آموزان دختر و پسر در مدرسه ی مختلطی بودند و برخی از معلّمانشان، آقا و برخی دیگر خانم باشند ـ امری که مخالف فطرت است و با تعالیم اسلام که حافظ عفت و پاکدامنی دختران است، سازگاری ندارد و متأسفانه در بیشتر کشورهای اسلامی وجود دارد ـ در چنین حالتی، دانش‌آموزان پسر نباید با دانش‌آموزان دختر مختلط شوند و همراه آنان بیرون بروند یا حرف‌های زشت به آنان بگویند ؛ در هر حال باید از آنان فاصله بگیرند. اگر ما از دانش‌آموزی بپرسیم، آیا شما دوست داری که دانش‌آموزان به خواهرت نگاه کنند و با او شوخی کنند و حرف‌های زشت به او بگویند، قطعاً نمی‌پذیرد و خواهد گفت : هرگز راضی نیستم این صحبت‌ها با خواهرم رد و بدل شود. همچنین دانش‌آموزان دیگر هم این کار را برای خواهرانشان نمی‌پسندند.

دانش‌آموزان دختر نیز، باید حجاب اسلامی و متانت خود را حفظ کنند و از دانش‌آموزان پسر دوری نمایند تا سخنان زشتی از آنان نشنوند که به آبرو و حیثیت‌شان لطمه می‌زند.

11- دانش‌آموزان دختر باید در حضور پسران، حجاب اسلامی کامل را رعایت کنند و سر و سینه و صورت خود را بپوشانند مخصوصاً در دوره ی راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه، و نباید از وسایل آرایش و سرمه و عطر استفاده کنند، زیرا این کار تنها در خانه و برای شوهر جایز است. البته استفاده از عطر و مواد خوشبوکننده برای تمام زنان هنگام بیرون رفتن از منزل حرام است؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(أيّما امرأة استعطرت، ثمّ خرجت، فمرّت على قوم ليجدوا ريحها فهي زانيةٌ و كلّ عين زانيةٌ) «حسن رواه احمد»

«هر زنی که خود را خوشبو و معطر کند، سپس از خانه خارج شود و از کنار قومی عبور نماید تا بوی خوش او به مشامشان برسد؛ چنین زنی زناکار است و هر چشمی که به نامحرم نگاه کند زناکار است.»

امری مسلم است که زنان با این کار آبرو و شرف خود را حفظ خواهند کرد. پیامبر(ص) در این باره می‌فرمایند :

(لأن يطعن في رأس أحدكم بمخيطٍ من حديدٍ خيرٌ له من أن يمسّ امرأةً لاتحلّ له)

«صحیح رواه الطبرانی و غیره»

«اگر در سر یکی از شما سوزن آهنی فروبرده شود برای او بهتر از آن است که یک زن نامحرم را لمس کند.»

معلّم مسلمان، دعوتگر است

معلّم مسلمان، باید میان برادران معلّمش دعوتگر باشد؛ با روشی حکیمانه و الگویی نیک آنان را پند دهد و به سوی ایمان و عمل صالح و اخلاق پسندیده دعوت کند و آیات زیر را در زندگی خود عملی سازد :

(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلْقَلْبِ لَٱنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى ٱلْأَمْرِ ۖ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ) (آل‌عمران / 159)

«پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. سپس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه؛ و در کارها با آنان مشورت کن؛ و زمانی که تصمیم گرفتی بر خدا توکّل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.»

(ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ ۖ وَجَٰدِلْهُم بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ) (النحل / 125)

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است به مجادله برخیز.»

بحث و جدال در این آیه، هم شامل مسلمانان می‌شود هم غیر مسلمانان.

اگر در میان معلّمان، معلّم و دانش‌آموز غیر مسلمان وجود داشت، باید با رفتار نیک با آنان برخورد کنیم و با حکمت، موعظه ی حسنه و بحث و جدال منطقی، آنها را به اسلام دعوت نماییم و عمل به این آیه ی مبارک را سرلوحه ی کار خویش قرار دهیم :

(وَلَا تُجَـٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِى هِىَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ‌ۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَـٰهُنَا وَإِلَـٰهُكُمۡ وَٲحِدٌ وَنَحۡنُ لَهُ ۥ مُسۡلِمُونَ)

(العنکبوت / 46)

«و با اهل کتاب، جز به شیوه‌ای که بهتر است، مجادله مکنید ـ مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند ـ و بگویید : به آنچه به سوی ما نازل شده و به آنچه به سوی شما نازل گردیده است، ایمان آوردیم؛ و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اوییم.»

در اینجا، برای اجرای این اصول قرآنی به ذکر چند داستان واقعی می‌پردازیم :

1- سال‌ها پیش در سوریه معلّم بودم. در مدرسه ی ما یک معلّم نصرانی به نام «جودت» تدریس می‌کرد. روزی، به نرمی با وی به گفتگو پرداختم و گفتم : آیا با من موافقی که همگی پیامبران برادرند؟ گفت : بله. گفتم : ما مسلمانان به عیسی(ع) ایمان داریم، و حتی یک سوره در قرآن کریم به نام مادرش «مریم» آمده است. من گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی جز الله نیست و محمد(ص) فرستاده خداست، و گواهی می‌دهم که عیسی رسول خداست. گفت : من هم گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقّی جز الله نیست و محمد(ص) رسول خداست. گفتم : الآن برادر دینی ما شدی و ایمان آوردن تو به محمد(ص) بر ایمان تو به عیسی(ع) افزوده است.

2- در مدرسه‌ای تدریس می‌کردم که یک دانش‌آموز نصرانی در آنجا تحصیل می‌کرد. من پیوسته داستان‌هایی که در قرآن کریم درباره عیسی و مادرش ـ علیهما السلام ـ آمده است برای او نقل می‌کردم. این کار باعث شد تا نسبت به من علاقمند شود و مرتب در کلاس درس دینی حضور پیدا کند. البته او حق داشت از کلاس خارج

شود چون غیر مسلمان بود.اما ایشان درس قرآن را پیش از دانش‌آموزان مسلمان حفظ می‌کرد، تا این که پدرش متوجه این کار شد و به خاطر تعصّب و لجاجت از حضور وی در کلاس درس تربیت اسلامی جلوگیری به عمل آورد.

3- یک دانش‌آموز نصرانی با دانش‌آموزان مسلمان درس می‌خواند. من درس تربیت اسلامی برایشان تدریس می‌کردم. این دانش‌آموز به خاطر احترام مسلمانان به عیسی و مریم و داستان‌هایی که درباره آنها می‌شنید پیوسته در این کلاس شرکت می‌کرد و سؤالات گوناگونی از من می‌پرسید.

4- بدون تردید، انسان مسلمان موظف است با افراد غیر مسلمانی که با او نشست و برخاست می‌کنند، نیک‌رفتار باشد تا محاسن و امتیازات اسلام را به آنان نشان دهد و سپس آنان را به اسلام دعوت کند. با یک کارگر «دروزی» در هتل آشنا شدم و او را برای ادای نماز دعوت کردم، اما چون نماز خواندن بلد نبود عذرخواهی کرد. از این رو، طرز وضو گرفتن و نماز خواندن را به وی آموختم و از آن پس، مرتب نمازهایش را در مسجد می‌خواند و به درس‌ها و موعظه‌هایی که در مسجد ارائه می‌شد گوش فرامی‌داد و بعضی اوقات در اتاق مرا می‌کوبید تا نماز را به جماعت بخوانیم.

حکومت اسلامی چگونه شکل گرفت؟

1- رسول اکرم(ص) دعوتش را در مکه آغاز کرد و تعداد اندکی به وی ایمان آوردند و سپس تعدادشان افزایش یافت.

2- پیامبر(ص) در مکه توانست یک گروه مسلمان تشکیل دهد و آنها را بر اساس توحید که در شعار «لااله‌الاالله» متجلی است، تربیت کند. «لااله‌الاالله»؛ یعنی، هیچ معبود به حقی جز الله وجود ندارد؛ زیرا معبودهای باطل بسیارند؛ اما معبود واقعی تنها خدای پاک و منزه است. خداوند در این باره می‌فرمایند :

(ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ) (الحج / 62)

«آری! این بدان سبب است که خداوند حق است و آنچه به جز او به فریاد می‌خوانند و پرستش می‌کنند باطل است.»

همچنین پیامبر(ص) یکی از مهم‌ترین انواع عبادت را به مردم اعلام کردند و فرمودند :

(الدّعاء هو العبادة)

«رواه الترمذی و قال حسن صحیح»

«دعا، عین عبادت است.»

رسول خدا(ص) و یارانش انواع سختی و آزار مشرکان را در مکّه تحمل کردند؛ اما پیامبر(ص) پیوسته به آنان توصیه می‌کردند تا رسیدن به پیروزی صبر و پایداری از خود نشان دهند.

3- پیامبر(ص)، پس از آن که گروهی منظم از مسلمانان مکه تشکیل دادند، در جستجوی جماعت دیگری در مدینه برآمدند و در ایّام حج با آنان تماس گرفتند و به سوی اسلام دعوت نمودند. این گروه از مردم مدینه در بیعت عقبه اول و دوم با وی بیعت کردند.

4- توجه شایان پیامبر(ص) به امر توحید آشکار بود. هنگامی که ایشان «معاذ» را به «عین» فرستادند به او گفتند :

(فلیکن أوّل ماتدعوهم إلیه شهادة أن لااله‌إلاّالله و فی روایة : إلی أن یوحّدوا الله) «متفق علیه»

«اولین چیزی که آنان را به سوی آن دعوت می‌کنی باید گواهی دادن به یگانگی خدا باشد (لااله‌الاالله) و در روایتی دیگر آمده است : تا اینکه خدا را یگانه و یکتا بدانند.»

بنابراین، هر کس که بخواهد حکومت اسلامی را تشکیل دهد، باید به تبعیت از رسول(ص) از عقیده توحیدی شروع کند و هر کس با این راه و روش مخالفت ورزد، سرانجام، دچار شکست و ناکامی می‌شود؛ زیرا در ایجاد حکومت اسلامی، بر اساس روش نبوی عمل نکرده است. این حکومت، قبل از هر چیز باید در دل‌ها ـ که اصل و اساس آن، عقیده و باور است ـ برپا شود تا در مرحله بعدی روی زمین شکل گیرد. یکی از دعوتگران معاصر می‌گوید :

«حکومت اسلامی را در دل‌هایتان برپا کنید تا در سرزمین شما نیز، برپا شود.»

بر ما واجب است که تعالیم اسلام را ـ که مهم ترین بخش آن توحید است ـ در زندگی خود و خویشان و همفکرانمان به اجرا درآوریم تا پیروزی نصیب ما شود.

سؤال : برخی می‌گویند اسلام از راه درست گرفتن قدرت و حاکمیت برمی‌گردد، برخی دیگر می‌گویند : بازگشت اسلام از راه تصحیح عقیده و تربیت امکان‌پذیر است، کدام یک درست تر است؟

جواب : دعوتگر مشهور، استاد محمد قطب، در سخنرانیی که در دارالحدیث مکّه مکرّمه ایراد کرد، این سؤال را اینگونه پاسخ می‌دهد : اگر دعوتگرانی نباشند که به اصلاح عقیده ی مردم بپردازند و از ایمانی راستین برخوردار بوده و به خاطر دینشان انواع آزار و اذیت را تحمل کرده و پایداری نمایند، چگونه حاکمیّت مجدّد دین در زمین تحقّق پیدا خواهد کرد؟ قضیه خیلی روشن است. حاکمِ مسلمان که از آسمان فرود نمی‌آید. البته همه چیز از آسمان می‌آید اما به شرط تلاش و کوشش که خداوند آن را بر انسان‌ها واجب کرده است. خداوند متعال می‌فرمایند :

﴿ وَلَوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنۡهُمۡ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَاْ بَعۡضَكُم بِبَعۡضٍۢ ﴾ (محمد / 4)

«و اگر خدا می‌خواست، از ایشان انتقام می‌گرفت اما فرمان پیکار داد تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید.»

6- پیامبر(ص) قبل از هجرت، محیط مناسبی در مدینه فراهم کردند و هنگامی که به آنجا هجرت نمودند، جامعه ی اسلامی توسط مهاجرین و انصار برپایه توحید و محبت، به وجود آمد و حکومت اسلامی با مدیریت شخص پیامبر(ص) بر مبنای قرآن و سنت شکل گرفت.

سپس ، دوران خلفای راشدین فرارسید. آنها نیز، بر همان راه پیامبر(ص) گام نهادند و سرزمین‌های زیادی را فتح کردند و این دین را به صورت کامل به ما رساندند و پیوسته پیروزی قرین آنها بود.

روش دعوت سَلَفی

1- بسیاری ازجماعت اسلامی هستند که مردم را به اسلام و اجرای شریعت و آیین خداوند دعوت کرده و برای برپایی حکومت اسلامی بسان دوره ی خلفای راشدین تلاش می‌کنند تا مجد و افتخار و عزّت مسلمانان را به آنان باز گردانند.

پیامبر(ص)، مسلمانان را دعوت کردند و به آنان فرمان دادند که به کتاب پروردگار و سنت پیامبرشان چنگ زنند. پس از او، یاران باوفایش که سلف صالح این امت هستند، برخاستند و توصیه رهبرشان را عملی کردند و سرزمین‌ها را فتح نمودند و این دین را به شکل کامل در اختیار ما قرار دادند و خداوند پیروزی بزرگی را نصیبشان ساخت.

2- بر مسلمانان واجب است که در راه سلف صالح (پیامبر(ص) و یارانش) حرکت کنند تا خداوند آنان را یاری دهد. هر گروه و جماعتی که مردم را به پیروی از کتاب خدا و سنت قولی و عملی پیامبر(ص) دعوت کند، شایستگی کمک و نصرت خداوند را

پیدا خواهد کرد و تنها آن جماعت، اهل سنت و جماعت، فرقهٔ «ناجیه» [نجات‌یافته]، طایفه «منصوره» [نصرت‌شده] و جماعت سلفی است.

3- جماعت سلفی،یکی از نزدیک ترین جماعت‌ها به قرآن و سنت است و بر عقیده ی توحیدی اهتمام می ورزند؛ امری که قرآن کریم بر آن تکیه و تأکید نموده و به ما دستور داده است تا با عبارت :

﴿ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴾ (الفاتحه / 5)

«تنها تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌جوییم.»

آن را در تمام رکعت‌های نماز تکرار کنیم.

4- سلفی‌ها پایبند سنت پیامبرند و میان احادیث صحیح و ضعیف و جعلی فرق قایل‌اند و پیروی از احادث صحیح و کنار گذاشتن احادیث ضعیف و جعلی را به مردم گوشزد می‌کنند و بر اساس این فرموده پیامبر(ص) عمل می‌نمایند :

(من قال عليّ مالم أقل فليتبوّأ مقعده من النار) «حسن رواه احمد»

«هر کس سخنی را به من نسبت دهد که آن را نگفته‌ام باید جایگاهش را در آتش معین کند.»

سلفی‌ها به سلف صالح؛ یعنی، پیامبر(ص) و اصحابش منسوب هستند و به هیچ کس دیگری انتساب ندارند. مهم ترین اصول عقیدتی‌شان عبارت است از :

(الف) فهم قرآن و سنت بر اساس فهم سلف صالح (پیامبر(ص)، اصحاب و تابعین).

(ب) اگر روایتی صحیح باشد، عقل به درستی آن گواهی می‌دهد؛ اما عکس آن درست نیست.

(ج) ما گوش به فرمان و مطیع خدا و رسولش هستیم. در گفتار، محبت خویش را به پیامبر(ص) اعلام می‌داریم و در عمل از او تبعیت می‌نماییم.

(د) دین ما، دین پیروی کردن و اطاعت است نه بدعت‌گذاری.

(هـ) در مسایل عقیده و عبادت، اصل بر تسلیم بدون چون و چراست؛ مگر این که دلیلی، آن را نقض کند؛ اما در معاملات و خوردنی‌ها، اصل بر مباح بودن است، مگر این که حکم تحریم چیزی آمده باشد.

5- هر کس که در راه قرآن و سنت و اصحاب گام بردارد، سلفی است؛ و منسوب به سلف صالح است؛ یعنی، اصحاب رسول خدا(ص)، تابعین و امامان مجتهدΨ و از اهل سنت و جماعت به شمار می‌آیند. درباره «فرقهٔ ناجیه» از جناب شیخ عبدالعزیز بن باز سؤال شد، وی در پاسخ گفت : سلفی‌ها و تمام کسانی که بر راه و رسم سلف صالح حرکت می‌کنند ـ از هر گروهی که باشند ـ فرقه ناجیه هستند.

[این سؤال و جواب را در حرم مکی شنیدم]

یک اندرز عمومی

1- بر تمام مسلمانان، چه مربیان ، چه دعوتگران و چه جماعت‌های اسلامی واجب است که رسول خدا(ص) را الگوی خود قرار دهند و در راستای افزایش و توسعه امت اسلامی، دعوت به توحید را در اولویت قرار دهند، سپس به فکر تشکیل جامعه‌ای مسلمان و شایسته باشند؛ زیرا چنانچه شرایط فراهم شود، حاکم و فرمانروایی مسلمان و دادگر که بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش(ص) حکومت می‌کند، ظهور خواهد کرد و مسلمانان، عزّت و افتخارشان را باز می‌یابند.

2- بر همه مسلمانان، به ویژه دعوتگران لازم است که قبل از درخواست اجرای شریعت از حاکمان، احکام اسلامی را در زندگی خود و خانواده‌شان پیاده کنند تا موفقیت بیشتری به دست آورند. چون ما برخی از جماعت اسلامی را دیده‌ایم که احکام اسلامی را حتی در برخورد با مردم رعایت نمی‌کنند و اگر حکمی علیه آنان داده شود، آن را نمی‌پذیرند. البته این کار از سوی برخی افراد، اتفاق افتاده است.

3- بدون تردید، تلاش برای اجرای احکام قرآن، بر هر مسلمانی واجب است؛ اما این کار با نرمی، حکمت و موعظه ی حسنه امکان‌پذیر است. خداوند در این باره می‌فرمایند :

﴿ ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ﴾ (النحل / 125)

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله کن.»

4- برخی از گروه‌های اسلامی آیه ی زیر را برای تکفیر مسلمانان، دست‌آویز قرار داده‌اند :

﴿ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴾

(المائده / 44)

«و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده است داوری نکنند، آنان بی‌گمان کافرند.»

ابن عباس می‌گوید : هر کس به «ما انزل‌الله» حکم کند و در عین حال اعتراف نماید که این کار وی، معصیت است، ظالم و فاسق است. «ابن جریر» هم این معنا را پسندیده

است. عطاء می‌گوید : این کار وی کفر اصغر است و باعث خروج انسان از دایره ی اسلام نمی‌گردد.

(الف) پس هر گاه حاکم و فرمانروایی به حقانیت «ما أنزل الله» اعتراف نماید، اما بر اساس آن حکم نکند، ظالم و فاسق است و باید به نرمی او را نصیحت نمود و برای اصلاح وی دعا کرد.

(ب) اما حاکمی که حکم خدا را انکار می‌کند یا قانون ساخته ی دست بشر را جایگزین آن می‌نماید و معتقد باشد که آن حکم وضع شده، شایسته‌تر از حکم خدا است، چنین شخصی کافر، مرتد و خارج از دایره اسلام به شمار می‌آید. این شخص را نیز، باید با نرمی و ملاطفت نصیحت کرد و در این باره باید به فرموده ی خداوند، خطاب به موسی و هارون، توجّه شود که دستور دادند تا فرعون کافر را ـ که ادعای ربوبیت می‌کرد ـ نصیحت کنند :

(ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ) (طه / 43-44)

«به سوی فرعون بروید که سرکشی کرده است، سپس به نرمی با او سخن بگویید شاید که پند پذیرد یا بترسد.»

5- دعوتگران باید در مسیر تشکیل حکومت اسلامی شکیبا باشند و به تبعیت از رسول گرامی(ص) در مقابل مصیبت‌ها مقاوم باشند و همواره مردم را به سوی توحید خدای بی‌همتا و عبادت او، دعا، تضرع به درگاه او، و جهاد در راه حاکمیت بخشیدن به دین وی، فراخوانند؛ تا جامعه ی شایسته‌ای شکل گیرد که در تمام امور زندگی، کتاب خدا و سنت رسولش را سرلوحه خویش قرار دهد.

فعالیت‌های مدرسه

فعالیت‌های مدرسه، فواید زیادی برای دانش‌آموزان دارد. این فعالیت‌ها گوناگونند؛ از جمله :

۱- سخنرانی و پند و اندرز

بهتر است که دانش‌آموزان قبل از رفتن به کلاس‌ها، در صف صبحگاهی حاضر شوند و یکی از معلّمان یا دانش‌آموزان، چند آیه و حدیث را همراه با معانی آنها، به زبان ساده برای دانش‌آموزان بخواند.

۲- داستان

بی‌شک دانش‌آموزان، علاقه ی فراوانی به داستان دارند. از این رو، معلّمان باید در خلال درس و در زنگ تفریح و دیگر اوقات فراغت، داستان‌های فراوانی برای آنان بازگو کنند؛ مخصوصاً داستان‌هایی که عقیده سالم را در دل دانش‌آموزان تثبیت می‌کند. در این جا، به ذکر داستان‌های آموزنده ای که در سیره ی پاک پیامبر(ص) آمده است، می‌پردازیم :

از معاویه بن حکم سلمی(رض) روایت شده است که گفت : «... من یک کنیز داشتم که در اطراف «اُحُد» و «جوانیه» چوپان گوسفندانم بود. روزی اطلاع یافتم که ناگهان گرگ یکی از گوسفندانم را ربوده است. من هم یک انسانم و مانند بقیه انسان‌ها ناراحت می‌شوم. به همین خاطر، سیلی محکمی به کنیزم زدم. آنگاه نزد رسول خدا(ص)رفتم و ماجرا را برایش تعریف کردم. رسول خدا(ص) این کار را قبیح شمردند. گفتم : ای رسول خدا(ص)، آیا او را آزاد کنم؟ رسول خدا(ص) فرمودند :

(إئتنی بها، فقال لها : أین الله؟ قالت فی السّماء، قال : من أنا؟ قالت : أنت رسول‌الله(ص)، قال أعتقها فإنّها مؤمنةٌ)

«رواه مسلم»

«او را پیش من بیاور؛ آنگاه، رسول خدا(ص) به وی گفت : خدا کجاست؟ گفت : بر آسمان است، رسول خدا(ص) گفت : من چه کسی هستم؟ گفت : تو رسول خدا(ص) هستی، پیامبر(ص) به معاویه فرمود : او را آزاد کن زیرا مؤمن است.»

برخی از فواید این داستان

(الف) اصحاب رسول خدا(ص) در همه مشکلاتی که برایشان پیش می‌آمد به او مراجعه می‌کردند تا حکم خدا و رسولش را درباره ی آن بدانند.

(ب) خشنودی از حکم خدا و رسولش، خداوند متعال می‌فرمایند :

(فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا)

(النساء / 65)

«به پروردگارت قسم! آنان ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه که در آن اختلاف دارند داور قرار دهند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی و تردید نکنند، و کاملاً سرتسلیم فرودآوردند.»

(ج) رسول خدا(ص)، معاویه را به خاطر کتک زدن کنیزش، سرزنش کرد و کارش را ناپسند دانست؛ بنابراین، مربیان باید متوجّه آثار زیان بار تنبیه بدنی باشند.

(د) سؤال کردن درباره ی توحید و علوّ خدا بر مخلوقاتش واجب است.

(هـ) مشروع بودن این سؤال که «خدا کجاست»؟ چون پیامبر(ص) از آن کنیز پرسیدند : خدا کجاست؟

(و) مشروع بودن این پاسخ که خدا بر آسمان است. زیرا پیامبر(ص) پاسخ کنیز را تأیید کردند.

(ز) اعتقاد به این که خداوند بر آسمان است، دلیلی بر صحت ایمان به حساب می‌آید و هر مسلمانی باید به آن اعتقاد داشته باشد. خداوند متعال، در قرآن کریم به ذکر این مطلب پرداخته و می‌فرمایند :

(ءَأَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يَخۡسِفَ بِكُمُ ٱلۡأَرۡضَ)

(الملک / 16)

«آیا از آن کس که بر آسمان است ایمن شده‌اید که شما را در زمین فروبَرَد؟»

ابن عباس می‌گوید : در این جا منظور، خداوند است.

(ح) گواهی دادن به این که محمد(ص)، رسول خدا است، مبیّن ایمان است.

(ط) کسی که می‌گوید : ذات خدا در همه جا حضور دارد، اشتباه می‌کند. درست این است که بگوییم: خدا، بر آسمان است و با علم خویش از وضعیت ما آگاه است و ما را می‌بیند و صدایمان را می‌شنود.

(ی) امتحان کردن آن کنیز توسط پیامبر(ص)، دالّ بر این حقیقت است که پیامبر(ص) علم غیب نمی‌داند، آنگونه که صوفیان می‌پندارند.

(ک) آزاد کردن برای مؤمن است نه کافر؛ زیرا پیامبر(ص) آن کنیز را امتحان کرد و هنگامی که فهمید او مؤمن است، دستور داد وی را آزاد کنند.

۳- روزنامه دیواری

یکی از فعالیت‌های مفید مدرسه، وجود روزنامه دیواری در مدرسه است که برخی از سخنان پندآمیز، ضرب‌المثل‌ها، اخبار، مسابقات و برنامه امتحانات و دیگر موضوعات در آن نوشته می‌شود. تهیه ی این روزنامه با مشارکت دانش‌آموزان و زیر نظر یکی از معلّمان صورت می‌گیرد. معلّم مزبور، بعضی از دانش‌آموزان خوش خط را برمی‌گزیند تا شعار روز یا هفته را بنویسند. این شعار می‌تواند آیه‌ای از قرآن، حدیث پیامبر(ص) ، یک بیت شعر پر محتوا یا نکته‌ای تربیتی باشد؛ مانند ابیات زیر :

و الأمامّ مدرسةٌ إذا أعددتها   أعددت شعباً طيّب الأعراق

«مادر، مدرسه‌ای است که اگر او را آماده کنی، مانند این است که یک ملت پاک تبار را آماده کرده باشی.»

ألله أسأل أن يفرّج كربنا   فالكرب لايمحوه إلا الله

«از خدا می‌خواهم که غم و غصه و ناراحتی را از ما دور کند ، زیرا جز خدا کسی ناراحتی‌ها را نمی‌زداید.»

٤- مسابقات دینی و سرگرمی

اجرای مسابقات، نقش مهمی در فعالیت ذهنی دانش‌آموزان دارد؛ مخصوصاً هنگامی که معلّم به طرح سؤالات متنوعی برای دانش‌آموزان می پردازد، هر دانش‌آموزی تلاش کند به آنها پاسخ دهد.

بهتر است که معلّم برای تشویق شرکت‌کنندگان جوایز مادی و معنوی به آنان بدهد.

٥- اردوها و بازدیدها

مدرسه موظف است تا فرصت بازدید دانش‌آموزان از مساجد، مزارع، قبرستان‌ها، کارخانه‌ها و مدارس نزدیک را فراهم کند تا معلّمان و دانش‌آموزان با همدیگر آشنا شوند. همچنین برای تفریح به روستاهای مجاور و رودخانه‌ها و کنار دریا بروند تا دانش‌آموزان، ورزش شنا را ـ که بسیار مهم است ـ یاد بگیرند.

٦- ملاقات با اولیای دانش‌آموزان

مدیر مدرسه باید اولیای دانش‌آموزان را برای بازدید از مدرسه دعوت کند تا در تربیت فرزندان با هم همکاری نمایند. مادران نیز، برای بازدید از مدارس دخترانه دعوت شوند تا با مشکلاتی که گاه و بی‌گاه اتفاق می‌افتد از نزدیک آشنا شوند. نکته بسیار مهم در این میان این است که برخورد و موضع اولیا و مربّیان در قبال دانش‌آموزان باید از وحدت رویه برخوردار باشد و هیچ‌گونه تعارض و دوگانگی در رفتار و موضع مدرسه و خانه مشاهده نشود؛ زیرا تمامی این برخوردها، بر زندگی و رفتار دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، هر گاه اولیای دانش‌آموزان اقدام ناخوشایندی از جانب معلّمان مشاهده کردند، نباید در حضور فرزندانشان به ذکر آن بپردازند، بلکه شخصاً و بدون حضور فرزندان به مدرسه مراجعه کنند تا احترام معلّمان و مدرّسان در نظر دانش‌آموزان به قوّت خود باقی بماند. باید همه بدانیم که تمام انسان‌ها دچار اشتباه می‌شوند و همانطور که در حدیث صحیح آمده است، بهترین اشتباه‌کنندگان کسانی هستند که از اشتباه خود توبه می‌کنند.

مسابقات مدرسه

باید معلّمان در میان دانش‌آموزان به اجرای مسابقات علمی بپردازند؛ زیرا مسابقه، قدرت اندیشیدن و حافظه دانش‌آموزان را بالا می‌برد و با کسب معلومات، ذهنشان شکوفا می‌شود و احساس شادی و خوشحالی می‌کنند. مسابقات دارای انواع متفاوتی است و این وظیفه ی معلّم است که مهم ترین آنها را، در اولویت قرار دهد :

۱- مسابقه حفظ قرآن کریم

معلّمان می‌توانند دانش‌آموان را به حفظ یک «سوره» یا یک «جزء» تشویق کنند و سپس دو نفری یا بیشتر با هم مسابقه بدهند و در پایان، نشان برتر یا جایزه به برندگان داده شود. البته می‌توان دامنه ی مسابقه را میان دو کلاس ، دو مدرسه ، چند شهر یا در سطح کشور گسترش داد؛ همانطور که دولت عربستان سعودی در وسایل ارتباط جمعی ،آن را اجرا می‌کند :

(الف) در برنامه‌ای تحت عنوان «ناشیء فی رحاب القرآن» که از طریق رادیو و تلویزیون پخش می‌شود،یک نوآموز با حفظ صفحاتی از قرآن به تلاوت می‌پردازد. این کار باعث تشویق کودکان در امر حفظ قرآن می‌شود. افزون بر این، جوایزی نیز، به آنان اعطا می‌گردد.

(ب) «مسابقه ی جهانی حفظ، تفسیر و تجوید قرآن کریم» که هر سال از طرف وزارت حج و اوقاف برگزار می‌شود و برندگان با اعطای جوایز مادی و معنوی مورد تشویق قرار می‌گیرند، و علاوه بر این، پاداش بزرگی را به خاطر حفظ قرآن کسب می‌کنند.

(ج) برنامه ی دیگری به نام «أبناء الاسلام» وجود دارد که یک برنامه ی اسلامی موفق است و از سوی «رابطه العالم الاسلامی» برگزار می‌گردد.

۲- مسابقه حفظ احادیث شریف

معلّمان باید مسابقه ی حفظ احادیث شریف را اجرا کنند؛ زیرا احادیث پیامبر(ص) از اهمیّت فراوان برخوردار است و پس از قرآن کریم، دومین منبع قانونگذاری محسوب می‌شود و در دین و دنیا به دانش‌آموزان سود می‌رساند.

۳- مسابقه زبان عربی

معلّمان باید به زبان عربی با دانش‌آموزان صحبت کنند و آنان را به این کار تشویق نمایند و به برگزاری مسابقه ی «مکالمه» به زبان عربی با همکلاسی‌ها و معلمانشان اقدام نمایند و به برندگانی که به زبان عربی فصیح، صحبت می کنند جوایزی اهدا نمایند.

٤- مسابقه حفظ اشعار

ما باید دانش‌آموزان را به حفظ اشعار زیبا و پر معنایی که انسان را به سوی توحید و جهاد دعوت می‌کند، تشویق و ترغیب کنیم. در جنگ احزاب، پیامبر(ص) هم زمان با حفر خندق، این اشعار «ابن رواحه» را زمزمه می‌کردند :

والله لولا ما اهتدينا   و لاتصدّقنا و لاصلّينا
فأنزلن سكينةً علينا   و ثبّت الأقدام إن لاقينا
و المشركون قدبغوا علينا   إذا أرادو فتنةً أبينا

[يرفع بها صوته أبينا أبينا]

«متفق علیه»

«به خدا سوگند! اگر خدا نبود ما هدایت نمی‌شدیم! نه صدقه می‌دادیم نه نماز می‌خواندیم. خدایا، بر ما آرامش فروریز و گام‌هایمان را هنگام رویارویی با دشمن ثابت گردان. مشرکین، علیه ما دست به تجاوز و تعدّی زدند، چنانچه بخواهند ما را از دینمان برگردانند، هرگز نمی‌پذیریم (پیامبر(ص) هنگام گفتن کلمه ی «ابینا» صدایش را بلند می‌کرد).»

چگونه قرآن کریم را تدریس کنیم؟

1- معلّم، سوره یا آیاتی را که باید حفظ شوند با خط واضح و حرکت‌گذاری روی تخته سیاه یا وایت بُرد می‌نویسد و آن را به دیوار آویزان می‌کند. البته می‌توان از خود قرآن هم استفاده کرد.

2- معلّم، متن آیات قرآنی را با صدایی زیبا و رسا و آیه به آیه تلاوت می‌کند. هنگامی که از «اُم سلمه» درباره ی قرآن خواندن پیامبر(ص) سؤال شد، در پاسخ گفتند : پیامبر(ص) قرآن را آیه آیه می‌خواندند :

() (الفاتحه / 1-4)

«صحیح رواه الترمذی»

3- اگر دانش‌آموزان خردسال باشند، می‌توانند آیات را با معلّم هم خوانی کنند تا تلفظ صحیح را یاد بگیرند؛ اما اگر بزرگسال باشند نیازی به این کار ندارند.

4- به دانش‌آموزان فرصت داده شود تا با صدای آهسته به حفظ و تلاوت آیات بپردازند. و نباید برای یکدیگر ایجاد مزاحمت کنند؛ زیرا پیامبر(ص) از این کار نهی کرده و می‌فرمایند :

(لایجهر بعضکم علی بعضٍ فی القرآن)

«رواه البخاری»

«در قرآن خواندن صدایتان را بر یکدیگر بلند نکنید.»

5- عجله کردن، جایز نیست. ابن مسعود در این باره می‌فرماید :

(لاتنثروه نثر الرّمل، و لاتهذوه هذّ الشّعر، قفوا عند عجائبه، و حرّکوا به القلوب، و لایکن همّ أحدکم آخر السّورة)

«رواه البغوی»

«هنگام خواندن قرآن آن را مانند شن و ماسه پراکنده نکنید و مانند شعرخوانی آن را با سرعت تلاوت نکنید. در جایی که شما را به شگفتی وامی‌دارد تأمل و تدبّر کنید و دل‌ها را با آن به حرکت درآورید، و نباید دغدغه شما این باشد که هر چه زودتر سوره را به پایان برسانید.»

6- معلم نباید به دانش‌آموزان اجازه بدهد عبارت «**صدق‌الله العظیم**» را بگویند، زیرا هیچ‌گونه دلیل شرعی ندارد و چون قرآن خواندن عبادت است نباید چیزهای زاید به آن افزوده شود تا دانش‌آموزان گمان نبرند که آیه‌ای از قرآن است.

تربیت بدنی

مدارس، توجه خاصی به تربیت بدنی دارند و معلّمان ویژه‌ای، عهده‌دار این کار شده‌اند. بنابراین، معلم ورزش ـ چه زن و چه مرد ـ باید برای دانش‌آموزان تبیین نماید که اسلام همانطور که به تربیت دینی می‌پردازد، به تربیت بدنی نیز، توجّه دارد تا انسان مسلمان، هم ایمان قوی داشته باشد و هم بدن نیرومند. پیامبر(ص) در این باره می‌فرمایند :

(المؤمن القویّ خیرٌ و أحبّ إلی الله من المؤمن الضّعیف، و فی کلّ خیرٌ، إحرص علی ما ینفعک و استعن بالله، و لاتعجر، فإن أصابک شیءٌ فلاتقل لو أنیّ فعلت ... کان کذا و کذا، ولکن قل قدّر الله و ما شاء فعل، فأنّ لو تفتح عمل الشّیطان)

«رواه مسلم»

«مؤمن نیرومند نزد خداوند از مؤمن ناتوان و ضعیف بهتر و محبوب تر است؛ البته هر دو خوبند. برای چیزی تلاش کن که برایت سودمند است و از خدا کمک بجو؛ و ضعیف و درمانده مباش؛ اگر هم دچار مصیبتی شدی، نگو: اگر چنین می‌کردم، چنان می‌شد؛ بلکه بگو : آنچه رخ داد تقدیر خدا بود؛ و خدا هر چیزی را بخواهد انجام می‌دهد. بدون تردید گفتن «اگر و اگرها» راه ورود شیطان را باز می کند.»

چون انسان مؤمنی که دارای بدنی نیرومند است در ادای عبادات بدنی مانند نماز، روزه، حج، و غیره از دیگران قوی‌تر و فعال‌تر است؛ لذا معلّم ورزش باید فواید عبادت‌های بدنی را برای دانش‌آموزان تبیین کند و آنها را به تقویت بدن تشویق کند.

۱- نماز

نماز، یک عبادت است؛ اما خالی از فواید بدنی هم نیست؛ قیام و رکوع و سجود، ورزش‌هایی هستند که باعث تقویت بدن می‌شوند.

۲- روزه

روزه، عبادتی است که پزشکان فوایدی بسیار برای آن برشمرده‌اند. از جمله : تقویت معده، دستگاه گوارش، فعال کردن کبد و فواید بی‌شمار دیگر.

۳- حج

حج، عبادتی است که انواع ورزش‌های سودمند در آن وجود دارد :

(الف) غسل کردن قبل از احرام بستن برای حج که باعث فعالیت گردش خون، پاکیزگی بدن، از جمله پوست و مو می‌شود. همچنین غسل جنابت و غسل روز جمعه و وضو را نیز، واجب کرده است که همه ورزش‌های مفیدی برای بدن هستند.

(ب) طواف کردن : طواف نیز، عبادتی است که در آن، پیاده‌روی با گام‌های کوتاه و سریع انجام می‌گیرد. رسول خدا(ص) به این کار فرمان داده است تا مشرکان، قوت و توان مسلمانان را ببینند.

(ج) سعی میان صفا و مروه : این کار نیز، عبادت است و زائر خانه ی خدا، فاصله ی طولانی میان دو تپه صفا و مروه را پیاده و بین دو میل را با گام‌های تند می‌پیماید. آری! در این کار نیز، ورزش و فعالیت بدنی وجود دارد.

(د) رفتن به مشاعر؛ از «مِنی» به عرفات، بازگشت به «مزدلفه» و بیتوته کردن در «مِنی» برای رَمیِ جَمَرات به مدت چند روز.

(ه) رمی جَمَرات نیز، عبادت است و فواید جسمی و نظامی بسیار در زمینه ی آموزش تیراندازی در بردارد؛ زیرا خداوند متعال، خطاب به مؤمنان می‌فرمایند :

(وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ)

(الأنفال / 60)

«و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید.»

رسول خدا(ص) «قوت» را در این آیه به «تیراندازی» تفسیر کرده است و می‌فرمایند :

(ألاّ إنّ القوّة الرّمی، ألا إنّ القوّة الرّمی) «رواه مسلم»

«آگاه باشید که توانمندی، در تیراندازی است، آگاه باشید که توان و قدرت، در تیراندازی است.»

پیامبر(ص) مسلمانان را تشویق می‌کند که تیراندازی را یاد بگیرند و در این باره می‌فرمایند :

(من تعلّم الرّمی ثمّ نیسیه فلیس منّا أوقد عصی) «رواه مسلم»

«هر کس تیراندازی را یاد بگیرد؛ سپس آن را فراموش کند از ما نیست. ـ یا اینکه فرمود : ـ دچار معصیت شده است.»

تیراندازی در طول تاریخ، از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار بوده است. امروزه، استفاده از هواپیماها، شلیک موشک و توپخانه نیازمند مهارت در این هنرهای جنگی است.

٤- اسب سواری

در صدر اسلام، اسب سواری یکی از لوازم جهاد بود. امروزه نیز، برخی از کشورها مسابقات اسب سواری برگزار می‌کنند و مردم را به آن تشویق می‌نمایند؛ چون فواید ورزشی بسیار برای بدن دارد، حتی برخی از کشورهای بیگانه نیز، آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

٥- مسابقه دو

این ورزش زیبا برای بدن بسیار مفید است. رسول خدا(ص) با حضرت عایشه مسابقه داد، یک بار حضرت عایشه برنده شد و بار دیگر پیامبر(ص).

خلاصه ی مطلب این است که معلّم موفق، مخصوصاً معلّم ورزش باید انواع ورزش‌هایی را که از نظر اسلام پسندیده هستند برای دانش‌آموزان تبیین کند و اجازه ندهد اوقاتشان را صرف فوتبال کنند، مخصوصاً زمانی که باعث فوت نماز و ایجاد کینه و دشمنی میان آنان گردد. در بیمارستان «نور» در مکه، جوانی را دیدم که ساق پایش دچار شکستگی لاعلاجی شده بود، هنگامی که علت را از او پرسیدم، در پاسخ گفت : یکی از بازیکنان هنگامی که دید در بازی شکست خورده است خود را روی ساق پایم انداخت؛ در نتیجه پایم شکست و روانه بیمارستان شدم و اکنون معالجه آن دشوار شده است.

روش‌های تربیتی موفّق

معلّمان، برای تربیت یک نسل مسلمان، مؤدب و شجاع که از دین و امتش دفاع کند، باید روش های تربیتی موفقی را در پیش گیرند که در قرآن کریم و سنت پاک پیامبر(ص) آمده است :

۱- بیم و امید

معلّمان باید ترس از خداوند متعال را در دل دانش‌آموزان به وجود بیاورند؛ زیرا خداوند بر کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند و فرایض را انجام نمی‌دهند، سخت کیفر است؛ و گناهکاران را به آتش سوزان در روز قیامت تهدید نموده است؛ آتشی که گرمای آن از آتش این دنیا به مراتب بیشتر است.

در مقابل، خداوند متعال مؤمنان و فرمانبردارانی را که به ادای حقوق خداوند می‌پردازند، وعده ی بهشت پهناوری داده است که رودخانه‌ها، درختان، میوه‌ها و حوریان بهشتی و دیگر نعمت‌های جاودان در آن وجود دارد. آیات و احادیث فراوانی وجود دارد که خوف و رجا و بیم و امید را با هم مطرح می کند. از جمله :

(الف) ﴿ نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ۝٤٩ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ﴾ (الحجر / 49-50)

«ای پیامبر(ص)، به بندگان من خبر بده که منم آمرزنده ی مهربان و این که عذاب من، عذابی است دردناک.»

﴿ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَا وَٱدۡعُوهُ خَوۡفٗا وَطَمَعًا ﴾ (الأعراف / 56)

«و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید.»

خداوند متعال در این آیه به بندگانش فرمان می‌دهد که او را به خاطر ترس از آتش دوزخ و امید رفتن به بهشت بخوانند تا انسان مسلمان پیوسته میان بیم و امید زندگی کند، و این چنین رفتار و اخلاق دانش‌آموز اصلاح می‌شود.

(ب) در حدیث آمده است که پیامبر(ص) فرموند :

(اللهمّ إنیّ أسئلک الجنّة، و أعوذبک من النّار) «صحیح رواه ابوداود»

«خدایا، از تو می‌خواهم که مرا به بهشت ببری، و از آتش دوزخ به تو پناه می‌برم.»

آیات و حدیث فوق، پاسخ به صوفیانی است که می‌گویند : آنها خدا را به خاطر امید به بهشت و ترس از آتش جهنم پرستش نمی‌کنند؛ گویی که آنها اصلاً قرآن و حدیث را نخوانده‌اند.

۲- داستان‌های هدف‌دار

داستان، تأثیر زیادی بر انسان می‌گذارد؛ پس مربّیان باید داستان‌های فراوانی برای دانش‌آموزان نقل کنند. در قرآن کریم و سیره ی پیامبر داستان‌های بسیار آمده است.

(أ) داستان اصحاب کهف : هدف از این داستان تربیت نسل با ایمانی است که دوستدار توحید بوده و از شرک بیزار است.

(ب) داستان عیسی(ع) : هدف از این داستان، اعتراف به این واقعیت است که عیسی بنده ی خداست نه پسر وی، آنگونه که نصاری می‌پندارند.

(ج) داستان یوسف(ع) : این داستان ما را از اختلاط زنان و مردان برحذر می‌دارد؛ چون این کار عواقب خطرناکی به دنبال دارد.

(د) داستان یونس(ع) : هدف از این داستان، درخواست کمک از خدای یکتاست؛ به ویژه هنگامی که دچار بلا و مصیبت می‌شویم.

(ه(داستان یاران غار : پیامبر(ص) این داستان را برای یارانش حکایت کرد تا توسّل به خدا را با انجام کارهای شایسته، مانند خشنودی والدین، ادای حقوق مردم و ترک زنا به خاطر بیم از خدا، به آنان بیاموزد، سیره ی پیامبر(ص) سرشار از این داستان‌های مفید است.

خلاصه ی موضوع این است که معلّمان و مربّیان باید داستان‌های سودمند فراوانی را برای دانش‌آموزان خود بازگو کنند؛ زیرا این داستان‌ها در فرایند تربیت، کمک فراوانی به معلّمان می‌کند. همچنین معلّمان باید دانش‌آموزان را از داستان‌های بدی که به بزهکاری، کارهای زشت و انحراف اخلاقی وامی‌دارد، برحذر دارند.

در این جا لازم می‌دانم که عنوان چند کتاب مفید را که برای جوانان نوشته‌ام و تاکنون به چاپ رسیده‌اند، نام ببرم :

1-داستان‌های شگفت‌انگیز زندگی پیامبر(ص).

2-معجزه اسراء و معراج.

3-گلچینی از خصلت‌های محمّدی و اخلاق نبوی و آداب اسلامی.

4-تصوّف در ترازوی کتاب و سنت.

5-اطلاعات مهمی از دین که بسیاری از مسلمانان آن را نمی‌دانند.

6-ارکان اسلام و ایمان.

7-عقیده اسلامی در چارچوب کتاب و سنت صحیح.

8-شهادت لااله‌إلاالله.

9-تحفه نیکوکاران در باب ادعیه، آداب و اذکار.

10-هشداری دیگر نسبت به کتاب‌هایی که «صابونی» در موضوع تفسیر خلاصه کرده است.

11-فضایل صلاه و سلام بر بهترین خلق خدا محمد(ص).

پایبندی به نماز جماعت در مسجد

تردیدی نیست که نماز جماعت در مسجد بر مردان واجب است. اولیا و مربّیان باید دانش‌آموزان را تشویق کنند که نماز را در مسجد بخوانند تا در دوران بزرگسالی به آن عادت کنند و رفتن به مسجد برایشان آسان شود. یکی از این تشویق‌های مفید و تجربه شده، این است که معلّم، جدول زیر را روی تخته سیاه رسم کند تا دانش‌آموزان آن را در دفترشان بنویسند. دانش‌آموزان برای نماز جماعت به مسجد بروند و امام جماعت یا مؤذّن اسم خود را روی دفتر نوشته و آن را امضا کند. سپس دانش‌آموز هر روز جدول را نزد معلّم آورده تا جایی را که مخصوص معلّم است امضا کند و نمره و علامت خوب را در زمینه ی رفتار و تربیت اسلامی برای دانش‌آموز نمونه بگذارد و هدایا و جوایزی به ایشان بدهد.

نام دانش‌آموز :

نام مسجدی که در آن نماز می‌خواند :

روزهای هفته	صبح	ظهر	عصر	مغرب	عشاء	امضاء معلم
شنبه	امام	امام	امام	امام	امام	
یکشنبه	امام	امام	امام	امام	امام	
دوشنبه	امام	امام	امام	امام	امام	

سه‌شنبه	امام	امام	امام	امام	امام	
چهارشنبه	امام	امام	امام	امام	امام	
پنج‌شنبه	امام	امام	امام	امام	امام	
جمعه	امام	امام	امام	امام	امام	

توجه : دانش‌آموز دختر باید در خانه نماز بخواند و پدرش به جای امام، جدول را امضاء کند. او نیز، هر روز آن را به معلّمش نشان دهد.

برحذر داشتن دانش‌آموزان از کارهای زیان‌بخش

۱- عادت‌های بد

معلّم موفّق، باید دانش‌آموزان را از عادت‌های بد، مانند نوشتن با دست چپ، خم شدن به هنگام نوشتن، انداختن کاغذ پاره‌ها روی زمین، کندن برگ‌های دفتر و کثیف کردن آنها با جوهر، بدخطی، سخنان زشت و دشنام و نفرین کردن و دیگر عادت‌های بد، باز دارد. بدترین عادت، سیگار کشیدن است که به گونه‌ای وحشتناک میان دانش‌آموزان رواج پیدا کرده است و معلّمان و مربّیان باید با شیوه‌های گوناگون، دانش‌آموزان را از این کار برحذر دارند. همچنین معلّمان باید زیان‌های سیگار کشیدن را برای آنان توضیح دهند؛ به گونه‌ای که در دانش‌آموزان نفرت از سیگار را ایجاد کنند. آنان باید برای دانش‌آموزان این مطلب را تبیین کنند که دود سیگار باعث بوی بد دهان شده و دندان‌ها و انگشتان افراد سیگاری را زرد می‌کند و باعث می‌شود ، نیکوتین و قطرانی که در سیگار موجوداست در ریه‌ها جمع شده و باعث مرگ زودرس شود؛ و این کار به مثابه ی قتل عمد است که خداوند آن را حرام کرده است. در این میان معلّم می‌تواند گزارش کمیته ی جهانی پزشکان را مبنی بر این

که دود سیگار باعث سرطان ریه، خون، حنجره و دیگر بیماری‌های خطرناک می‌شود به اطلاع دانش‌آموزان برساند.

اما معلّمانی که گرفتار سیگار شده‌اند نباید جلوی دانش‌آموزان و مردم سیگار بکشند و باید به این فرموده ی پیامبر(ص) عمل کنند :

(كلّ أمّتی معافی إلاّ المجاهرين)

«متفق علیه»

«تمام افراد امّت من، قابل عفو و گذشت هستند (در صورت توبه کردن) مگر کسانی که تظاهر به گناه می‌کنند.»

البته بر این معلّمان واجب است که به طور کلی، از سیگار کشیدن دست بکشند.

همچنین، معلّمان می‌توانند برای دانش‌آموزان توضیح دهند که فرد سیگاری، همنشینان خود را اذیت می‌کند و دو فرشته‌ای را که خداوند مأمور کرده است بدی‌ها و خوبی‌های او را ثبت کنند، آزار می‌دهد. این امر مسلماً در دین ما آزار و اذیت دیگران محسوب می شود و حرام است. از این رو، اگر معلّم توانست با سخنانش دانش‌آموزان را قانع کند و سپس دانش‌آموزان ببینند که افعال و کردار او با سخنانش هم خوانی دارد، آن وقت معلوم می‌شود که چنین معلّمی راه راست و درست را در پیش گرفته است.

۲- سینما و تلویزیون

در پی تهاجم کفّار به سرزمین‌های مسلمانان، اخلاق جوامع اسلامی نابود شده است و به نام آزادی، دموکراسی و دیگر نام‌های پر زرق و برقی که ظاهری خوش‌نما دارند و درونی پوسیده، بی‌بند و باری اخلاقی، این جوامع را فراگرفته است. این تهاجم فکری که امروزه در بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی آن را مشاهده می‌کنیم، دوشادوش

استعمار، به سرزمین‌های اسلامی نفوذ کرد. یکی از تهاجمات، سینما است که خطر بسیار بزرگی برای جوانان مسلمان به شمار می‌رود.

خطرناک بودن سینما به این خاطر است که انواع بی‌بند و باری‌ها را در جامعه ترویج می‌دهد و هدف از آن، کشاندن جوانان به کارهای باطل و بیهوده و زیان‌بخش است؛ تا از نیرو و توان خود در خدمت به دین و سرزمینشان استفاده نکنند. این کار نقشه ی صهیونیسم جهانی است و جای تعجب است که مسؤولان مملکتی متوجّه این خطرات نیستند و کاری برای از میان برداشتن آنها نمی‌کنند. البته اگر این فیلم‌ها علمی، اخلاقی یا دینی باشند، اشکال ندارد؛ مانند فیلم‌هایی که وضو گرفتن، نماز خواندن، احترام به معلّم، اطاعت از پدر و مادر و دیگر کارهایی را که برای دانش‌آموزان سودمند است به آنها بیاموزد.

بنابراین، معلّم موفّق باید زیان‌های سینما، تلویزیون و ویدئو و ماهواره را برای دانش‌آموزان تبیین کند و به آنان بفهماند که فیلم‌های بی‌بند و بار، روحیه ی مردانگی و فضیلت خواهی را در دانش‌آموزان از بین می‌برد و دزدی و جرم و جنایت را به آنان می‌آموزد. بسیارند دزدان و جنایتکارانی که اعتراف نموده‌اند راه جنایت کاری را از طریق فیلم‌های سینمایی و ویدئویی آموخته‌اند. نمونه‌های فراوانی وجود دارد که این واقعیات را اثبات می‌کند. افزون بر اینها تماشا کردن فیلم‌های سینمایی باعث خستگی چشم می‌شود؛ زیرا در تاریکی چشم‌ها به آن خیره می‌شود. از سوی دیگر به خاطر هوای آلوده ی سالن سینما، احساس خفگی به انسان دست می‌دهد و اتلاف مال و ثروت هم مزید بر علت است.

پس معلّم باید این کارها را برای دانش‌آموزان تبیین کند و به آنها بفهماند که اگر یک کتاب علمی یا یک داستان مفید بخرند، برای آنها بسیار مفیدتر است، البته خداوند به لطف خود سرزمین عربستان سعودی را از شرّ سینما و بی‌بند و باری‌های آن حفظ کرده است.

٣- قمار و بخت‌آزمایی

معلّم موفّق، در امر آموزش و پرورش باید همیشه مراقب شاگردانش باشد و توجّه آنان را به این نکته جلب کند که بازی کردن بر سر شکلات و شیرینی و غیره ... یک نوع قمار است و انسان به خاطر آن دچار خشم پروردگار و ورشکستگی مالی می‌شود. او باید شاگردان را متوجّه کند که اگر کسی به بازی کردن بر سر این چیزهای ساده عادت کند، در آینده گرفتار قماربازی بر سر مال و ثروت و حتی آبرو و شرف خواهد شد. این قضیه در مورد فردی اتفاق افتاد که در قماربازی تمام ثروتش را از دست داد و حتی دخترش را فروخت؛ اما باز هم بازنده شد و یک لیتر از خونش را فروخت تا با پول آن قمار کند؛ اما باز هم باخت و مدتی بعد، لاشه ی بی‌جان او در یکی از هتل‌های بیروت پیدا شد.

اگر در قماربازی خیر و مصلحتی وجود داشت، خداوند ما را از آن نهی نمی‌کرد. خداوند در این باره می‌فرمایند :

(يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ)

(المائده / 90-91)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطانند. پس، از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست برمی‌دارید؟!»

پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(من لعب بالنّردشیر فکأنّما غمس یده فی لحم خنزیرٍ و دمه) «رواه مسلم»

«هر کسی با تخته نَرد بازی کند مانند این است که دستش را در گوشت و خون خوک فروبرده است.»

بنابراین، ما به این نتیجه می‌رسیم که ورق‌بازی و تخته نَرد، حتی اگر برای سرگرمی باشد جایز نیست؛ زیرا منجر به قمار می‌شود و میان بازیکنان دعوا و کشمکش ایجاد می‌کند. باری، دو دوست برای سرگرمی با هم تخته نرد بازی می‌کردند و در اثنای بازی میان آنها اختلاف ایجاد شد و هر دو فریاد می کشیدند و یکی از آنها، دیگری را به جا به جا کردن مهره‌ها متهم کرد؛ اما دوستش به طلاقش قسم خورد که آن را جا به جا نکرده است؛ آن دیگری سخن او را باور نکرد و دشمنی و قهر میانشان به وجود آمد ؛ در حالی که همسایه ی یکدیگر بودند.

٤- دشنام و مشاجره

مدتی است که پدیده ی بسیار بدی میان دانش‌آموزان رواج یافته است که همدیگر را دشنام می‌دهند و به نزاع و مشاجره می‌پردازند و برخی از آنها به دین اسلام هم ناسزا می‌گویند. وظیفه اولیا این است که به فرزندانشان توجه کنند و مانع چنین کارهایی بشوند و در این باره هرگز سهل‌انگاری ننمایند. گذشتگان ما هرگز با این عادت بد سر و کار نداشتند. بهتر است معلم با ولیّ دانش‌آموز همکاری کند تا این عادت ریشه‌کن شود و با حکمت و پند و اندرز، راه چاره‌ای برای آن بیابند. یک بار، دانش‌آموزی را دیدم که با دوستش دعوا می‌کرد و به دین او فحش و ناسزا می‌گفت. من به او نزدیک شدم و گفتم : پسرم، اسمت چیست؟ کلاس چندم هستی؟ در چه مدرسه‌ای درس

می‌خوانی؟ سپس به او گفتم : چه کسی تو را آفریده است؟ گفت : خدا. گفتم : چه کسی چشم و گوش به تو داده است و میوه‌ها و سبزیجات را روزی تو کرده است؟

گفت : خدا. گفتم : وظیفه ی تو در برابر کسی که این نعمت‌ها را به تو داده است، چیست؟ گفت : شکرگزاری. گفتم : چند لحظه قبل چه می‌گفتی؟ پسرک خجالت کشید و گفت : دوستم به من بی‌حرمتی کرد. گفتم : تردیدی نیست که خداوند تجاوزگری و بی‌حرمتی به دیگران را نمی‌پذیرد و از آن نهی کرده است و می‌فرمایند :

(وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ)

(البقره / 190)

«و تجاوز و تعدی نکنید؛ زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.»

اما چه کسی به دوستت وسوسه کرد تا تو را کتک بزند؟ گفت : شیطان، گفتم : بنابراین می‌بایستی به شیطان ناسزا بگویی[1]. آن دانش‌آموز به دوستش گفت : لعنت بر شیطانت. سپس به او گفتم تو باید توبه کنی و از خداوند بخواهی گناهت را ببخشد؛

۱- انسان مسلمان هنگام خشم بهتر است به خدا پناه ببرد و بگوید (**أعوذ بالله من الشیطان الرجیم**) خداوند در این باره می‌فرمایند : (**وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ**) (فصلت / 36) «و اگر وسوسه‌ای از شیطان به سراغت بیاید، پس به خدا پناه ببر که او خود شنوای داناست.»

و پیامبر(ص) به فردی خشمگین گفت : (**إنّی لأعلم کلمةً لوقالها لذهب عنه الغضب أعوذ بالله من الشّیطان الرّجیم**) «متفق علیه»

«من سخنی را می‌دانم که اگر آن را بگوید خشم و عصبانیت از او دور می‌شود و آن این است : «**أعوذ بالله من الشیطان الرجیم.**»

زیرا فحش و ناسزا به دین، کفر است. گفت : «أستغفرالله العظیم و اشهدأن لااله إلاالله و أنّ محمد رسول‌الله(ص)» من هم از او تشکر کردم و از او خواستم که این کار را تکرار نکند و اگر یکی از دوستانش را دید که به دین دشنام می‌دهد او را نصیحت کند. اما در مورد دعوا و بگو مگو میان دانش‌آموزان، معلّم باید به آنان تفهیم کند که آنها برادر یکدیگرند و برای برادر جایز نیست که با برادرش بجنگد یا به او دشنام دهد. مربی بزرگ ،سرور ما محمد(ص)، در این باره می‌فرمایند :

(سباب المؤمن فسوقٌ و قتاله کفر)

«متفق علیه»

«ناسزا گفتن به مؤمن، فسق و قتال با وی کفر است.»

از این رو، شایسته است که فضای دوستی و برادری میان دانش‌آموزان حکمفرما باشد و معلّم باید آنها را به انجام کارهایی رهنمون کند که محبت و برادری را افزایش می‌دهد. پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(أولاد أدلّکم علی شیءٍ إذا فعلتموه تجاببتم؟! أفشوا السّلام بینکم) «رواه مسلم»

«آیا چیزی را به شما بگویم که اگر آن را انجام دادید محبت و دوستی میانتان برقرار شود؟ به همدیگر سلام کنید.»

تشویقات و تنبیهات

معلّم موفّق، جز در مواردی اندک و برحسب نیاز به تنبیهات بدنی متوسل نمی‌شود. او پیوسته تشویق و پاداش را بر تنبیه و مجازات ترجیح می‌دهد، زیرا این کار باعث تشویق دانش‌آموز در امر یادگیری و تربیت می‌شود. برعکس، تنبیه و مجازات، آثار بدی

بر دانش‌آموز می‌گذارد؛ امری که مانع درک و فهم و دانش‌افزایی وی می‌شود و روحیه ی کوشش و پیشرفت را در او از بین می‌برد. بسیاری از دانش‌آموزان، مدرسه را به خاطر سنگدلی و ستمکاری برخی از معلّمان رها می‌کنند. دانش‌آموزان عادت کرده‌اند که معلّم سختگیر را ظالم بنامند. بنابراین، ما باید کار تعلیم و تربیت را با پاداش و تشویق شروع کنیم نه با تنبیه و مجازات . این یک اصل است و باید مراعات شود :

۱- تعریف و تمجید

معلّم موفّق، هر گاه تلاش و کوشش و رفتار خوبی را از دانش‌آموز مشاهده کرد، باید او را مورد تشویق قرار دهد و به دانش‌آموزی که درس را خوب جواب می‌دهد آفرین گفته و نزد دانش‌آموزان بگوید : بهترین دانش‌آموز فلانی است. این سخنان زیبا و لطیف، دانش‌آموز را تشویق می‌کند و روحیه او را تقویت می‌نماید و بهترین تأثیر را در او برجای می‌گذارد و باعث می‌شود معلّم و مدرسه‌اش را دوست بدارد و زمینه ی شکوفایی او فراهم شود. و در عین حال دوستانش را تشویق می‌کند که در ادب و اخلاق و رفتار و تلاش، او را الگوی خود قرار دهند تا از طرف معلّم شان تشویق شوند. قطعاً این کار برای آنان بهتر از تنبیه و مجازات بدنی است.

۲- تشویقات مادی

طبیعتاً بچه‌ها از تشویق مادی خوششان می‌آید و مشتاق برخورداری از آن هستند؛ از این رو، معلّم باید این اشتیاق را بی‌پاسخ نگذارد و به مناسبت‌های گوناگون به آنها جایزه بدهد. دانش‌آموز کوشا و خوش اخلاق که نسبت به وظایف خود در برابر پروردگارش مانند نماز خواندن و دیگر کارهای خیر و فعالیت‌های مدرسه احساس مسؤولیت می‌کند، و جایزه مادی از معلّمش می‌گیرد، خود را نزد دوستان، شادان و

خوشحال می‌یابد؛ زیرا غریزه ی حقّ تملّک و تصرّف را در خود اشباع کرده است. شایسته است که معلّم برای چنین دانش‌آموزی،باید نمره خوبی در زمینه اخلاق و درس که در آن ممتاز بوده است، منظور کند.

۳- دعا کردن

معلّم باید برای دانش‌آموز کوشا، باادب و نمازگزار دعا کند و او را با این عمل تشویق نموده و بگوید : خدا تو را توفیق دهد، من آینده ی درخشانی برای شما آرزو می‌کنم؛ و به دانش‌آموز سهل‌انگار و تنبل بگوید : خداوند تو را اصلاح و هدایت کند.

٤- لوح تقدیر

بسیار به جا و مفید است که در مدرسه یک لوح تقدیر بزرگ در معرض دید دانش‌آموزان نصب شود و نام کسانی که در زمینه ی اخلاق و رفتار، سعی و تلاش یا نظافت و غیره ... بر بقیه برتری دارند نوشته شود. این کار باعث تشویق دانش‌آموزان دیگر می‌گردد تا آنان را الگوی خود قرار دهند و نام‌هایشان روی این لوح نوشته شود.

٥- تشویق

هنگامی که یکی از دانش‌آموزان برای پاسخ‌گویی به سؤالات معلم با حل مسأله‌ای یا تلاوت سوره‌ای از قرآن کریم اعلام آمادگی می‌کند، معلّم باید در صورت خوب جواب دادن برای تشویق وی، دست روی شانه‌اش بگذارد و بگوید : «**بارک الله فیک**» آفرین.

٦- خود را جزو دانش‌آموزان به حساب آوردن

معلّم باید خود را دانش‌آموزی خوب تلقی کند و خویشتن را به آنان منسوب نماید، این کار تشویق بزرگی به حساب می‌آید. پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(لولا الهجرة لكنت امرأ من الأنصار)

«متفق علیه»

«اگر به خاطر هجرت به مدینه، مهاجر منسوب نمی‌شدم، یکی از انصار بودم.»

۷- معرفی کردن

معلّم باید دانش‌آموز خوب را به بقیه ی دانش‌آموزان و معلّمان معرفی کند؛ البته این کار موجب تشویق او و دوستانش می‌گردد.

۸- همراهی کردن

چه خوب است معلّم، دانش‌آموزانی را که می‌خواهد تشویق کند با خود به مسجد یا گردش‌های علمی ببرد، زیرا دانش‌آموزان از همراهی معلّم خود احساس افتخار و خوشحالی می‌کنند.

۹- سفارش کردن خانواده ی دانش‌آموز

معلّم می‌تواند نامه‌ای را به خانواده ی دانش‌آموز بنویسد و در آن به ذکر محاسن فرزندشان بپردازد و از او تعریف کند. این کار باعث تشویق خانواده ی دانش‌آموز می‌شود تا به بهترین وجه با فرزندشان رفتار کنند؛ همچنین، خود دانش‌آموز را به نیک‌رفتاری و پیشرفت ترغیب می‌نماید.

بنابراین، معلّم باید اخلاق و رفتار دانش‌آموزان را در خانه جویا شود و در مورد خواندن نمازهایشان تحقیق نماید و آنان را موظّف کند تا برگه تأییدیه را از طرف اولیا و امام مسجد محله خود بیاورند که بیانگر نیک‌رفتاری و ادای نمازهایشان به جماعت می‌باشد.

۱۰- یاری کردن مستمندان

معلّم باید تعدادی از دانش‌آموزان را برای جمع کردن هدایا و کمک‌های مردمی به مستمندان انتخاب کند و خودش در این کار با دادن مقداری پول مشارکت نماید تا دانش‌آموزان نیز، از او پیروی کنند. این کمک‌ها زیر نظر معلّم و دانش‌آموزان میان برادرانشان که نیازمند لباس، غذا، کتاب و وسایل مدرسه هستند توزیع شود. معلّم باید برای تشویق دانش‌آموزان خیّر در حضور دوستانشان از آنان تشکّر کند تا آنها نیز، کمک کنند و پاداش بزرگی را نزد خداوند بدست آورند، و قطعاً خداوند مالی را که خرج کرده‌اند برای ایشان تلافی خواهد کرد. معلّم باید این آیه را برای دانش‌آموزان بخواند :

(وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٍ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ)

(سبأ / 39)

«و هر چه را در راه خدا ببخشد، عوضش را می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است.»

معلّم یا مدیر مدرسه می‌تواند مبلغی را از این صندوق به خرید هدایا اختصاص دهد و به دانش‌آموزان کوشا، پاکیزه و مرتب، خوش‌رفتار و کسانی که مطیع پدر و مادر و معلّم هستند، بدهد.

تنبیه و زیان‌های آن

معلّم شایسته باید از تنبیهات بدنی بپرهیزد؛ زیرا این تنبیهات، عواقب ناگواری برای دانش‌آموز و خود معلّم در پی دارد و باعث اتلاف وقت دانش‌آموز می‌شود؛ به گونه‌ای که شاید بر اثر کتک‌کاری، معلّم دچار صدمه‌ای شود. امری که باعث ایجاد فاصله میان دانش‌آموز و معلّم می‌شود؛ و ممکن است این کار به پاسخ‌گویی در مقابل بازپرس در دادگاه‌های جزایی و ولیّ دانش‌آموز بیانجامد؛ امری که به شهرت، جایگاه و نقش معلّم در خدمت به جامعه‌اش صدمه می‌زند؛ آنگاه معلّم، زمانی پشیمان می‌شود که دیگر سودی ندارد و ناچار برای حل این مشکل، افرادی را واسطه می‌کند. و گاهی این مشکلات جز در دادگاه‌های کیفری حل نمی‌شود و در نتیجه، معلم سزای اعمالش را خواهد دید. آری! منشأ تمامی این مشکلات استفاده از تنبیه بدنی است.

از این رو، مسؤولان امر، این تنبیهات را منع کرده‌اند. پس لازم است از چنین روش‌هایی خودداری شود، مگر به هنگام ضرورت؛ همچون تنبیه برخی دانش‌آموزان منحرف که تنها این راه در برخورد با آنان مؤثر است یا برای نگه داشتن حرمت کلاس و نظم آن. البته این تنبیهات زمانی است که معلّم، این نوع دانش‌آموزان را نصیحت و راهنمایی کرده است اما از کجروی‌هایشان برنگشته‌اند. این ضرب‌المثل عربی را در این مورد آورده‌اند :

(آخر الدّواء الکیّ).

«داغ کردن آخرین درمان است.»

زیان‌های تنبیه بدنی

1- اشکال در روند یادگیری و عقب ماندن از همکلاسی‌ها.
2- برخورد نسنجیده ی معلّم و دانش‌آموز به هنگام تنبیه، و تأثیر آن بر هر دو.
3- احتمال ضربه دیدن دانش‌آموز از ناحیه صورت، گوش ، چشم یا دیگر اعضای بدن.
4- دانش‌آموز تنبیه شده از درک درس عاجز می‌ماند.
5- رشته ی افکار معلّم هنگام تنبیه قطع می‌شود.
6- معلّم باید در مقابل دادگاه و خانواده ی دانش‌آموز و بازرس پاسخ‌گو باشد.
7- اتلاف وقت دانش‌آموزان و متأثر شدن آنها از این برخورد معلّم.
8- از بین رفتن احترام متقابل میان دانش‌آموز و معلّم.

تنبیه های ممنوع

اگر زمانی معلّم، ناچار شد که دانش‌آموز را تنبیه بدنی کند باید از موارد ذیل خودداری نماید :

۱- زدن صورت دانش‌آموز

این عادت میان معلّمان رواج پیدا کرده که به صورت دانش‌آموز می‌زنند که ممکن است چشم و گوش دانش‌آموز آسیب ببیند و سرانجام به دادگاه کشانده شوند و در نهایت، غرامت مالی بپردازند. به همین خاطر، پیامبر(ص) از زدن صورت نهی کرده و می‌فرمایند :

(إذا ضرب أحدکم خادمه فلیتّق الوجه[1])

« صحیح الجامع»

«اگر یکی از شما، خدمتکارش را زد باید از زدن صورت خودداری کند.»

۲- سنگدلی و سختگیری

معلّمی که در زدن دانش‌آموزان، سنگدلی به خرج می‌دهد، درباره ی او می‌گویند : «فلان معلم ظالم است.»

چه نامی بدتر از این نام است! عاقبت ظلم و سختگیری چیزی جز پشیمانی نیست. بسیارند معلّمان و استادانی که به خاطر تنبیه شدید دانش‌آموزان، از اولیای آنان و مسؤولان امر عذرخواهی کرده‌اند. پس ای معلّمان عزیز، نسبت به جگرگوشه‌ها، از خدا پروا داشته باشید و با آنها با نرمی و مهربانی رفتار کنید؛ زیرا مهربانی، سرچشمه ی همه ی خوبی‌ها است. پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(من یحرم الرّفق یحرم الخیر کلّه)

«رواه مسلم»

«کسی که از نرمی و مهربانی محروم شود از همه خوبی‌ها محروم می‌شود.»

نیز می‌فرمایند :

(ماکان الرّافق فی شیءٍ إلا زانه، و لانزع من شیءٍ إلاّ شانه) «رواه مسلم»

---

[1] - ر.ک : صحیح جامع ،حدیث جامع ،ص ۱۸۷.

«نرمی و مدارا در هر چیزی باشد؛ آن را آراسته می‌کند و از هر چیزی گرفته شود؛ آن را معیوب می‌سازد.»

۳- سخنان زشت

معلّم باید از الفاظ و کلمات زشت و زننده‌ای که باعث انزجار و تنفّر می‌شود، خودداری نماید؛ زیرا این سخنان شاید در آینده باعث انحراف و بزهکاری دانش‌آموز شود؛ معلّمی که به دانش‌آموز می‌گوید : کثیف، کثافت، لعنتی، مُجرم و دیگر کلمات زننده‌ای که احساس دانش‌آموز را جریحه‌دار می‌کند؛ دانش‌آموز نیز، به نوبه ی خود آنها را یاد می‌گیرد و در خانه و مدرسه به دوستان و برادرانش نثار می‌کند. مسلم است که مسؤولیت این کار بر عهده ی معلّمی است که این شیوه ی غلط را در پیش گرفته تا دانش‌آموزان سخنانی را یاد بگیرند که در شأن معلم نیست. در حدیث صحیح آمده است :

(... و من سنّ فی الإسلام سنّةً سیّئةً فعلیه وزرها و وزرمن عمل بها من بعده من غیر أن ینقص من أوزارهم سیئاً)

«رواه مسلم و غیره»

«هر کس در اسلام راه و رسم بدی را به وجود آورد، گناه آن راه و رسم غلط و گناه کسانی که پس از او بر آن راه و رسم می‌روند بر دوش او خواهد بود بدون این که از بار گناه آنان چیزی کم شود.»

٤- کتک‌کاری هنگام عصبانیت

ابومسعود می‌گوید : با تازیانه، غلامم را کتک می‌زدم؛ ناگهان صدایی از پشت شنیدم که می‌گفت : «ابومسعود، بدان.» به خاطر خشم نفهمیدم چه گفت. هنگامی که به من

نزدیک شد متوجه شدم که رسول خدا(ص) را زمین انداختم؛ آنگاه پیامبر(ص) فرمودند : «ای ابومسعود، بدان که خداوند از زور و توانایی تو بر این غلام تواناتر است.» من هم گفتم از این پس هرگز هیچ برده‌ای را کتک نخواهم زد.[1]

٥- لگد زدن

برخی از معلّمان را دیده‌ام که به بچّه‌ها لگد می‌زنند. شاید این لگد به جای حساس و خطرناکی از بدن برخورد کند و باعث مرگ دانش‌آموز شود؛ آن وقت معلّم مسؤول خواهد بود و پشیمانی سودی ندارد. البته ناگفته نماند که لگد زدن جزو خلق و خوی انسان‌ها نیست.

٦- خشم شدید

معلّم موفّق باید سر کلاس اعصابش را کنترل کند و با درک خصوصیات دوران کودکی، کارها و اقدامات بچّه‌ها را به دیده ی اغماض بنگرد. او باید در کار معلّمی، دوران دانش‌آموزی خود را به یاد آورد، شاید رفتار او در آن زمان بسیار بدتر بوده است. حال اگر معلّم، این مسایل را به خاطر آورد خشمش فرومی‌نشیند و خود را کنترل می‌کند و می‌توان او را شجاع واقعی دانست. مربّی بزرگ حضرت محمد(ص) می‌فرمایند :

(لیس الشّدید بالصرّعة، إنّما الشّدید الذّی یملک نفسه عند الغضب)

«متفق علیه»

«قدرتمند کسی نیست که مردم را بر زمین می‌اندازد، بلکه قدرتمند کسی است که خشم خود را کنترل می‌کند.»

١- رواه مسلم.

از این رو، مربّی چه معلّم باشد چه پدر؛ هنگام خشم و عصبانیت باید از تنبیه کردن پرهیز کند تا با فرجام بدی روبرو نشود. معلّم باید نام دانش‌آموزان سرکش را بنویسد و در پایان درس، آنها را تنبیه کند. من معلّمی را می‌شناسم که هنگام عصبانیت فرزندش را دنبال کرد تا او را تنبیه کند. پسرک از ترس او پا به فرار گذاشت و هنگام فرار پایش لغزید و شکست و او را برای مداوا پیش شکسته‌بند بردند و پدرش نیز، از کار خود سخت پشیمان شد.

یکی از معلّمان در حالت خشم، اقدام به تنبیه دانش‌آموزی کرد و شروع به ناسزاگویی و سخنان کفرآمیز نمود؛ در حالی که دانش‌آموزان با نگاه تحقیرآمیزی به او نگاه می‌کردند. آری، اگر معلّم در حضور دانش‌آموزان، مرتّب خشمگین شود و داد و فریاد کند، این عادت بد بر دانش‌آموزان تأثیر گذاشته و در آنها ریشه می‌دواند و این معلّم را در رفتار و اعمالشان، الگوی خود قرار می‌دهند و پیوسته خشمگین می‌شوند و ناسزا می‌گویند.

چگونگی مقابله با خشم

اگر مربّی یا معلّم دچار خشم شد، باید فوراً به سراغ داروی شفابخشی برود که پزشکی آگاه و خبره، محمد(ص)، آن را تجویز کرده است؛ آنجا که می‌فرمایند :

(إذا غضب أحدكم فقال : أعوذ بالله، سكن غضبه[1])

«صحيح»

---

[1] - ر.ک : صحیح جامع ، ص ۱۷۰۸.

«هر گاه کسی خشمگین شود و بگوید : به خدا پناه می‌برم، خشم او فرومی‌نشیند.»

(و إذا غضب أحدكم و هو قائم فليجلس، فإن ذهب عنه الغضب و إلا فليضطجع[1])

«صحیح»

«هر گاه کسی از شما خشمگین شد و ایستاده بود، باید بنشیند، و اگر خشم او فروکش نکرد، باید به پهلو بخوابد.»

امری مسلم است که منشأ خشم و عصبانیت، شیطان است و انسان باید از شرّ او به خدا پناه ببرد تا شیطان از او منصرف شود. تغییر حالت دادن از ایستادن به نشستن فایده ی فراوانی دارد و موجب فروکش شدن خشم و غضب می‌شود. در این میان وضو گرفتن، بسیار مفید است و دوایی سودمند به شمار می‌آید.

هشدارهای مفید تربیتی

هشدارهای تربیتی موفّقیّت‌آمیزی وجود دارد که شایسته است معلّم در برخورد با دانش‌آموزی که نظم کلاس را به هم می‌زند و برای استاد احترام قایل نیست، آنها را به کار گیرد. این هشدارهای تربیتی که نتایج خوبی به دنبال دارند و ان‌شاء الله موفقیت‌آمیز خواهند بود، به چند دسته تقسیم می‌شوند :

[1] - ر.ک : همان ، ص ۷۰۷.

۱- نصیحت و راهنمایی کردن

نصیحت و راهنمایی کردن، یکی از شیوه‌های اصولی در تعلیم و تربیّت است که نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود و مربّی بزرگ، محمد(ص)، در برخورد با خردسالان و بزرگسالان آن را به کار گرفته است :

(أ) نصیحت و راهنمایی خردسالان : پیامبر(ص) پسربچه‌ای را که کنار سفره با پررویی به سهم دیگران دست‌درازی می‌کرد؛ نصیحت کرد و شیوه ی غذا خوردن را به او آموخت و اینگونه خطاب کرد:

(یا غلام سمّ الله تعالی و کل بیمینک و کل ممّا یلیک) «متفق علیه»

«ای پسر، نام خدا را بر زبان بیاور و با دست راست بخور و از جلوی خودت بردار.»

مبادا کسی از شما بگوید که این شیوه در برخورد با خردسالان کم‌تأثیر است؛ زیرا من بارها آن را آزمایش کرده‌ام و آثار پرباری هم به دنبال داشته است؛ پند و اندرز دادن به دانش‌آموزی که به دین ناسزا می‌گفت، اما با پذیرش نصیحت از آن پشیمان شد، یکی از این موارد است.

یک بار، همراه معلّمی در خیابان راه می‌رفتم. کودکی را دیدم که در وسط خیابان ادرار می‌کرد. دوستم بر سر او داد زد و گفت : وای بر شما! این جا جای ادرار نیست! آن پسر، وحشت‌زده ادرارش را قطع کرد و پا به فرار گذاشت. به دوستم گفتم : تو فرصت نصیحت کردن این پسر را از من گرفتی. در پاسخ گفت : آیا جایز است به این پسر اجازه بدهیم که جلوی مردم در خیابان ادرار کند؟ گفتم : نه، جایز نیست. گفت : غیر از این می‌خواهی چه اقدام دیگری بکنی؟ گفتم : کودک را به حال خود رها می‌کردم تا دفع ادرار کند؛ سپس او را نزد خود می‌آوردم و با او آشنا می‌شدم؛ آنگاه به او می‌گفتم : پسرم، خیابان، محل عبور و مرور رهگذران است و ادرار کردن در آن جایز

نیست و دستشویی به این جا نزدیک است؛ تو پسر باادبی هستی پس دیگر این کار را تکرار نکن؛ امیدوارم که موفق باشی. دوستم گفت : این یک شیوه، حکیمانه و سودمند است. گفتم : این، شیوه ی مربّی بشریّت، محمدبن عبدالله(ص)، است. در این جا داستان مشهور مرد «اعرابی» را برای او بازگو کردم.

(ب) نصیحت و راهنمایی در برخورد با بزرگسالان: بهترین نمونه در تأثیرگذاری پند و اندرز، داستان مرد اعرابی است که از این قرار است :

از انس(رض) روایت شده است که فرمود : روزی با رسول خدا(ص) در مسجد بودیم که ناگهان یک اعرابی وارد شد و در داخل مسجد ادرار کرد. اصحاب رسول خدا(ص) بر سر او فریاد زدند و گفتند : نکن نکن!

رسول خدا(ص)فرمودند :

(لاتزرموه، دعوه لاتقطعوا بوله.)

«او را به حال خود واگذارید؛ ادرارش را قطع نکنید.»

اصحاب، مرد اعرابی را به حال خود رها کردند تا ادرارش را تمام کرد. سپس رسول خدا(ص) او را پیش خود خواند و به او گفتند :

(إنّ المساجد لاتصلح لشیءٍ من هذا البول و القذر إنمّا هی لذکر الله، و الصّلاة، و قراءة القرآن.)

«مساجد، جای ادرار و کثافت نیست؛ بلکه جای یاد خدا و نماز و تلاوت قرآن است.»

آنگاه رسول خدا(ص) به اصحاب فرمودند :

(إنمّا بعثتم میسرین، لو تبعثوا معسّرین صبّوا علیه دلواً من الماء.)

«شما برای این مبعوث شده‌اید که بر مردم آسان بگیرید و بر آنان سختگیری نکنید؛ یک سطل آب روی ادرارش بپاشید.»

مرد اعرابی گفت : خدایا، به من و محمد(ص) رحم کن و به هیچ کس دیگری رحم نکن.

رسول خدا(ص) فرموند :

(لقد تحجّرت واسعاً) «متفق علیه»

«رحمت خدا که واسع است، شما آن را تنگ کردی.»

۲- اخم کردن

گاهی اوقات، معلّم می‌تواند در صورت مشاهده ی آشوب و شلوغی دانش‌آموزان، در برابر آنها ترشرویی کند تا نظم و هیبت کلاس حفظ شود. این کار بهتر از آن است که در آغاز با آنان سهل‌انگاری کند اما به محض شلوغ کردن، آنها را تنبیه کند.

۳- سرزنش کردن

گاهی معلّم مجبور می شود که یکی از دانش‌آموزان را به خاطر تلف کردن وقت کلاس با سؤال‌های بی‌مورد و عدم احترام به معلّم و دیگر اشتباهاتی که مرتکب می‌شود، توبیخ کند. در این صورت، اگر معلّم او را سرزنش کند، در جای خود ساکت و باادب می‌نشیند. رسول خدا(ص) وقتی مردی را دید که شتر مخصوص قربانی را جلوی خود می‌راند، فرمودند : سوار شتر شو.

آن مرد گفت : این شتر، مخصوص قربانی است [و نمی‌توانم سوار آن شوم.]

رسول خدا(ص) فرمودند : سوار شو!

آن مرد سوار شد و در حالی که نشانه ی قربانی بر گردن شتر آویزان بود، هم‌ردیف پیامبر(ص) حرکت می‌کرد «روایتی از بخاری»

٤- ساکت کردن دانش‌آموزان با صدای بلند

هنگامی که معلّم دید دانش‌آموزان وسط درس صحبت می‌کنند، با صدای بلند از آنها بخواهد که ساکت شوند. رسول خدا(ص) خطاب به شخصی که در محضر او آروغ زد، فرمودند :

(کفّ عنّا جشاءک [١]) «صحیح الجامع»

«نزد ما آروغ نزن.»

٥- روی گرداندن

اگر معلّم یا پدری متوجه شد که دانش‌آموزی یا پسرش دروغ می‌گوید یا در پرسیدن سؤال‌های بی‌مورد اصرار می‌ورزد یا دست به کارهای نادرست می‌زند، می‌تواند از او روی گردان شود و به او توجه نکند؛ آنگاه دانش‌آموز یا پسر این بی‌توجهی معلم یا پدر را احساس می‌کند و از اشتباهات خود پشیمان می‌شود.

٦- قهر کردن

هر گاه دانش‌آموزی نمازهایش را نخواند یا به سینما برود یا سر کلاس دست به کارهای خلاف بزند، معلم یا پدر می‌تواند با او قهر کند. و همچنان که پیامبر(ص) می‌فرمایند : قهر کردن نباید بیش از سه روز طول بکشد :

(لایحلّ لمسلم أن یجهر أخاه فوق ثلاثٍ)

---

[١] - ر.ک : صحیح جامع، حسن، ص ۴۳۶۷.

«صحیح الجامع»

«برای انسان مسلمان جایز نیست که بیش از سه روز با برادرش قهر کند.»

بنابراین، قهر کردن، هم برای فرزندان ، هم برای دانش‌آموزان می‌تواند مفید باشد. شاعر می‌گوید :

یا قلب صبراً علی هجر الأحبّة لا تجزع لذک فبعض الهجر تأدیب

«ای دل، بر دوری محبوبان صبر کن و به خاطر آن جَزع و فَزَع به راه میناز؛ زیرا برخی از دوری‌ها باعث تنبیه و تربیت می‌شوند.»

۷- توبیخ کردن

اگر فرزند یا دانش‌آموز، مرتکب گناه بزرگی شود و پند و اندرز در او تأثیر نگذارد معلّم یا پدر می‌تواند او را توبیخ نماید.

۸- چُمپاتمه زدن

اگر معلّم از تنبلی و گستاخی یکی از دانش‌آموزان به ستوه آمد، او را از جایش بلند کرده و وادار کند که روی پاهایش چمپاتمه بزند و دستانش را به طرف بالا ببرد. این کار، دانش‌آموز را خسته می‌کند و موجب تنبیه او می‌شود و در هر حال از تنبیه کردن با ضرب و شتم بهتر است.

۹- تنبیه کردن دانش‌آموز از سوی پدر

اگر اشتباهات دانش‌آموز تکرار شود، معلّم باید ولیّ او را به مدرسه فراخواند و او را موظف نماید تا فرزندش را پس از نصیحت کردن تنبیه کند. و این چنین، میان خانه و مدرسه در تربیت دانش‌آموز، تعاون و همکاری صورت می‌گیرد.

۱۰- آویزان کردن

معلّم، مربّی و پدر می‌توانند شلاق یا تازیانه را در معرض دید فرزندان به دیوار آویزان کنند تا از تنبیه و مجازات بترسند. رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(علّقوا السّوط حیث یراه أهل البیت فإنّه أدبٌ لهم) «حسنه الألبانی فی صحیح الجامع»

«تازیانه را در نقطه‌ای از خانه آویزان کنید که همه آن را ببینند، این کار باعث تأدیب آنان می‌شود»

پیامبر(ص) می‌فرمایند: **(یراه أهل البیت)**؛ یعنی، اگر افراد خانواده آن را ببینند، این عمل باعث می‌شود که از دست زدن به کارهای زشت خودداری کنند، از ترس این که کتک بخورند.

ابن الأنباری می‌گوید : منظور پیامبر(ص) این نیست که آنها را کتک بزنید؛ زیراایشان دستور کتک‌کاری را به هیچ کس نداده اند.

این که می‌فرمایند : **(فانّه أدبٌ لهم**[۱]**)** به این معناست که باعث تربیت و آراسته شدن فرزندان به اخلاق نیکو می‌شود. « فیض القدیر»

[۱] – ر.ک : مناوی، فیض القدیر، ج ۳۲۲/۴.

۱۱- یواش زدن دانش‌آموزان

هر گاه وسایل تربیتی فوق‌الذکر، مفید واقع نشد، مربی و پدر می‌توانند دانش‌آموز را به آرامی بزنند؛ مخصوصاً هنگامی که سن او به ده سالگی می‌رسد و نمازهایش را نمی‌خواند، پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(علّموا أولادکم الصّلاة إذا بلغوا سبعاً، واضربوهم علیها إذا بلغوا عشراً، و فرّقوا

بینهم فی المضاجع)

«صحیح رواه البزار و غیره»

«اگر فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند نماز را به آنان بیاموزید و اگر به ده سالگی رسیدند به خاطر ترک نماز، آنها را کتک بزنید و بستر خوابشان را از همدیگر جدا کنید.»

جدا کردن اتاق خواب فرزندان، امر بسیار مهمی است؛ مخصوصاً جدا کردن دختران و پسران؛ تا پدر، فرزندانش را از انحراف دور بدارد. اما اگر اتاق خواب آنها را از هم جدا نکردید، باید بستر خوابشان از هم فاصله داشته باشد و برای هر یک از آنها پتویی جداگانه اختصاص بدهید.

همچنین، پدران و مادران باید مواظب فرزندانشان باشند که سریال‌های جنسی و فیلم‌های مبتذل سینمایی را تماشا نکنند؛ زیرا این کار باعث انحراف بیشتر آنها می‌شود.

اشتباهایی که باید اصلاح شود

اشتباهای زیادی میان مردم مخصوصاً در میان مدرسان، کارمندان، کارگران و دیگر دست‌اندرکاران جامعه وجود دارد که باید اصلاح شود، چون آنها در انجام کارهایشان در مقابل خداوند متعال بازخواست می‌شوند. خداوند متعال در این باره می‌فرمایند :

(فَوَرَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ)

(الحجر / 92-93)

«به پروردگارت سوگند که حتماً همه آنان را درباره ی کارهایی که انجام می‌دادند بازخواست می‌کنیم.»

رسول خدا(ص) نیز، می‌فرمایند :

(إنّ الله سائلٌ کلّ راعٍ عمّا استرعاه : أحفظ ذلک أم ضيّعه) «حسن رواه النسائی»

«خداوند همه افراد مسؤول را در قبال آنچه که بر عهده ی آنها گذاشته است مورد محاسبه قرار می‌دهد؛ آیا آن را حفظ کرده یا ضایع نموده‌اند.»

اشتباهات برخی از کارمندان و معلّمان

برادر مسلمان، بدان که برخی از کارمندان و معلّمان، سهل‌انگاری می‌کنند و نیازمند نصیحت هستند.

1- هیچ‌گاه در رفتن به سر کارت تأخیر نکن؛ زیرا به مردم زیان می‌رسانی و کارهایشان را به تأخیر می‌اندازی. معلّم و کارمندی که همیشه تأخیر دارند در کارشان هم سهل‌انگاری می کنند و حقوقی که می‌گیرند به همان اندازه که تأخیر می‌کنند بر

ایشان حرام است. متأسفانه در ادارات دولتی کسی وجود ندارد که مراقب ساعات کار کارمندی باشد که تأخیر می‌کند، یا در خلال ساعت کاری، اداره‌اش را رها کرده و دنبال کارهای شخصی‌اش می‌رود و کار اداری و ارباب رجوع را رها می‌کند؛ و اگر ناظری هم وجود داشته باشد که رئیس و مسؤول آن اداره است، خودش هم گاهی اوقات وظیفه‌اش را انجام نمی‌دهد.

2- ساعات اداری را با خواندن روزنامه‌ها، مجلات، ملاقات با دوستان و دیگر کارهایی که موجب به تأخیر افتادن کار اداری می‌شود، تلف نکن مخصوصاً هنگامی که ارباب رجوع های بسیار در انتظار پاسخ‌گویی هستند، یا دانش‌آموزان منتظر آمدن معلّمشان هستند. بسیار اتفاق می‌افتد که یکی از دوستان کارمندی به دیدار او می‌آید، و از وی استقبال و پذیرایی کرده و با وی گفتگو می‌کند و کار اداری‌اش را به کناری می‌نهد. در یکی از همین ادارات دولتی، برای کارمندی مهمانی آمد و او را به اتاق خود برد و در را قفل کرد تا مراجعه‌کنندگان وارد اتاق نشوند. پس از مدتی، در را باز کرد و مردم در انتظار این کارمند در گرمای شدید و ازدحام زیاد، روی پاهایشان ایستاده بودند. و در این میان، کسانی هم بودند که به خاطر راهنمایی مراجعه‌کنندگان و تحویل گرفتن پرونده‌هایشان، از آنان رشوه می‌گرفتند؛ در حالی که کارمنداصلی از این امر و رنج و عذاب مردم غافل بود. هنگام که یکی از مراجعه‌کنندگان به اتاقش وارد شد ، بر سر او فریاد زد و او را بیرون کرد تا نوبتش برسد؛ همین کارمند از تابلویی که در کنارش نصب شده و روی آن نوشته بود : «ملاقات خصوصی ممنوع است» بی‌خبر بود.

مسؤول اصلی این مصیبت‌ها، برخی از رؤسای ادارات هستند که در برخورد با کارمندانشان سهل‌انگاری می‌کنند ؛ در حالی که عثمان(رض) می‌فرمایند :

(إنّ اله ليزع بالسّلطان مالايزع بالقرآن).

«عده ی کسانی که از ترس زور و قدرت، از گناهان و کارهای ناشایست دست برمی‌دارند بیش از کسانی است که تحت تأثیر قرآن از ارتکاب به آنها خودداری می‌کنند.»

3- چه فرماندار باشی ، چه معلّم ، چه کارمند، در انجام کارهایت خداوند متعال را حاضر و ناظر بدان و نسبت به مراجعه‌کنندگان مهربان باش و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که دوست داری آن‌گونه با تو رفتار کنند؛ کارهایشان را به طور کامل انجام بده و آنان را راهنمایی کن، زیرا رسول خدا(ص) می‌فرمایند :

(الدّین النّصیحة، قلنا لمن یا رسول‌الله(ص) قال : لله ولکتابه، و لرسوله، ولأئمّة المسلمین وعامّتهم) «رواه مسلم»

«دین؛ یعنی، اخلاص و دلسوزی. گفتم : برای چه کسی؟ ای رسول خدا، گفت : برای خدا، قرآن، رسول خدا(ص)، پیشوایان مسلمان و عموم مردم.»

راهنمایی کردن مردم، تنها وظیفه عالمی نیست که در مسجد موعظه می‌کند؛ بلکه بر هر مسلمانی مخصوصاً معلّمان واجب است. بسیارند کارمندانی که مراجعه‌کنندگان را راهنمایی نکرده و این سهل‌انگاری ها برای مراجعه کنندگان رنج و مشقّت و هزینه‌هایی را به دنبال داشته است.

4- با مراجعه‌کنندگان مغرور مباش؛ تو از همین مردمانی و آنها برادران شما هستند؛ این حقوق و مزایا را به این خاطر می‌گیری که به آنها خدمت کنی و کارهایشان را انجام دهی؛ از این رو باید سفارش لقمان حکیم به پسرش را به خاطر داشته باشی که می‌فرماید :

(وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي ٱلْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) (لقمان / 18)

«با تکبّر، از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو، زیرا خداوند، هیچ متکبّر مغروری را دوست نمی‌دارد.»

وظیفه کارگر و کارفرما

1- با اخلاص کار کن و اوقاتت را بدون کار تلف نکن تا دستمزد حلالی بگیری.

2- کارفرما را راهنمایی و نصیحت کن و نسبت به او خائن مباش حتی اگر غیر مسلمان باشد؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرماید :

(من غشّ فلیس منّا) «صحیح رواه الترمذی»

«هر کس دست به خیانت بزند از ما نیست.»

3- کارت را به بهترین وجه ممکن انجام بده زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(إنّ الله یحبّ إذا عمل أحدکم عملاً أن یتقنه) «حسن رواه البیهقی»

«خداوند از شما کسی را دوست دارد که اگر دست به انجام کاری زد آن را به وجه احسن به انجام برساند.»

4- در عمل به وعده‌ات کوشا باش و خلف وعده نکن تا اطمینان مردم را به دست بیاوری و دچار گناه بزرگی نشوی؛ پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(آیة المنافق ثلاثٌ إذا حدّث کذب، و إذا وعد أخلف، و إذا اؤتمن خان) «متفق علیه»

«نشانه ی منافق سه چیز است : هر گاه سخن گوید دروغ گوید، هر زمان وعده دهد خلاف آن عمل نماید، و اگر مورد اعتماد مردم واقع شود به آنها خیانت می کند.»

کارفرما باید به اندازه ی توانایی کارگر به او دستمزد بدهد؛ به ویژه هنگامی که میانشان قراردادی باشد. و نباید در پرداخت حقّ کارگر تأخیر کند، زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(مطل الغنیّ ظلم) «متفق علیه»

«تعلّل ورزیدن ثروتمند در پرداخت حق دیگران، ظلم به شمار می‌آید.»

تقلید کورکورانه، زیان‌بخش است

یکی از عیب‌ها و اشتباهات رایج میان مسلمانان که باید ترک شود، تقلید کورکورانه است. بعضی از مسلمانان هر سخن و کرداری را که از غرب و شرق می‌آید بدون این که عمق آن را درک کنند، مانند طوطی تقلید می‌کنند تا مردم به آنها بگویند : «متمدن و پیشرفته!»، البته این کار، اشتباهی بزرگ است.

1- برادر مسلمانم، از تقلید کورکورانه دوری کن و تا زمانی که از محتوی و عمق گفتار یا کرداری مطمئن نشده‌ای و آن را با محک اسلام نسنجیده‌ای، قبول نکن؛ شاید آن کار حرام باشد، مانند به انگشت کردن حلقه نامزدی که زن آن را به شوهرش می‌دهد، با این پندار که این انگشتری، شوهرش را از اختلاط با دختران باز می‌دارد؛ غافل از این که چنانچه همسرش بخواهد با دختران اختلاط داشته باشد، این حلقه را درمی‌آورد. استفاده از انگشتری، برای مردان جزو عادت‌های نصاری است؛ به ویژه اگر انگشتری از جنس طلا باشد که برای مردان صد در صد حرام است و پیامبر(ص) مسلمانان را از تقلید و دنباله‌روی کافران نهی کرده و فرموده است :

(من تشبّه بقوم فهو منهم)

«صحیح رواه ابوداود»

«هر کس از گروهی تقلید کند جزو آنان به حساب می‌آید.»

یکی از تقلیدهای ناپسندی که باعث ذلّت و خواری مسلمانان شده است، پیروی از قوانین ضد اسلامی غرب و به کنار نهادن شریعت خداوند متعال است که در عصر پیامبر(ص) و اصحاب و تابعین موجب عزّت و سرافرازی مسلمانان شد.

2- انگشتر طلا به دست مکن زیرا برای مردان حرام است و برای زنان حلال. از ابن عباس رضی‌الله عنهما روایت شده است که رسول خدا(ص) یک انگشتر طلا را در دست مردی دید و بلافاصله آن را درآوردند و دور انداختند و فرمودند :

(یعمد أحدکم إلی جمرةٍ من نّار، فیجعلها فی یده فقیل للرّجل بعد ما ذهب رسول الله(ص) : خذ خاتمک انتفع به، قال : و الله لا آخذه أبداً و قد طرحه رسول الله(ص))

«رواه مسلم»

«یکی از شما به سوی اخگری از آتش می‌رود و آن را در دستش قرار می‌دهد. پس از آن که رسول خدا(ص)رفتند، به آن مرد گفته شد : انگشترت را بردار و از آن استفاده کن، گفت : به خدا سوگند چیزی را که رسول خدا(ص) دور انداخته است هرگز برنمی‌دارم.»

احکام و فواید حدیث فوق‌الذکر

1- هر کس که کار ناپسندی مانند به دست کردن انگشتر طلا ـ از جانب مردان ـ را ببیند در صورت توانایی باید برای از میان برداشتن آن اقدام نماید، همانطور که پیامبر(ص) در حدیث ذیل آن را تبیین نموده اند :

(من رأى منكم منكراً فليغيره بيده، فإن لم يستطيع فبلسانه، فإن لم يستطع فبقلبه، و ذلک أضعف الایمان) «رواه مسلم»

«هر کس از شما کار زشت و ناپسندی را دید باید برای از میان برداشتن آن، در عمل اقدام کند، اگر نتوانست ، با اندرز و نصیحت از وقوع آن جلوگیری نماید؛ اگر نتوانست، باید در دل آن را ناپسند بشمارد و این ضعیف ترین درجه ی ایمان است.»

2- پیامبر(ص) در این حدیث، طلا را به اخگری از آتش تشبیه می‌کند، و این دلالت می‌کند بر این که استفاده از آن برای مردان، گناه کبیره به حساب می‌آید.

3- استفاده از انگشتر و فروختن آن جایز است همچنان که در متن این حدیث، صحابی پیامبر(ص) گفت: انگشترت را بردار و از آن استفاده کن.

4- این که صحابی، دستور پیامبر(ص) را اطاعت کرد و پس از آن که پیامبر(ص) انگشتری را دور انداختند، آن را برنداشت؛ نشانه ی ایمان قوی و فداکاری او با مال و ثروت است.

بنابراین، جوانان مسلمان باید انگشتر نقره به دست کنند؛ زیرا هم شکل زیبا و درخشان و نقره‌ای آن از طلا زیباتر است و هم قیمتش از طلا خیلی ارزانتر است و اسلام آن را برای مردان و زنان حلال کرده است. باری، یکی از برادرانم را که انگشتر طلا به دست کرده بود راهنمایی کردم و حدیث پیامبر(ص) را برای او بازگو نمودم. او نیز، فوراً انگشتر را از دستش درآورد و آن را به من داد؛ من هم آن را فروختم و یک انگشتر نقره‌ای برای او خریدم و باقیمانده ی پول را به او پس دادم؛ او از این کار خوشحال شد و معلّمان دیگر در این کار از او تبعیّت نمودند و او مصداق واقعی این حدیث پیامبر(ص) شد که می‌فرمایند :

(من سنّ فی الإسلام سنّةً حسنةً فله أجرها و أجر من عمل بها من غیر أن ینقص من أجورهم شیءٌ) «رواه مسلم»

«هر کس در اسلام راه و روش خوبی را پدید آورد، اجر و پاداش آن راه و روش، و اجر و ثواب کسانی که به آن عمل می‌کنند؛ نصیب او می‌شود، بدون این که از پاداش آنان چیزی کاسته شود.»

1- ما باید در اختراعات نوین، مانند هواپیماها، تانک‌ها، زیردریایی‌ها و سلاح‌های پیشرفته از غربی‌ها تقلید کنیم تا نیازی به آنها نداشته باشیم و از دین و سرزمینمان دفاع کنیم؛ اما نباید در خودآرایی، رقص، لاُابالی‌گری و دیگر کارهای زیان‌بخش از آنها تقلید نماییم. شاعر در این باره چه زیبا سروده است :

قلّدوا الغربیّ، لکن بالفجور و عن اللّبّ استعاروا بالقشور

«از غربی‌ها تقلید کردند اما در کارهای بد و ناشایست، و به جای گرفتن مغز و لُبٍّ حقایق، به امور سطحی پرداختند.»

2- اسلام، ما را از تقلید کارهای زشت و ناپسند، باز داشته است. ابن مسعود در این باره می‌فرماید :

(لایکن احدکم إمّعة، یقول : إن أحسن النّاس أحسنت، و إن أساء النّاس أسأت، ولکن وطّنوا أنفسکم علی أن تحسنوا إذا أحسن النّاس، و ألاّ تظلموا إذا أساء النّاس.)

«هیچ کس از شما «امّعه» نباشد، به گونه‌ای که بگوید : اگر مردم نیکی کردند، من هم نیکی می‌کنم و اگر مردم بدی کردند، من هم بدی می‌کنم؛ بلکه از نظر روحی خودتان را

آماده کنید که اگر مردم نیکی کردند، شما هم نیکی کنید؛ و اگر مردم بدی کردند، شما ستم نکنید.»

متأسفانه، هنگامی که ما برخی از مردم را نصیحت می‌کنیم تا از دروغ و خیانت دست بردارند و زنانشان بی‌حجاب بیرون نیایند بهانه می‌آورند که «همه مردم اهل دروغ و خیانت اند و زنانشان بی‌حجاب.» گویی که آنها می‌خواهند در دروغ گویی و خیانت کاری و بی‌حجابی تابع دیگران باشند! برادر مسلمانم، با این جریان‌های فاسد و پیروی‌های کورکورانه و زیان‌بخش، همگام مباش.

3- در پوشیدن لباس، مانند بیگانگان مباش؛ مثلاً، پوشیدن شلوار تنگی که عورت انسان را نمایان می‌سازد. همچنین،در گذاشتن آباژور (کلاه زنانه یا مردانه) از اروپایی‌ها پیروی نکن؛ زیرا این کلاه شعار کفار، یهودیان و نصاری است و در حدیث آمده است که :

(من تشبّه بقومٍ فهو منهم)

«صحیح رواه ابوداود»

«هر کس از قومی تقلید کند جزو آنان به حساب می‌آید.»

برادر مسلمانم، تو باید از رسول خدا(ص)، اصحاب و یاران او و انسان‌های صالح و درستکار تقلید کنی و از انسان‌های غیرمسلمان روی بگردانی.

سخنی با خواهران معلّم

راهنمایی‌هایی که در صفحات پیشین برای برادران معلّم و مربّی برشمردیم، خواهران مربّی و معلّم را هم شامل می‌شود؛ آنان نیز، باید مانند برادران، دارای صفات ویژه‌ای

باشند و به ادای وظیفه خود بپردازند. افزون بر این، کارهای مهم دیگری نیز، وجود دارد که مخصوص خواهران است.

حجاب : معلّم و مدرّس خواهر، باید با حجاب کامل وارد مدرسه یا کلاس شوند و برای رنگ حجاب مشکی بر رنگ‌های دیگر ترجیح دارد؛ زیرا از جذابیّت چندانی برخوردار نیست. ام‌سلمه می‌گوید: هنگامی که این آیه نازل شد :

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَـٰبِيبِهِنَّ ﴾ (الأحزاب / 59)

«ای پیامبر(ص)، بگو به همسران و دخترانت و زنان مؤمن که پوشش‌های خود را به خود فروگذارند.»

با نزول این آیه، زنان انصار آن چنان جامه‌های مشکی پوشیدند که انگار کلاغ‌های سیاه‌روی سرشان نشسته است.[1]

هنگامی که معلّم یا مربّی خواهر، با حجاب و متانت و وقار و دور از آرایش‌های ساختگی وارد مدرسه و کلاس می‌شود، به الگوی عملی دانش‌آموزان دختر تبدیل می‌شود، تا در رعایت پوشش اسلامی کامل از او تبعیّت کنند؛ اما برعکس، اگر خانم معلّم، بی‌حجاب ، آرایش کرده و بدون وقار و متانت وارد مدرسه و کلاس شود الگوی بدی برای دانش‌آموزان دختر خواهد شد و علاوه بر گناه خویش، گناه آنان نیز، بر گردن اوست.

1- معلّم و مدرّس خواهر، باید دانش‌آموزان دختر را به رعایت حجاب شرعی تشویق کنند و به آنها بگویند : حجاب، شعار زن مسلمان است. علاوه بر این، برای آنها

۱- ر. ک : تفسیر ابن کثیر، ج ۵۱۸/۳.

باید تبیین کنند حجاب به نفع زن مسلمان و مایه بزرگداشت او و حافظ شرف و ناموس او می‌باشد.

2- حجاب باید تمام بدن حتی صورت را فرابگیرد و رنگش مشکی باشد و جایز نیست که لباس‌های زیر حجاب نمایان شود.

3- حجاب نباید شبیه لباس مردان باشد، زیرا در حدیث از آن نهی شده است :

(لعن الله المتشبهات من النّساء بالرّجال)

«رواه البخاری»

«خداوند زنانی را که ادای مردان را درمی‌آورند نفرین کرده است.»

4- رنگ حجاب نباید پر زرق و برق و رنگارنگ باشد؛ به گونه‌ای که توجّه دیگران را جلب کند.

5- حجاب بر زنان یهودی و نصرانی که با افراد مسلمان ازدواج کرده‌اند نیز، واجب است؛ زیرا خداوند متعال می‌فرمایند :

(وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ)

(الأحزاب / 59)

«و به زنان مؤمنان بگو که پوشش‌های خود را بر خود فروگذارند».

در این آیه نگفته است : «**والنساء المؤمنات**»؛ یعنی، زنان مؤمن؛ بلکه گفته است «و **نساء المؤمنین**»؛ یعنی، زنان مؤمنان، که جای دقّت و تأمل بسیار دارد.

6- معلّم خواهر باید به دانش‌آموزان دستور دهد که در هفت سالگی روسری بپوشند تا به پوشش حجاب در دوران بلوغ عادت کنند. همچنین، در این سن، نماز را به آنان بیاموزد؛ زیرا پیامبر(ص) می‌فرمایند :

(مروا أولادكم بالصّلاة و هم أبناء سبع سنين، واضربوهم عليها و هم أبناء عشر سنين، و فرّقوا بينهم فی المضاجع)

«حسن رواه احمد و غیره»

«در هفت سالگی، به فرزندانتان دستور نماز خواندن بدهید و در ده سالگی به خاطر ترک نماز آنها را بزنید و بستر خواب آنها را از هم جدا کنید.»

منظور از کتک زدن در این حدیث، این است که سر و صورت زده نشود و زیاد آزار نبیند.

خلاصه کتاب

* وظیفه مربّی موفّق
* خصوصیّات مربّی موفّق
* وظیفه معلّم
* برخی از وظایف معلّم
* توصیه‌های مهم پیامبر(ص) برای فرزندان
* حکومت اسلامی چگونه شکل گرفت؟
* روش‌های تربیتی موفّق
* تنبیهات و تشویقات
* هشدارهای مفید تربیتی

* سخنی با خواهران معلّم و مدرّس

معلّم در آموزش و تربیت باید حکیم و کاردان باشد و کار و شغلش را دوست بدارد و نزد دانش‌آموزان و همکارانش محبوب باشد و با حکمت و مهربانی به ارشاد و راهنمایی آنان بپردازد و این فرموده ی خداوند متعال را نصب العین خود قرار دهد :

(ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ) (النحل / 125)

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله کن.»

معلّم باید بداند که کار او یکی از شریف ترین کارها است و آینده ی ملّت و دین و کشور، وابسته به راهنمایی‌ها و تعلیم و تربیتی است که در قبال دانش‌آموزان انجام می دهدو از آنان جوانان مؤمنی می‌سازد که دوستدار دین و امّتشان هستند و به آبا و اجدادشان که سرزمین‌های زیادی را فتح کردند افتخار می‌کنند. کسی چه می‌داند شاید از میان دانش‌آموزان، کسی رئیس جمهور یا فرمانده ارتش یا صاحب پُست‌های مهمی شود که آینده ی امت اسلامی به آنها وابسته می شود؛ به ویژه در عصر حاضر، که در آستانه نبردی سرنوشت‌ساز با صهیونیسم جهانی قرار داریم و برای این نبرد، نیازمند تربیت یک نسل مؤمن، نیرومند و شجاع هستیم که از مرگ نهراسند و شهادت در راه خدا و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی را بزرگ ترین آرزوی خود بداند.

معلّم باید در میان همکاران و شاگردانش از یک شخصیّت اسلامی محبوب برخوردار باشد تا آنها در ایثار و فداکاری ، انجام وظیفه، کرامت و خوش‌رفتاری، او را الگوی

خود قرار دهند و صفات پسندیده ی او بر قلب و روح شاگردان و همکارانش نیز، نقش ببندد. معلّم باید آیات و احادیث زیر را نصب العین خود قرار دهد :

(فَوَرَبِّكَ لَنَسْـَٔلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ)

(الحجر / 92-93)

«پس سوگند به پروردگارت، از همه آنان پرس و جو خواهیم کرد؛ از آنچه می‌کردند.»

(وَٱجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) (الفرقان / 74)

«و ما را پیشوای پرهیزکاران بگردان.»

(کلّکم راعٍ و کلّکم مسؤلٌ عن رعیّته)

«متفق علیه»

«همه ی شما مسؤول هستید و در قبال زیر دستانتان بازخواست می‌شوید.»

معلّم، در مدرسه و در قبال دانش‌آموزان مسؤول است.

(فو الله لأن یهدی الله بک رجلاً واحداً خیرٌ لک من حمر النّعم)

«متفق علیه»

«به خدا سوگند، اگر خداوند یک نفر را توسط شما هدایت کند، برای تو از شتران گرانبها و ارزشمند بهتر است.»

(إذا مات الانسان انقطع عمله إلاّ م ثلاثٍ : صدقة ٍ جاریة، أو علم ینتفع به، أو ولدٍ صالحٍ یدعوله) «رواه مسلم»

«هر گاه انسان بمیرد، پرونده ی اعمال او جز در سه چیز بسته می‌شود : صدقه ی جاریّه، مانند ساختن مسجد و مدرسه و ...، علمی که [مردم] از آن استفاده می‌کنند، فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند.»

از این رو، مدرّس پس از مرگش، از آموزشِ دانش مفیدی که به دانش‌آموزان داشته ، سود خواهد برد.

(اللّهم علّمنا ما یفعنا بما علّمتنا وزدنا علماً.)

«خدایا، چیزی را به ما بیاموز که برای ما سودمند است، و ما را از آنچه آموزش داده‌ای بهره‌مند گردان و دانش ما را افزون کن.»

و صلّی الله علی محمّدٍ و علی اله و سلّم

پایان

دعاهایی از قرآن کریم

﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا ﴾

(الکهف / 10)

«پروردگارا، از جانب خود به ما رحمتی بخش و راه نجاتی برایمان فراهم فرما.»

﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴾

(البقره / 201)

«پروردگارا، در این دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز، به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه دار.»

﴿ رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ﴾ (آل‌عمران / 8)

«پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دلهایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.»

﴿ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ﴾

(الحشر / 10)

«پروردگارا، ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز و در دلهایمان نسبت به کسانی که ایمان آوردند، هیچ‌گونه کینه‌ای قرار مده.»

﴿ رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ﴾

(الممتحنه / 4)

«ای پروردگار ما، بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و بازگشت به سوی توست.»

(رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ)

(البقره / 286)

«پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر دوش ما مگذار؛ همچنان که بر دوش کسانی که پیش از ما بودند، نهادی. پروردگارا، آنچه که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن.»

(رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ)

(الأعراف / 89)

«پروردگارا، میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی.»

(رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٥ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ) (یونس / 85-86)

«پروردگارا، ما را برای قوم ستمگر وسیله آزمایش قرار مده و ما را به رحمت خویش، از گروه کافران نجات ده.»

(رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ)

(الدخان / 12)

«پروردگارا، عذاب را از ما دفع کن، ما ایمان آورده‌ایم.»

(رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَتَوَفَّنَا مُسۡلِمِينَ)

(الأعراف / 126)

«پروردگارا، صبر عظیم به ما عطا کن و ما را مسلمان بمیران.»

قطعه شعرهایی از شیخ عبدالظاهر ابوالسمح رحمه‌الله

الهی انت المغیث وحدک

پروردگارا، تنها تو فریادرسی.

یا من یری ما فی الضّمیر و یسمع   أنت المعدّ لکلّ ما یتوقّع

ای کسی که آنچه در نهان‌ها می‌گذرد، می‌بینی و می‌شنوی، به هنگام وقوع هر حادثه ی غیر منتظره‌ای، تنها تو پناهگاهی.

یا من یرجی للشّدائد کلّها   یا من إلیه المشتکی و المفزع

ای کسی که هنگام سختی‌ها، دست امید به سوی تو دراز می‌شود، و ای کسی که ناله و شِکوه‌ها را پیش تو آورند، تنها تو پناهگاه هستی.

یا من خزائن رزقه فی قول «کن» أمنن فإنّ الخیر عندک أجمع

ای کسی که گنجینه‌های روزی اش در واژه ی «کُن» نهفته است، ما را روزی عطا کن زیرا هر خیر و برکتی در دست توست.

مالی سوی فقری إلیک وسیلةٌ فبالافتقار إلیک فقری أدفع

جز فقر و تنگ‌دستی‌ام، چیزی برای آوردن نزد تو ندارم، با ابراز بینوایی و نیازمندی‌ام به تو، فقر و تنگ‌دستی‌ام را از بین می‌برم.

مالی سوی قرعی لبابک حیلةٌ فلئن رددت فأیّ بابٍ أقرع

چاره‌ای جز این ندارم که درِ رحمت تو را بکوبم، اگر از در تو طرد شوم، کدام در را بکوبم.

و من الذّی أدعو و أهتف باسمه إن کان فضلک عن فقیرک یمنع

اگر فضل و بخشش تو از بنده ی فقیرت گرفته شود چه کسی را بخوانم و نامش را ورد زبان گردانم؟!

حاشا لجودک أن تقنّط عاصیاً الفضل أجزل و المواهب أوسع

بخشش و کرم تو آن چنان بی‌شمار است که هرگز آدم گنهکار را مأیوس نمی‌کنی، فضل و کرم تو فراوان است و نعمت‌هایت بی‌کران.

ثمّ الصّلاة علی النّبیّ و آله من جاء بالقرآن نوراً یسطع

درود و رحمت بر پیامبر(ص) و پیروان واقعی او، پیامبری که قرآن را که نوری درخشان است به ارمغان آورد.

الهی أنت عونی.

خدایا تو یاور منی.

إلهی لیس فی إلاّک عونٌ فکن عونی علی هذا الزّمان

پروردگارا، جز تو یاوری ندارم پس در این عصر و زمانه یاورم باش.

إلهی لیس لی إلاّک ذخر فکن ذخری إذا خلت الیدان

پروردگارا، جز تو من توشه‌ای ندارم پس آنگاه که بی‌توشه‌ام، توشه‌ام باش.

إلهی لیس لی إلاّک حصن فکن حصنی إذا رامٍ رمانی

پروردگارا، جز تو پناهگاهی ندارم. پس آنگاه که تیر دشمنان به سویم نشانه می‌رود پناهگاهم باش.

إلهی لیس لی إلاّک جاهٌ فکن جاهی إذا هاجٍ هجانی

پروردگارا، جز تو جاه و منزلتی ندارم، پس آنگاه که بدگویان به من طعنه زنند، آبرویم را حفظ کن.

إلهی أنت تعلم ما بنفسی و تعلم ما یجبیش به جنانی

پروردگارا، تو می‌دانی که در دلم چیست و تو می‌دانی که چه هیجانی به دلم نفوذ می‌کند.

فهب لی یا رحیم رضاً و حلماً　　إذا ما زلّ قلبی أو لسانی

پس ای مهربان، خشنودی و بردباری را به من عطا کن آنگاه که دل و زبانم دچار لغزش می‌شوند.

إلهی لیس لی إلاّک عزّ　　فکن عزّی و کن حصن الأمانی

پروردگارا، جز تو نیرو و توانی ندارم؛ پس تو نیرو و توان و پناهگاه آرزوهایم باش.

لاتدعوا مع الله أحداً.

هیچ کس را با خدا مخوانید.

قولوا لمن یدعو سوی الرحمن　　متخشّعاً فی ذلّة العبدان

به کسی که همچون بردگان، غیر خدا را با خواری و ذلّت می‌خواند، بگویید :

یا داعیاً غیر الاله ألا اتئد　　إنّ الدّعاء عبادة الرّحمن

ای کسی که غیر خدا را می‌خوانی، آهسته و آرام برو، بدون تردید دعا کردن، پرستش خداوند رحمن است.

أنسیت أنّک عبده و فقیره　　و دعاؤه قد جاء فی القرآن

آیا فراموش کرده‌ای که تو بنده و نیازمند او هستی و در قرآن آمده است که او را بخوانی.

ألله أقرب من دعوت لكربة و هو المجيب بلاتوسّط ثان

خداوند نزدیک ترین کسی است که برای زدودن غم‌هایت او را می‌خوانی. او کسی است که بدون واسطه، دعای بندگان را اجابت می‌کند.

هل جاء دعوة فی سنة؟ أم أنت فيه تابع الشّيطان؟

آیا در سنت پیامبر(ص) آمده است که غیر از خدا کس دیگری را بخوانید یا این که در این کار تابع شیطان هستید؟!

إن كنت فيما تدّعيه على هدىً فلتأتنا بسواطع البرهان

اگر در ادعای خود چنین می‌پنداری که بر راه راست حرکت می‌کنی، پس دلایل روشن را برایمان بیاور.

و الله مادعت الصّحابة غيره يتقرّبون به كذى الأوثان

به خدا سوگند، یاران رسول خدا(ص) هیچ بُتی را نخواندند تا به خدا تقرّب جویند.

لكنّ هذا الفعل كان لديهمو شركاً، و فرّوا منه للإيمان

این کار نزد آنان شرک محسوب می‌شد و از شرّ آن به ایمان پناه بردند.

ليس التّوسّل و التّقرّب بالهوى بل بالتّقى و البرّ و الإحسان

توسّل و نزدیک شدن، با هوا و هوس نیست، بلکه با تقوا و نیکی و احسان است.

هذا كتاب الله يفصل بيننا   هل جاء فيه توسّلوا بفلان؟

این کتاب خدا، میان ما داوری می‌کند؛ آیا در آن آمده است که به فلانی توسل کنید.

إنّ التّوسّل فی الکتاب لواضحٌ   و إذا فطنت فإنّه نوعان

بدون تردید، توسّل در کتاب خدا واضح و آشکار است، اگر هوشیار باشی توسّل بر دو نوع است.

الشیخ عبدالظاهر ابوالسمح رحمه‌الله
مدیر دارالحدیث مکّه مکرمه

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست احادیث

(با ترجمه فارسی)

نمایه